



فهرست مقالات

- اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی - اجتماعی / محمود اصغری ۳
- عوامل موفقیت با رویکرد علمی - دینی / علی احمد پناهی ۳۱
- اسلام و راه کارهای کنترلی گزینش عقلانی / ابراهیم عباسپور ۵۵
- بیانیه‌های محیط زیستی ریو و کیوتو از منظر منابع فقه اسلامی
- / رخشاد حجازی، فروزنده سادات مرعشی شوشتری، شیرین یاری ... ۹۱
- نگاهی علمی - دینی به اوقات فراغت / علی حیدری، علی اصغر هادی، مجتبی نوروزی ۱۱۱
- اعجاز علمی قرآن در ارتباط با حرمت شراب خواری / حسین اسماعیلی ۱۳۷
- بررسی مقایسه‌ای آسیب‌های اجتماعی با توجه به سبک‌های زندگی غربی و اسلامی
- / مهدیه عبدالهی ۱۶۱
- ترجمه انگلیسی (Abstracts) / علی برهان زهی ۲۰۰

راهنمای تدوین و ارسال مقالات

۱. مقالات ارسالی نباید اینترنتی باشد، یا قبلاً در نشریه دیگری چاپ شده و یا برای نشریه دیگری ارسال شده باشد.
 ۲. رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی الزامی است.
 ۳. حجم مقاله از ۲۵ صفحه تا ۲۵۰ کلمه‌ای (صفحه ۲۵۰ کلمه‌ای) بیشتر نباشد.
 ۴. حق رد یا قبول و ویراستاری مقالات برای فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی محفوظ است.
 ۵. مسؤلیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن و صرفاً بیان‌گر دیدگاه خود اوست.
 ۶. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی محفوظ خواهد بود و هرگونه چاپ و تکثیر منوط به اجازه کتبی سردبیر می‌باشد.
 ۷. جهت تسریع در امر بررسی مقالات ضروری است که نویسندگان محترم همراه مقاله نامه‌ای جداگانه حاوی تقاضای بررسی، نام و نام خانوادگی، نشانه پستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود ارسال نمایند.
 ۸. مقاله باید تحت برنامه word و مطابق با معیارهای مندرج در این راهنما باشد.
 ۹. مقالات ارسالی، از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:
 - الف - چکیده فارسی: حداکثر مشتمل بر ۲۵۰ واژه و چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
 - ب - واژگان کلیدی و معادل انگلیسی آنها حداکثر ۱۰ واژه.
 - ج - مقدمه و نتیجه‌گیری.
 - د - پی‌نوشت‌ها: توضیحات بیشتر، از جمله معادل خارجی اسامی و اصطلاحات مهم یا مهجور، با عنوان «پی‌نوشت‌ها»، در انتهای مقاله آورده شود.
 - ه - کتابنامه: فهرست الفبایی منابع فارسی و غیر فارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه و با رعایت قالب‌بندی زیر آورده شود.
کتاب: نام خانوادگی، نام مؤلف (تاریخ چاپ)، نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.
مثال: هارت ناک، یوستوس (۱۳۵۱)، ترجمه منوچهر بزرگمهر، تهران، انتشارات خوارزمی
- Nozick, Robert (1981), *philosophical Explanation*, Oxford University Press.
- مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه.
- مثال: علیزاده، بیوک (۱۳۸۲)، «فلسفه تطبیقی، مفهوم و قلمرو آن»، نامه حکمت، ش ۱.
۱۰. نحوه ارجاع داخل متن: برای ارجاع دادن به منابع و مآخذ در متن مقاله، مشخصات منبع و مآخذ، در درون پرانتز، به صورت زیر، آورده شود:
 - الف - منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، صفحه).
 - مثال: (مطهری، ۱۳۶۱، ۹۵)
 - ب - منابع لاتین: (صفحه، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف).
 - مثال: (Plantinga, 1998, 71)
- اگر از یک نویسنده، در یک سال، بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۱۱. ارسال و دریافت مقالات صرفاً از طریق سامانه مدیریت نشریات به نشانی www.razavi.ac.ir انجام می‌گیرد.
 ۱۲. ارتباط با مدیریت مجله از طریق رایانامه ISS@razavi.ac.ir امکان‌پذیر است.

اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی - اجتماعی*

(با رویکرد آسیب‌شناسانه به نگاه ارزشی و هنجاری به مصرف‌گرایی)

□ محمود اصغری^۱

چکیده

نویسنده در این مقاله در پی تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی با ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی - اجتماعی (با رویکرد آسیب‌شناسانه به نگاه ارزشی و هنجاری به مصرف‌گرایی) است؛ زیرا مسلم است نظام اسلامی برای تداوم حیات اقتصادی خود همراه با استقلال و عزت اجتماعی، لازم است در گام اول، نیازهای اساسی و حیاتی جامعه خود را با استفاده از منابع و عوامل تولید، با بهترین و اثربخش‌ترین شیوه و پرهیز از اتلاف و تضییع منابع تأمین کند. هر چه منابع و عوامل تولید در جهت رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی بهتر استفاده شود و کم‌تر معطل و راکد بماند یا اتلاف و تضییع شود، حرکت در جهت اقتصاد مقاومتی شتاب بیشتری خواهد گرفت. بی‌تردید این امر مهم زمانی میسر است که بستر اجتماعی آن نیز فراهم باشد. آنچه که این بستر را آماده می‌سازد ارزش‌ها و هنجارهای مناسب با این تحول عظیم در زمینه اقتصادی است. بنابراین، فرض ما در این مقاله بر این

است که رابطه تنگاتنگی بین ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی - اجتماعی با اقتصاد مقاومتی وجود دارد که بدون وجود این ارزش‌ها و هنجارها دستیابی به اقتصاد مقاومتی با چالشی جدی روبرو است. واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی، آموزه‌های دینی، مصرف‌گرایی.

مقدمه

نگاهی، هر چند گذرا، به روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجود در جامعه، بیننده را با مواردی رو به رو می‌سازد که با توجه به آموزه‌های دینی و ارزش‌های فرهنگی مورد قبول اکثریت افراد جامعه به سختی مورد انتظار و توجیه‌پذیرند. آموزه‌های دینی، به ویژه به لحاظ عناصر ادراکی و ارزشی آن، سرشار از مفاهیم و الگوهای مثبت و سازنده است، اما این باورها و ارزش‌ها چنان که در یک فرایند جامعه‌شناختی مورد انتظار است، به صورت هنجار در نمی‌آیند و به عرصه زندگی فردی و اجتماعی راه نمی‌یابند.

به عنوان مثال در حالی که در حوزه باور و اعتقاد، رعایت حد اعتدال در مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر و چشم و هم‌چشمی و حمایت از تولیدات داخلی و پرهیز از خرید و مصرف کالای قاچاق و عمل به قوانین و احترام گذاشتن به آن، امری لازم و از مصادیق بارز ارزش‌های دینی و فرهنگی است؛ اما در حوزه کنش و رفتار افراد در جامعه، خلاف آنچه به عنوان باورها و ارزش‌هاست مشاهده می‌شود؛ تا جایی که، حتی قانون و مقررات امری است که باید به هر صورت ممکن و با توسل به هر وسیله‌ای از آن فرار کرد و تن دادن به آن نوعی ضعف شخصیتی و اجتماعی تلقی می‌شود.

کار و تلاش و گذراندن زندگی از حاصل دسترنج و تلاش مفید به حال جامعه از بارزترین ارزش‌های دینی و اجتماعی است؛ اما در مقام ارزش‌گذاری عملی، کسانی در جامعه افراد موفق محسوب می‌شوند و مورد تکریم و اعجاب قرار می‌گیرند که بتوانند با کار کم‌تر و راحت‌تر، درآمد بیشتری کسب کنند و

در مدت کم‌تری به جمع‌آوری ثروت‌های کلان دست یابند.

اقتصاد مقاومتی که شکلی از اقتصاد اسلامی است، در ۱۶ شهریور سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری علیه‌السلام جهت اصلاح نظام اقتصادی کشور مطرح و در ۲۹ بهمن سال ۱۳۹۲ در ۲۴ بند، در قالب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به دولت ابلاغ گردید. در بند هشتم این سیاست‌ها به موضوع مصرف پرداخته و می‌گوید:

مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹).

همچنان که در بند بیست و یکم آن طالب «تیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفت‌وگو سازی آن به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفت‌وگو فراگیر و رایج ملی» است (همان). این مقاله تلاشی در جهت تبیین بند هشتم و بیست و یکم این سیاست‌هاست؛ زیرا مسلم است، بنای اقتصاد مقاومتی از دل رفتارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه بیرون می‌آید و رابطه تنگاتنگی با ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه دارد.

از آنجا که اقتصاد مقاومتی در چارچوب اقتصاد اسلامی تعریف و تبیین می‌گردد، به تبع آن ارزش‌ها و هنجارها در باب مصرف نیز با رویکرد دینی مورد بحث قرار می‌گیرد.

بنابراین، فرض ما در این نوشتار بر این است که رابطه مستقیم و تنگاتنگی میان شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی در کشور و باورهای ذهنی و رفتاری جامعه در رابطه با تولید و مصرف وجود دارد و ریشه اصلاح مسائل اقتصادی در راستای دستیابی به اقتصاد مقاومتی در بخش تولید و مصرف در ارزش‌های اقتصادی، و هنجارهای اجتماعی است.

این نوشتار در دو بخش، به تبیین رابطه اقتصاد مقاومتی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خواهد پرداخت.

پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه تحقیق باید به این نکته اشاره شود که اگر چه درباره اقتصاد مقاومتی و مطالب مربوط به آن تحقیقاتی صورت گرفته است، اما این که این سه موضوع (اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی – اجتماعی) با هم به صورت یک مسأله تحقیقی مورد بررسی قرار گرفته باشد، به نظر کاری انجام نشده است. در ادامه به عناوین برخی از این مقالات و مطالب آن اشاره می‌شود.

۱. سیف، الله مراد (۱۳۹۱)، در مقاله «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، با بهره‌گیری از بیانات رهبری به چهار مؤلفه اساسی رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فزونی اقتصادی پرداخته و به مناسبت به بحث از حمایت از تولید ملی با تأکید بر خودکفایی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، بهبود فضای کسب و کار و اصلاح الگوی مصرف پرداخته است.

۲. میرمعزی، سید حسن (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری علیه‌السلام»، اقتصاد مقاومتی را شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام دانسته که در وضعیت تهدید اقتصادی دشمن با تغییر اولویت‌ها و اهداف نظام اقتصادی و تغییر متناسب با آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلی نظام پدید می‌آید.

۳. هزاوئی، مرتضی و زیرکی، علی (۱۳۹۳)، در مقاله «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»، با پرداختن به مفهوم رانت و اقتصادهای رانتی، ریشه مشکلات اقتصادی کشور را در رانتی بودن اقتصاد دانسته و راه اصلاح را در اصلاح این ساختار می‌داند.

۴. رضایی دوانی، مجید و رضایی، مرتضی (۱۳۹۳)، در مقاله «اقتصاد مقاومتی و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور»، با مروری بر اندیشه‌های اقتصادی

اسلام در خصوص معیارهای عملکردی دولت، راه کارهایی را برای تقلیل و صرفه‌جویی در منابع عمومی دولت پیشنهاد می‌کند.

۵. معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان «مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اقتصاد اسلامی»، با بیان این که الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است، به بررسی این موضوع در قالب شش اصل پرداخته است.

۶. اصغری، محمود (۱۳۹۳)، در مقاله «تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی»، با بیان این که بین تربیت دینی و اقتصاد مقاومتی رابطه معناداری وجود دارد؛ زیرا تربیت دینی در بعد اقتصادی در واقع همان مهارت‌آموزی و به کارگیری آن در بهره‌وری بهینه از منابع و ارتقاء بهره‌وری است، در این باره سخن گفته است.

۷. تراب زاده جهرمی، محمد صادق؛ سجادیه، سید علیرضا و سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲)، در مقاله «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (عج)»، اقتصاد مقاومتی را طراحی و مدل‌سازی ویژه‌ای از شرایط و ساز و کارهای اقتصادی دانسته که مبتنی بر آن فضای اقتصادی کشور براساس فرض وجود حداکثر تحریم‌ها و فشارها به صورت فعال و نه منفعل طراحی می‌شود.

۸. اسدی، علی (۱۳۹۳)، در مقاله دیگری تحت عنوان «نظام اقتصاد اسلامی، الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، با بیان این که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است معتقد است این اقتصاد، در شرایط بروز ناملازمات، حوادث، بحران‌ها یا در مسیر اهداف پویا و پایدار به تخصیص بهینه منابع می‌پردازد.

۹. رهبر، فرهاد؛ سیف‌الدین، امیر علی و رهبر، امیر حسین (۱۳۹۳)، در پژوهشی به نام «رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی؛ تلاشی در جهت نگاه

اسلامی به گذار سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی»، اقتصاد مقاومتی را اقتصادی می‌داند که اجازه رشد را در شرایط تحریم و فشار می‌دهد.

بخش اول: تعریف مفاهیم

تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، همچنانی که از نام آن پیداست، اقتصادی است که در پی آسیب‌زدایی و ترمیم ساختارهای اقتصادی موجود از طریق ایجاد نهادهای اقتصادی با رویکرد انقلابی و جهادی است. مهم‌ترین ویژگی اصلی این اقتصاد، تداوم رشد اقتصادی در شرایط فشارهای بیرونی است و به بیان مقام معظم رهبری علیه السلام اقتصاد مقاومتی: «یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۶/۵/۱۳۹۱).

تعاریف دیگری که صاحب‌نظران در رابطه با معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی بیان نموده‌اند به نوعی شرح و توضیح و تبیین کلام رهبری است. نمونه‌هایی از آن تعاریف بدین قرارند:

کام فیروزی، محمد حسن؛ بنیادی نائین، علی و موسوی، لقمان (۱۳۹۲) می‌گویند: اقتصاد مقاومتی یک افزونه (نه لزوماً نظام) اقتصادی بومی است که مبتنی بر علم، عقلانیت، اراده عمومی و معارف ناب اسلامی است. این افزونه به منظور افزایش ثروت عمومی پدید ساختن عدالت اقتصادی و رفع شکاف بین طبقات اجتماعی، افزایش رفاه عمومی و ریشه‌کن کردن فقر و در جهت رسیدن به نظام اقتصادی اسلامی که قابلیت پیاده‌سازی در تمدن بزرگ اسلامی را دارد به کار می‌رود.

معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰)، معتقد است: اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می‌کند؛

به گونه‌ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر با اتکاء به نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفا می‌کند.

خوش چهره، محمد (۱۳۹۱)، باور دارد: اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

موسوی، سید علی (۱۳۹۲)، می‌گوید: اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار در شرایط کنونی تحریم، و در پی آن تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن، و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که به طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است.

صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱)، معتقد است: اقتصاد مقاومتی یعنی این که مردم الگوی مصرف خود را تغییر دهند و از مصرف کالای خارجی به سمت مصرف کالای داخلی حرکت کنند.

جامی، علیرضا؛ ایمانی مقدم، حمید رضا و تنها، مجتبی (۱۳۹۱)، بر این باورند که: اقتصاد مقاومتی سیستمی است که در صدد است با محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانون‌مندی، رشد و پایداری اقتصادی را برقرار سازد (جامی، ایمانی مقدم، تنها، ۱۳۹۱، ۱۸۲). همان گونه که گفته شد این تعاریف بازگشت به تعریفی است که مقام معظم رهبری علیه‌السلام از اقتصاد مقاومتی نمودند.

تعریف ارزش‌ها

واژه ارزش در لغت به معنای قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت، شایستگی، زیندگی و... آمده است (دهخدا، ۱۳۴۱، مسلسل ۶، ۱۸۰۶). در تعریف ارزش‌ها گفته‌اند: ارزش‌ها، باورهای ریشه‌داری هستند که گروه اجتماعی هنگام سؤال درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و کمال مطلوب به آن رجوع می‌کند (کوئن، ۱۳۷۲، ۷۳).

از منظر جامعه‌شناختی ارزش‌ها به عنوان معیارهایی تعریف شده‌اند که بر

مبنای آنها گروه یا جامعه اهمیت اشخاص، الگوهای رفتاری، هدف‌ها و دیگر اشیاء فرهنگی - اجتماعی را ارزیابی می‌کند (نیک گهر، ۱۳۶۹، ۲۸۱).
 با توجه به تعریف مزبور است که جامعه‌شناسان نقش ارزش‌ها را در جامعه بسیار کلیدی دانسته و از آن به چراغ هدایت رفتار تعبیر نموده‌اند. از این رو، نه تنها قوام فرهنگ، بلکه قوام جامعه را وابسته به ارزش‌ها دانسته‌اند (مریجی، ۱۳۸۲، ۱۱).

معنای هنجار

واژه هنجار در زبان فارسی به معنی راه، روش، راه راست، جاده، طرز و قاعده بیان شده است (دهخدا، ۱۳۴۱، مسلسل ۶، ۱۸۰۶). همچنین در فرهنگ لغت عمید به معنی قانون، روش، رفتار و... آمده است (عمید، ۱۳۵۶، ۱۲۶۰).

بنابراین، هنجار در لغت به عنوان قانون یا قاعده‌ای تلقی می‌شود که باید به آن رجوع نمود. هنجار در این معنا نشان دهنده معیار مشترکی بین اعضای یک گروه اجتماعی است که انتظار می‌رود براساس آن رفتارشان را شکل دهند. این هم‌نوایی از طریق تشویق‌ها و مجازات‌ها تنفیذ می‌شود (وثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۱، ۱۸۳).

در جامعه‌شناسی نیز، هنجار قاعده و معیاری است برای رفتار و تنظیم روابط که اکثریت از آن پیروی می‌کنند و عدم پیروی از آن مجازات در پی دارد. از طرفی، هنجارها رفتارهای معینی هستند که براساس ارزش‌های اجتماعی قرار دارند و با رعایت آنها جامعه نظم و انتظام پیدا می‌کند (سلیمی، ۱۳۸۰، ۳۳۸).

بنابراین، هنجار یک قاعده رفتاری است که مشخص می‌کند مردم در شرایط معین چگونه رفتاری باید داشته باشند. ثمره این استاندارد رفتاری آن است که به بقای الگوهای روابط متقابل اجتماعی و شیوه‌های انجام امور کمک می‌کند.

مبنای ارزش‌ها و هنجارها در جامعه اسلامی

خدا محوری

از آنجا که جامعه اسلامی، هستی‌شناسی خاص خود را دارد، برای زندگی افراد جامعه اهدافی را مشخص ساخته است که باعث می‌شود در مجموعه رفتاری انسان‌های مؤمن تأثیر گذار باشد. از این رو، آداب اجتماعی به عنوان یک زیر مجموعه، رفتار عموم مسلمانان معنا و مفهوم می‌یابد و معیارهای خاص خود را می‌طلبد.

از نظر اسلام هیچ غایتی برای زندگی بشر جز توحید نیست، که در مرحله اعتقاد و عمل خود را نشان می‌دهد. اسلام کمال انسان و غرض‌نهایی زندگی‌اش را در تحقق اسماء الهی در انسان می‌داند به گونه‌ای که انسان صبغة الله یافته و متجلی به اسمای حسنا و نیکوی الهی گردد. از این رو باید در همه ابعاد وجودی‌اش، نه تنها پای‌بند به قوانین و آموزه‌های دستوری و اخلاقی اسلام باشد، بلکه با توجه به سلايق نیکو نیز ظرافت و زیبایی‌های رفتاری را مورد توجه قرار دهد. بنابراین، ارزش‌ها و هنجارها در جامعه اسلامی حول محور الهی در گردش‌اند.

بر اساس این مبنا، ارزش‌ها و رفتارهای بهنجار تنها آن چیزی نیست که ضوابط اجتماعی اقتضا می‌کند، زیرا چه بسا قواعد اجتماعی حاکم بر جامعه رفتاری مطابق با خدامحوری نباشند؛ در این مبنا منبع کشف و دریافت قواعد و اصول نظام اجتماعی کتاب خدا، سیره و سنت پیامبر خدا ﷺ، و گفتار و راه و رسم معصومین علیهم‌السلام و حکم عقل است. بر این اساس، هر چه از این چارچوب دینی خارج شود و ارزش‌های مورد نظر آن را به رسمیت نشناسد، به عنوان انحراف و کج‌روی محسوب می‌گردد: ﴿وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (انعام/۱۵۳)؛ و این است راه راست من از آن پیروی کنید و به راه‌های گوناگون نروید که، شما را از

راه خدا پراکنده می‌سازد. این‌هاست آنچه خدا شما را بدان سفارش می‌کند، شاید پرهیزگار شوید.

نقش هنجارها در نظام اجتماعی

شرط بقاء جامعه، یگانگی اجتماعی و شرط یگانگی اجتماعی، رعایت هنجارها از طرف افراد جامعه است. از این‌رو، هر جامعه‌ای می‌کوشد اعضاء خود را با هنجارهای گروهی سازگار و هم‌نوا کند. به همین سبب هر جامعه‌ای هم‌نوایی اجتماعی را فضیلت و ناهم‌نوایی اجتماعی را رذیلت می‌شمارد.

جامعه افرادی را که با هنجارهای اجتماعی سازگاری دارند بهنجار و گرامی می‌دارد و اعضاء ناسازگار را هنجارشکن یا نابهنجار، می‌نامد و مورد تحقیر و گاه مجازات قرار می‌دهد (نیک گهر، ۱۳۶۹، ۳۴۹-۳۴۸).

پیروی نکردن از هنجارها کج‌روی است، همچنان که پیروی کردن از آنها سازگاری نام دارد. سازگاری ممکن است از سر علاقه و دل‌بستگی یا بر اثر انضباط و اجبار باشد (همان، ۱۶۹-۱۶۸).

در اسلام وجود آئین امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت فراوان آن در قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام، و اهمیت جایگاه محیط خانواده در تربیت و سالم‌سازی محیط و نقش والای مکان‌های تعلیم و تربیت در اسلام و نقش محیط معاشرت در تأثیرگذاری بر رفتار انسان‌ها، همگی حاکی از اهمیت سازگاری از روی میل و علاقه در حفظ و حمایت از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در اندیشه‌های اسلامی است (ستوده، ۱۳۸۴، ۱۴۱).

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (مائده/۲)؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است.

در واقع یکی از اصول و ارزش‌هایی که نقش کلیدی را در حاکم نمودن روحیه سازگاری در قالب یک هنجار در جامعه ایجاد می‌کند، مسأله تعاون و همیاری و رقابت سالم در فعالیت‌های اقتصادی افراد در جامعه است؛ به همین دلیل، جهت‌گیری سیاست‌های نظام اسلامی باید برای تقویت و سامان بخشیدن به این روحیه باشد.

حمایت از هنجارها

اهمیت حمایت از هنجارها در میان جوامع تا جایی است که حتی در نظام‌های حقوقی سکولار امروز غربی، قانون‌گذار مسئول محافظت از هنجارهای جامعه است و خود دنباله‌رو جامعه در ارتباط با هنجارها محسوب می‌شود. در واقع قانون‌گذار در این جوامع وظیفه دارد هنجارهای مطرح در جامعه را شناسایی نموده و برای محافظت از آنها، رفتارهای متجاوزانه به این هنجارها را جرم‌انگاری نماید. بنابراین نخستین هدفی که قانون‌گذار در نظام‌های حقوقی غرب از جرم‌انگاری رفتارها دنبال می‌کند، محافظت از هنجارهایی است که آن را مورد احترام اجتماع تشخیص می‌دهد.

بر همین اساس پیروان مکتب دفاع اجتماعی در جوامع غربی اعتقاد دارند پایمال شدن هر یک از هنجارهای مورد احترام اجتماع و جدان عمومی جامعه را به حرکت درآورده و باعث می‌شود که جامعه خود را در معرض خطر ببیند و به همین دلیل خواستار واکنش به این هنجارشکنی می‌شوند و دستگاه قضایی موظف است در پاسخ به این درخواست جامعه، به رفتارهای خلاف هنجار واکنش نشان دهد. بنابراین رفتارهایی که به هنجارهای اجتماعی تجاوز می‌نمایند شناسایی و جرم‌انگاری می‌گردند تا به هنگام ارتکاب آنها از سوی افراد، دستگاه قضایی بتواند در مقام واکنش به هنجارشکنی در اجتماع از جامعه دفاع کرده و هنجارشکنان را وادار به پرهیز از تعدی به هنجارهای جامعه نماید (ابرنندآبادی، ۱۳۸۷، ۱۲۰).

رابطه بین هنجارها با ارزش‌ها

همچنان که گذشت، ارزش‌ها، احساسات ریشه‌دار و عمیقی است که اعضای جامعه در آن شریکند. ارزش‌ها وقتی تعیین می‌یابند که به قاعده رفتار تبدیل شده و انتظارات افراد را شکل دهند. از این رو، هنجارها تعیین بخش ارزش‌ها هستند، همان گونه که رفتار عینیت بخش هنجار است.

بنابراین، هنجارهای اجتماعی در حقیقت رفتارهایی است که فرد در قبال افراد جامعه از خود بروز می‌دهد. مجموعه سنت‌ها، قوانین، آداب و اخلاق است که هنجارهای اجتماعی فرد را مورد ارزیابی و سنجش می‌گذارد و در پایان، ارزش و جایگاه رفتاری او را تبیین می‌نماید (نیک گهر، ۱۳۶۹، ۲۸۹-۲۸۷).

وقتی یک ارزش به هنجار تبدیل شود، یعنی وقتی اکثریت یک جامعه یک پدیده را با ارزش تلقی نمودند، آن پدیده به ارزش اجتماعی یا ارزش هنجار شده تبدیل می‌گردد (همان، ۲۹۳-۲۹۲). پدیده‌هایی که ارزش واقعی دارند نیز فقط وقتی به ارزش اجتماعی تبدیل می‌شوند، که رهبران آن جامعه بتوانند آن ارزش را در جامعه اشاعه دهند و به هنجار تبدیل نمایند، به طوری که عدم پذیرش درونی و عدم رعایت آن تویخ‌های درونی و غیر رسمی از جانب بقیه اعضا جامعه در پی داشته باشد. در واقع نخبگان و گروه‌های مرجع، نقش الگوهای عینی را ایفا می‌کنند. در راستای توجه به این نیاز اجتماعی انسان است که قرآن کریم نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به عنوان الگوی نیکوی عینی معرفی می‌کند ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب/۲۱)؛ به طور مسلم برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

در هر صورت هر چه که هنجار شد چه از حیث ماهیت با ارزش باشد و چه بی‌ارزش، از نظر اکثریت اعضا جامعه با ارزش (یعنی به ارزش اجتماعی تبدیل)

می‌شود، چه هنجارها برای یک جامعه مفید باشند مانند: اعتقادات جمعی، ایشار، کار و تلاش صادقانه، وجدان کاری، ... و چه مضر باشند، مانند خرید و فروش اجناس قاچاق، بی‌توجهی به مقررات و قوانین، فرار از مالیات و... (رفیع پور، ۱۳۸۷، ۱۶۲ و ۱۶۳).

بنابراین، با توجه به این که هنجارها، قواعد و کنش‌هایی هستند که اشخاص، ناخودآگاه رفتار خود را با آن تطبیق می‌دهند و در هر وضعیت اجتماعی طبق معیارهایی که صحیح و مناسب است عمل می‌کنند؛ رسوم اخلاقی مستقر و قدرتمند که الگوهای رفتاری در جامعه هستند، مهم‌ترین هنجارهای رفتار اجتماعی به شمار می‌آیند (وشوقی و نیک خلق، ۱۳۷۱، ۱۸۴) و متغیرهای اقتصادی تابع این رفتارهاست.

بخش دوم: اقتصاد و رابطه آن با ارزش‌ها و هنجارها

جایگاه اقتصاد در تقسیم‌بندی علوم

اگر چه اقتصاد در تقسیم‌بندی علوم، در گروه علوم انسانی و اجتماعی قرار دارد، ولی از برخی جنبه‌ها با آنها متفاوت است. رشته‌هایی از علوم انسانی و اجتماعی را که موضوع آنها افراد، گروه‌ها و جوامع و کیفیت روابط بین آنهاست، می‌توان «علوم انسانی» محض نامید، حال آن که اقتصاد از این نظر کمی متفاوت است. زیرا اقتصاد یکی از وظایف مطالعه رفتار اقتصادی انسان‌هاست و از این جهت از «علوم انسانی محض» محسوب می‌شود؛ ولی علاوه بر آن وظیفه تبیین و شناخت بعضی روابط فیزیکی و تکوینی بین پدیده‌های اقتصادی را نیز به عهده دارد و از این منظر با علوم انسانی محض متمایز است. با توجه به همین مسأله است که شهید صدر برای اقتصاد دو دسته عوامل را در نظر می‌گیرد؛ یک دسته عوامل انسانی و دسته دیگر عوامل فیزیکی (صدر، ۱۳۶۰، ۱/۲۸۶-۲۸۵). حال با توجه به آنچه گفته شد، عوامل فیزیکی، گرچه مقوله‌ای غیر ارزشی‌اند، ولی بهره‌برداری

و به کارگیری آنها به عنوان ابزار، مسأله‌ای ارزشی است، زیرا که انتخابی است و انتخاب نیاز به معیار دارد و معیار مسأله‌ای ارزشی است. و ارزش خود، همچنان که گذشت، خمیر مایهٔ هنجار را می‌سازد.

با توجه به آنچه گفته شد به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان، علم اقتصاد بدون اتکا به یک سیستم ارزشی قابل تصور نیست.

اقتصاددانان شاخصی همچون «میردال»، «سامونلسون» و ده‌ها اقتصاددان دیگر مدعی‌اند که در هیچ علمی نظریه با مشاهدهٔ فارغ از ارزش‌گذاری ممکن نیست و هیچ اقتصاددانی نمی‌تواند به لحاظ اخلاقی در برابر مسائل و موضوعات مطروحه، از جمله مسائل اقتصادی، بی‌طرف باشد، زیرا خود بی‌طرفی هم یک نوع قضاوت ارزشی و اخلاقی است. میردال معتقد است «به دلایل منطقی تا به حال علم اجتماعی بی‌طرف وجود نداشته است و از این به بعد هم نخواهد داشت. هر موقع که به جستجوی حقیقتی می‌پردازیم، مانند دیگر رفتارهای معنادار خود، خواه و ناخواه از ارزش‌های معینی پیروی کرده‌ایم، لکن این ارزش‌ها ممکن است در ذهن پنهان بمانند و محقق هیچ‌گاه متوجه حضور آنها نشود. از آنجا که در این حالت ارزش‌های نهفتهٔ فوق در ضمیر ناخودآگاه محقق به طور مبهم و نامعینی عمل خواهد کرد، اگر درها به سوی پیش‌داوری‌ها و تعصب‌ها باز شوند جای تعجبی نخواهد بود» (میردال، ۱۳۵۶، ۲۹). حتی برخی مانند کاتوزیان تا جایی در این مسأله پیش رفته‌اند که می‌گویند:

در حالی که اقتصاددانان نئوکلاسیک، در گذشته و حال دل مشغول تعیین شرایطی بوده‌اند که بتواند تخصیص کارای منابع را تضمین کند؛ یعنی شرایطی که در مجموع بیشترین رفاه مادی را از منابع محدود عاید گرداند، با این فرض که این هدف اجتماعی مطلوبی می‌باشد، همهٔ این‌ها چه درست و چه نادرست نظریه‌هایی تجویزی‌اند (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۴۸)

بنابراین، اقتصاد نمی‌تواند تابع ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه نباشد و

نسبت به آنها بی تفاوت باشد.

تأثیرپذیری اقتصاد

آنچه مسلم است کنش‌ها و رفتارهای بهنجار و نابهنجار مرتبط با مسائل اقتصادی پیامدها و آسیب‌های خود را بر متغیرهای اقتصادی از قبیل نرخ رشد پس‌انداز، نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نرخ رشد تولید و مصرف و نرخ رشد صادرات و واردات و... خواهد گذاشت.

با این که در آموزه‌های اسلامی به طور کلی اقتصاد در نقطه مقابل اسراف قرار گرفته، چنان که در کلامی امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاءَ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِشَيْءٍ وَ حَتَّى صَبَّكَ فَضْلَ شَرَابِكَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۵۱/۲۱)؛ خداوند متعال اقتصاد و میانه‌روی را دوست دارد و اسراف و زیاده‌روی مورد خشم او است، حتی اگر اسراف در انداختن هسته خرمایی باشد که قابل مصرف است یا زیادی آبی که خورده شده، باشد.

همان گونه که دیده می‌شود از این تعبیر امام می‌توان استفاده نمود که اقتصاد همان استفاده بهینه از منابع و کالاست و عکس آن حیف و میل نمودن منابع، که همان اسراف است، می‌باشد. بنابراین، با این که اسراف پدیده‌ای است مذموم، حتی در مورد یک کالای بسیار بی‌ارزش و به ظاهر غیر قابل اعتنا، اما در عین زیاده‌روی در مصرف و حیف و میل به ویژه در مواد غذایی به عنوان یک هنجار در جامعه به وضوح دیده می‌شود.

در بخش تولید، تولید کالاهای لوکس، پرخرج و تشریفاتی، خود نوعی هدر دادن سرمایه‌ها، وقت و نیروی انسانی است. منابعی که صرف تولید برخی کالاهای لوکس و تجملی می‌شود اگر صرف سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات گردد می‌تواند موجب رشد و توسعه کشور شود.

همچنان که بی‌توجهی به کیفیت و مرغوبیت کالا در مرحله تولید نیز موجب اسراف و تضييع و از بین رفتن منابع می‌شود. تولید کنندگان کالاهای صنعتی اگر دقت لازم را در تولید یک قطعه صنعتی به کار نبرند، علاوه بر هدر دادن سرمایه وقت و نیروی انسانی و سلب اعتماد عمومی، از مصادیق اسراف در مصرف در کلام امام صادق علیه السلام می‌گردند، زیرا از منابع استفاده بهینه را نبرده‌اند.

و یا در مصرف انرژی با توجه به منابع خدادادی در کشور با توجه به قیمت‌هایی به مراتب ارزان‌تر از دیگر کشورها و با سهولت بیشتری به مصرف کننده عرضه می‌شود، میزان مصرف و اتلاف انرژی در ایران به مراتب بالاتر از کشورهای صنعتی است و وضعیت مصرف انرژی در کشور با اصول مربوط به ارتقاء بهره‌وری و بازدهی انرژی در جهان، به طور کلی مغایرت دارد.

این در حالی است که انرژی در حیات اقتصاد صنعتی جوامع، نقش زیربنایی را ایفا می‌کند، به این معنا که هرگاه انرژی به مقدار کافی و به موقع در دسترس باشد، توسعه اقتصادی نیز میسر خواهد بود.

بنابراین، تولید کنندگان و مصرف کنندگان انرژی باید در خصوص نقشی که انرژی برای دستیابی به توسعه پایدار به عهده دارد، به طور عمیق بیاندیشند و در نتیجه تلاش کنند تا چرخه نابهنجاری، که بیشتر به دلیل مصرف ناصحیح به شکل چرخه رشد اقتصادی، استفاده از انرژی رشد یافته، از میان برود.

اگر چه به لحاظ جامعه‌شناسی اجتماعی تا زمانی که رفتارهای نابهنجار بار ضد ارزشی خود را حفظ کرده و کنش‌گر، خود را در مقابل جامعه و وجدان خود خلاف کار احساس می‌کند، چندان نگران کننده نیست؛ چرا که همین بار منفی توان محدودسازی کنش نابهنجار و جلوگیری از تسری آن به عرصه رفتارهای بهنجار اجتماعی را دارد. اما هنگامی که در یک فرایند نزولی، کنش‌های نابهنجار و ضد ارزشی آن چنان در عرصه عمل اجتماعی جا بزمی کنند و عادی می‌شوند که به تدریج بار منفی خود را از دست داده، خود

به صورت منشأ ارزش‌ها و هنجارهای جدید ظاهر می‌شوند، آنجا جای نگرانی و احساس خطر دو چندان وجود دارد؛ چرا که به لحاظ جامعه‌شناختی، ارزش‌ها هنجارهایی متناسب با خود تولید می‌کنند (ر.ک: گیدنز، ۱۳۷۳، ۳۶)؛ در این صورت امید به بازگشت و اصلاح از بین می‌رود.

هنجارهای زمینه‌ساز اقتصاد مقاومتی با تکیه بر فرهنگ ایرانی - اسلامی
 هر جامعه‌ای از سه رکن اساسی تشکیل می‌شود که عبارتند از فرهنگ، سیاست و اقتصاد. این سه رکن در واقع متقوم یکدیگر هستند و از بین آنها، فرهنگ نقش مهم‌تری را داراست. از این رو، اقتصاد در تبعیت از فرهنگ عمل می‌کند. به طور کلی اقتصاد، ارزش‌ها، هنجارها و جهت خود را از فرهنگ متبوع خود می‌گیرد. بنابراین، تا ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی مقاومتی نباشد، اقتصاد هم مقاومتی نخواهد شد، زیرا این دو با هم یک رابطه طولی دارند.

از این رو، اولین شرط حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی داشتن هنجارهای فرهنگی مقاومتی است. همچنان که روحیه جهادی یک ملت، بیش از هر چیز دیگر به هویت و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی او برمی‌گردد.

بدین جهت است که از منظر اسلام هنجارهای فرهنگی مهم‌ترین شاخصه یک جامعه اسلامی است. اگر در یک جامعه هویت اسلامی از طریق هنجارها نمود نداشته باشد و جامعه هویت دینی خود را باخته باشد، نمی‌تواند موفقیت‌های چشم‌گیری در امور دنیوی و اخروی داشته باشد. هویت فرهنگی شاخصی است که با توسعه و تقویت آن می‌توان بر بزرگ‌ترین مشکلات مادی و معنوی غلبه کرد و جامعه را خیلی سریع‌تر و پایدارتر به توسعه همه‌جانبه رهنمون نمود.

براین اساس، فرهنگ اقتصاد که برگرفته از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است و به مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها و نمادها در حوزه تولید ثروت اطلاق می‌شود با تغییر یا تحول آن، اقتصاد نیز دچار تغییر و تحول خواهد شد. همچنان که هرگونه تحول مثبت یا منفی در فرهنگ سیاست (قدرت) و فرهنگ

اجتماع (هنجارها و رفتارها) به طور مستقیم بر اقتصاد مقاومتی تأثیر خواهد گذاشت.

خاستگاه فرهنگ اقتصاد مقاومتی

دانشمندان فلسفه علوم اجتماعی، قوام فرهنگ را به ارزش‌های آن دانسته و اعتقاد دارند که این ارزش‌های جامعه است که آن جامعه را دارای هویت و قوانین ویژه می‌سازد (مصباح، ۱۳۷۲، ۱۳۱). از این رو، جامعه‌شناسان برای ارزش‌ها نقشی کلیدی و بنیادی قائل‌اند؛ چرا که جنبه مادی و قواعد سازمانی فرهنگ، مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر جنبه شناختی و به خصوص ارزش‌ها هستند، ارزش‌ها در حقیقت چراغ هدایت و سامان‌بخش سایر بخش‌های فرهنگی‌اند. این واقعیت را در تعریفی که از ارزش‌ها ارائه شد، به خوبی می‌توان دریافت.

به عبارت دیگر، هرگاه ارزش‌ها و هنجارها در تعریف مفاهیم، سیاست‌ها، قوانین، ساختارها، ضوابط و مدیریت اقتصادی، حول محور ارزش‌های «اقتصاد سرمایه‌داری» قرار دارد، نمی‌توان از تولید ثروت بر پایه جهاد و مقاومت و اخلاص و ایثار سخن گفت، زیرا خاستگاه اقتصاد سرمایه‌داری این‌ها نیست. به سبب همین تغییر خاستگاه است که مقام معظم رهبری علیه السلام در تبیین خاستگاه اقتصاد مقاومتی می‌فرماید:

این اقتصاد، (اقتصاد مقاومتی) عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ بحث این‌ها نیست که بگوییم رشد ملی این قدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی این قدر زیاد شد؛ که در شاخص‌های جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشور خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱/۱).

از آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که کیفیت و نوع فرهنگ حاکم بر اقتصاد می‌تواند پذیرای مفهوم ارزشی مقاومت باشد یا نباشد. در واقع تحقق اقتصاد مقاومتی از رهگذر پیش‌نیازهای فرهنگی به وجود می‌آید.

نقش ارزش‌ها و هنجارها در سبک زندگی اقتصادی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مطرح در سبک زندگی اقتصادی، الگوی مصرف و سبکی است که افراد در انتخاب‌ها و رفتارهای مصرفی خود بروز می‌دهند. اگر سبک زندگی به عنوان مثال مبتنی بر مدگرایی باشد؛ پدیده‌ای که در دنیای امروز به نحو چشم‌گیری گسترش یافته است، به نحوی که می‌توان گفت این فراگرد اجتماعی در لایه‌های اجتماعی کشور نیز ریشه دوانیده است و مبنای آن بر مصرف‌گرایی است، در مقولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیامدهای سوء بسیاری را بر جا خواهد گذاشت.

مدگرایی ریشه در نابرابری‌های اجتماعی دارد، ثروتمندانی که از دارایی و منابع مالی و اجتماعی بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند، سعی دارند تا با طرح اشکال جدید لباس، خوراک، گفتمان‌های زبانی، تفریحات، اوقات فراغت و مواردی نظیر آن، خود را از سایر اقشار و طبقات اجتماعی متمایز سازند؛ بدین ترتیب با تفکیک و تمایزی که بر اثر اتخاذ این شیوه عینی رفتار رخ می‌دهد، افراد طبقه بالای اجتماعی، قدرت، منزلت و حتی شرایط کسب منابع بیشتری را برای خود باز تولید می‌کنند.

شکل هنجاری گرفتن این رفتار سبب می‌شود، افراد طبقات پایین‌تر نیز به همین روش و با انگیزه مشابه به شناسایی اشکال و صورت‌های پذیرفته شده در منش طبقات ثروتمند روی آورند و در همگون‌سازی خود با آنها و مرفه‌نمایی بکوشند.

این در حالی است که این نوع رفتارها که از آنها در آموزه‌های دینی به عنوان چشم و هم‌چشمی و نگاه به بالادست یاد می‌شود رفتاری مخالف با ارزش‌های

دینی به حساب می‌آید. در کلامی از امام صادق علیه السلام در این رابطه این چنین آمده است:

«إِيَّاكُمْ أَنْ تَمُدُّوا أَطْرَافَكُمْ إِلَىٰ فِي أَيْدِي أَبْنَاءِ الدُّنْيَا؛ فَمَنْ مَدَّ طَرَفَهُ إِلَىٰ ذَلِكِ، طَالَ حَزَنُهُ، وَلَمْ يُشْفَ غَيْظُهُ، وَاسْتَصَغَرَ نِعْمَةَ اللَّهِ عِنْدَهُ، فَيَقِلُّ شُكْرُهُ لِلَّهِ، وَانْظُرْ إِلَىٰ مَنْ هُوَ دُونَكَ فَتَكُونَ لِأَنْعَمِ اللَّهُ شَاكِرًا، وَلِمَزِيدِهِ مُسْتَوْجِبًا، وَ لِجُودِهِ سَاكِنًا» (نوری، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ح ۹۵۹۵ و ج ۱۲، ح ۱۴۱۶۷ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱/۵۲۳)؛ بر حذر باشید از این که به آنچه در دست دنیا دوستان است چشم بدوزید که هر کس به آن چشم بدوزد اندوهش طولانی شود و خشمش فرو نشیند و نعمت خدا در نزد او کوچک شود و در نتیجه، شکرگزاری او نسبت به خدا کم شود و به آن کس که پایین تر از شماست بنگرید تا شکرگزار نعمت‌های خدا، و سزاوار زیاد شدن نعمت‌ها و برخوردار همیشگی جود و بخشش خداوند شوید.

در واقع آن چه که در سیره معصومین علیهم السلام به عنوان یک ضد ارزش تلقی می‌شود، امروز در جامعه در قالب یک هنجار برای خود جا باز نموده و مانعی بر سر راه اقتصاد مقاومتی است.

واقعیت‌های موجود در جامعه

در جامعه‌ای که چشم و هم‌چشمی سبب می‌شود تا پدیده مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی به صورت یکی از عناصر اصلی فرهنگ اجتماعی بروز و ظهور پیدا کند، و به صورت یک هنجار اجتماعی در جامعه جا برای خود باز کند نمی‌تواند مروج مفاهیم فرهنگی اقتصاد مقاومتی باشد.

عدم وجود فرهنگ مناسب اقتصادی زمانی جلوه‌گر خواهد شد که افراد در موقعیت‌های انتخاب و تصمیم‌گیری اقتصادی قرار گرفته و لازم باشد مبتنی بر ارزش‌های دینی و مقتضیات بومی خویش به رفتاری مناسب و درخور دست بزنند، اینجاست که درک و فهمی منسجم و نظام‌مند از مفاهیم و روش‌های

متناسب با اقتصاد مقاومتی آنها را همراهی نمی‌کند و نتیجه چنین ضعف و فقدانی بر اقتصاد مقاومتی پیشاپیش معلوم است. چرا که این افراد هستند که در شؤون مختلف خود به عنوان یک مدیر، عضو یک خانواده، نیروی کار، مصرف‌کننده و تولیدکننده کالا و خدمات، پس‌اندازکننده و سرمایه‌گذار، در تعامل با دیگر اعضای جامعه، هنجارهای اقتصادی جامعه را می‌سازند.

اتخاذ سیاست‌های نامناسب

در بعد اقتصادی

وجود برخی از ناهنجاری‌های اقتصادی پیامد سیاست‌های اقتصادی است که دولت‌ها خواسته یا ناخواسته به اجرای آن می‌پردازند. به عنوان مثال سیاستی که بعد از جنگ تحمیلی به عنوان استراتژی صنعتی غالب در ایران دنبال شد، جایگزینی واردات بود که هر چند در رشد اقتصادی به واسطه ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بی‌تأثیر نبود، اما در بعد اقتصادی عملاً نتیجه‌ای جز وابستگی به کالاهای خارجی نداشت. شرکت‌های جدید چندملیتی، که طیف گسترده‌ای از کالاهای خود را از پودر لباس‌شویی گرفته تا اتومبیل، به نام محصولات وطنی تولید می‌کردند و به فروش می‌رساندند، علاوه بر این که باعث شدند صنایع کشور، که به طور عمده تولیدکننده کالاهای مصرفی بودند، به شدت به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای شرکت‌های چندملیتی وابسته شوند (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد؛ ۱۳۸۲، ۹۵-۹۴) ترویج مصرف‌گرایی را نیز در جامعه به صورت یک هنجار گسترش دادند و جامعه را به شدت مصرف‌زده نمودند.

در برابر وجود شکل هنجاری گرفتن چنین رفتارهایی است که هشدارهای رهبری را باید جدی‌تر گرفت؛ آنجا که خطاب به همه افراد می‌فرمایند:

مردم در همه سطوح، تولید ملی را ترویج کنند. همین مطلبی که من دو سه سال قبل از این، در همین جا «حرم رضوی» با اصرار فراوان گفتم، یک

عده‌ای هم از مردم خوشبختانه عمل کردند، اما همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «مصرف تولیدات داخلی». عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید می‌کنید به جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به این که ابتکار خودش را بیاورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن‌کننده کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روز به روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف می‌کنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید. در گذشته، در دوران طاغوت، ترجیح مصرف خارجی به عنوان یک سنت بود؛ سراغ جنس که می‌رفتند، «می‌پرسیدند» داخلی است یا خارجی؟ اگر خارجی بود، بیشتر به آن رغبت داشتند؛ این باید برگردد و به عکس بشود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱).

این در حالی است که بررسی آمارهای منتشر شده از سوی گمرک و مرکز آمار حکایت از واردات کالاهایی در کشور دارد که نه تنها در اولویت واردات قرار ندارند، بلکه امکان تولید این کالاها در داخل کشور به راحتی ممکن می‌باشد. کالاهای غیرضروری که تولید آنها در کشور و به دست صنعت‌گران ایرانی ممکن بوده، اما باز هم نه تنها شاهد ادامه واردات این کالاها، بلکه شاهد رشد روزافزون واردات بالای این کالاها هستیم (ر. ک: خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۳/۰۸/۰۴).

در بعد فرهنگی

همچنان که اتخاذ چنین سیاستی در بُعد فرهنگی یک آفت مهم دیگری نیز در بطن آن نهفته بود، و آن این که اشرافیت زمینه و بستری را پیدا کرد تا بتواند از حد رفتارهای فردی به درون قالب‌های گروهی نفوذ کرده و از آنجا در درون نظام سیاسی رخنه نماید.

شکل‌گیری گروه‌هایی که حالت یا رفتارهای اشراف گونه داشتند، در چنین بستری شکل گرفت و در چنین فضایی بود که اشرافیت توانست با نفوذ در بخشی از سازمان اداری کشور رفتارهای نابهنجاری را از خود به نمایش بگذارد

تا جایی که رهبر فرزانه انقلاب در سخنی هشدار آمیز فرمودند:

کسانی هستند که تلاش می‌کنند و حقیقتاً درصدد این هستند که طبقه ممتاز جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود بیاورند، و به خاطر انتساب‌ها و زرنگی‌ها و مشرف بودن بر مراکز ثروت از طرق نامشروعی به اموال عمومی دست بیندازند و یک طبقه جدید، طبقه ممتاز و مرفهان بی‌درد، درست کنند. نظام اسلامی با مرفهان بی‌درد و معارض و مخل، آن طور برخورد سختی کرد، حالا از درون شکم نظام اسلامی، یک طبقه مرفه بی‌درد جدید طلوع بکند، مگر این شدنی است؟

اینجانب جمع‌آوری ثروت و استفاده از پول و امکانات عمومی، و یا به ظاهر شخصی راه، یکی از بلاهای اصلی و اساسی کشور در حال حاضر می‌دانم که باید با آن مقابله کرد. عده‌ای بنا دارند بی‌رحمانه و وحشیانه با زیر پا گذاشتن قوانین برای به دست آوردن ثروت‌های زیاد تلاش کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۴/۲۵).

در صورتی که آنچه در سال‌های آغازین این انقلاب به صورت یک ارزش دیده می‌شود، فرهنگ ضد اشرافی است. لذا این فرهنگ، هم در سطح دولت و هم در سطح گروه‌ها عمل می‌کند. البته جوانه‌های بسیار ضعیفی از اشرافیت را فقط در سطح فردی در آن ایام می‌توان دید که آنها هم به خاطر جو حاکم بر جامعه معمولاً در شرمساری و درخفا بودند. اما زمانی که برنامه‌ریزی و اقتصاد کشور و جهت‌گیری‌های اقتصادی مسئولان به سمتی می‌رود که افراد برای به دست آوردن ثروت و امکانات مسابقه می‌گذارند و نه به خاطر تقوایشان، بلکه به سبب میزان سرمایه و ثروتشان مورد احترام واقع می‌شوند، وقتی این عمل به صورت یک هنجار در جامعه پذیرفته می‌شود طبیعی است که این گونه رفتارها در قالب یک ارزش اجتماعی در ذهن افراد جای خواهد گرفت (سبحانی، ۱۳۹۳، ۲۰-۲۱).

در حالی که مؤثرترین استراتژی مبارزه با اشرافیت، خشکاندن ریشه آن در درون حکومت است که اگر در آنجا آن سرچشمه خشکانده نشود، هر چقدر در سطوح پایین‌تر جامعه مصوبه و بخشنامه نوشته شود سودی نخواهد داشت، زیرا

روشن است که حاکمان و فرمانروایان به عنوان ترویج کنندگان ارزش‌ها و فرهنگ و به عنوان اجراکنندگان ارزش‌ها در قالب هنجارها، نقش ویژه و برگزیده دارند و افراد جامعه آنان را به عنوان الگوی عملی خود در رفتار فردی و اجتماعی قرار می‌دهند؛ چرا که «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۰۲/۸).

این در حالی است که اشرافیت از یک سو با آموزه‌های دینی و از سوی دیگر همچنان که گذشت با فرهنگ انقلاب اسلامی ناسازگار است، اما با وجود تمام این مسائل باید پذیرفت در حال حاضر از سوی بخشی از جامعه به صورت یک ارزش و در قالب یک هنجار اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفته است.

بسترسازی برای ارزش‌ها و هنجارها

تلاش برای جهت‌دهی اقدامات سه ضلع مثلث رفتارهای اقتصادی یعنی خانوارها، دولت و بنگاه‌های اقتصادی با پیشگامی و محوریت دولت است، زیرا در کشور ما هنوز هم غالب اقتصاد توسط دولت، شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی مدیریت می‌گردد؛ بنابراین، در صورتی که اصلاح فرهنگ اقتصاد از دولت و مؤسسات وابسته آغاز گردد، این مجموعه به عنوان یک مصرف‌کننده بزرگ تأثیر بسزایی در شکل‌گیری وضعیت مطلوب در جامعه خواهد داشت. ضمن این که دولت‌ها همواره نقش بی‌بدیلی را نیز در اصلاح فرهنگی و آموزش جامعه به عهده دارند و از این جهت وجود یک برنامه منسجم و نظام‌مند برای رفتارسازی‌های بهنجار و مطلوب در رابطه فرهنگ اقتصاد مقاومتی لازم و ضروری خواهد بود؛ پیشگامی دولت در این مسأله بی‌تردید در همه ابعاد جامعه نتایج مفیدی را در پی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

بین اقتصاد مقاومتی و ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی - اجتماعی متناسب با آن

همبستگی و رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ تا جایی که تحقق اقتصاد مقاومتی بدون وجود و ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با آن امکان‌پذیر نیست.

زیرا از آنجا که به صورت طبیعی عناصر و مؤلفه‌هایی که در ذهن و ضمیر جامعه به صورت بخشی از ارزش‌ها نمایان می‌شوند، چه مثبت و چه منفی، خواه و ناخواه، راه خود را به عرصه عمل باز خواهند کرد، و به مرور خود را در قالب هنجار به جامعه خواهند قبولاند؛ تا جایی که حتی عناصر منفی بار ضدارزشی و خلاف بودن خود را از دست داده و خود به صورت هنجارهایی برخوردار از پشتوانه ارزشی جدید درمی‌آیند؛ به گونه‌ای که چنانچه کسی از آنها تخطی کند و در صدد عمل به خلاف این هنجارها برآید، مورد اعتراض و نكوهش دیگران نیز قرار می‌گیرد.

پیامد چنین رفتاری به عنوان مثال در بخش مصرف، وابستگی روزافزون کشور به واردات انواع و اقسام کالاهاست، که با نگاهی به وضعیت بازار کشور و نوع مصرف افراد به وضوح می‌توان دید که همچنان و به دلایل گوناگون مصرف کالای خارجی بالاست و این عادت و علاقمندی به اجناس و کالاهای خارجی به صورت یک هنجار در جامعه همچنان پر رونق است.

و در بخش تولید، علاوه بر نیمه فعال بودن بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی و بی‌کاری نیروی کار، برخی از تولیدکنندگان داخلی با سوء استفاده از این ذائقه جامعه حاضر می‌شوند نام شرکت‌های خارجی را روی محصول خود نصب کنند و تولید داخلی را با برند خارجی در بازار عرضه کنند؛ در حالی که تردیدی وجود ندارد که این رفتار نابهنجار اقتصادی جدای از آسیب‌ها و پیامدهای زیان‌بار اقتصادی و اجتماعی، در آموزه‌های دینی به عنوان یک منکر اقتصادی است که از آن به عنوان تدلیس می‌توان نام برد، طبیعی است که اقتصاد مقاومتی در چنین بستری با چالش جدی روبرو است.

منابع و مآخذ

• قرآن کریم.

۱. ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری، (۱۳۹۲/۱۱/۲۹).
۲. اسدی، علی (۱۳۹۳)، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۵.
۳. اصغری، محمود (۱۳۹۳)، «تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۹۹.
۴. بیانات مقام معظم رهبری دیدار با فرمانده و برخی نیروهای نیروی انتظامی، (۱۳۷۶/۴/۲۵).
۵. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی (عج)، (۱۳۹۳/۱/۱).
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، (۱۳۹۱/۵/۱۶).
۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، (۱۳۹۱/۶/۲).
۸. تراب‌زاده جهرمی، محمد صادق؛ سجادیه، سید علیرضا و سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲.
۹. جامی، علیرضا؛ ایمانی مقدم، حمید رضا و تنها، مجتبی (۱۳۹۱)، راهبردهای افق روشن با رویکردی بر اقتصاد مقاومتی، مشهد، سخن گستر.
۱۰. حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت (عج) لاحیاء التراث.
۱۱. خبرگزاری دانشجو، (۱۳۹۳/۰۸/۰۴)، <http://www.snn.ir/detail/News/364871/189>.
۱۲. خوش چهره، محمد (۱۳۹۱)، <http://www.abna.ir/print.asp?lang=1&id=332963>.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه.
۱۴. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۷)، «حجیت و قداست معرفت‌های دینی»، کلام اسلامی، شماره ۲۶.
۱۵. رضایی دوانی، مجید و رضایی، مرتضی (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور»، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۶-۷.
۱۶. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۷. رهبر، فرهاد؛ سیف‌الدین، امیر علی و رهبر، امیر حسین (۱۳۹۳)، «رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی؛ تلاشی در جهت نگاه اسلامی به گذار سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی»، فصلنامه زیرباف، مهدی (۱۳۹۱)؛ <http://www.598.ir/fa/news/72430/%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5>
۱۹. زیرکی حیدری، علی و هزاوئی، سید مرتضی (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی، در اقتصاد سیاسی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۷.
۲۰. سایت رهبری، <http://www.khamenei.ir>.

۲۱. سبحانی، حسن (۱۳۹۳)، «تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، نیازمند توجه به واقعیت‌های اجتماعی»، ماهنامه کیهان فرهنگی، شماره ۳۳۱-۳۳۲.
۲۲. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات آوای نور.
۲۳. سیف، الله مراد (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۶.
۲۴. صادقی‌شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱)،
<http://www.khorshidonline.com/?itemcode=0-43-1692>
۲۵. صدر، سید محمد باقر (۱۳۶۰)، *اقتصاد ما*، ترجمه سید کاظم موسوی، مشهد، جهاد سازندگی.
۲۶. علیزاده، مهدی (۱۳۸۲)، *نقش اسلام در پیش‌گیری و کاهش بزه‌کاری*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.
۲۷. عمید، حسن (۱۳۵۶)، *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۸. کامفیروزی، محمد حسن؛ بنیادی‌ناتین، علی و موسوی، لقمان (۱۳۹۲)، «بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۵۲.
۲۹. کوئن، بروس (۱۳۷۲)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه فاضل توسلی، تهران، سمت.
۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشر نی.
۳۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۲. مریجی، شمس‌الله (۱۳۸۲)، «علل نادیده گرفتن ارزش‌ها»، فصلنامه معرفت، شماره ۷۲.
۳۳. معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰)، *مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اقتصاد اسلامی*، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۳۴. مصباح، محمد تقی (۱۳۷۲)، *جامعه و تاریخ*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۵. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲)، *جایگاه شرکت‌های چندملیتی در فرایند جهانی شدن و تأثیر آنها بر امنیت ملی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*، تهران.
۳۶. موسوی، سید علی (۱۳۹۲)،
<http://daneshgahnews.com/0fa17729idcontent.htm>
۳۷. میردال‌گونار (۱۳۵۶)، *طرحی برای مبارزه با فقر جهان*، ترجمه قهرمان قدرت‌نما، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۳۸. میر محمدی، محمد حسین (۱۳۹۱):
<http://www3.arak.irna.ir/fa/News/80437349/%D8%A7%D8%B3%D8%AA>
۳۹. میرمعزی، سید حسن (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۷.

۴۰. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۸)، رویکرد بزه دیده‌شناسی به بزه‌های بدون بزه دیده، دیباچه در کتاب جرایم بدون بزه دیده، محسن رهامی، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم.

۴۱. نوری، میرزا حسن (۱۳۸۲ق)، مستدرک الوسائل، مصر، المطبعة الحسنية.

۴۲. نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، راین.

۴۳. وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۱)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، کسری، چاپ پنجم.

۴۴. همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۴)، ایدئولوژی و روش در اقتصاد، ترجمه م. قائد، تهران، نشر مرکز.

عوامل موفقیت با رویکرد علمی - دینی *

□ علی احمد پناهی^۱

چکیده

عوامل موفقیت در زندگی دنیوی و اخروی از موضوعاتی است که در مکاتب و آئین‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در هر کدام از آنها متناسب با جهان‌بینی و نوع نگاهی که به زندگی و هدف آن دارند، توصیه‌ها و دستوراتی در رابطه با عوامل موفقیت و سعادت بیان کرده‌اند، که البته بسیاری از آن توصیه‌ها با مبانی اعتقادی اسلام هماهنگی ندارد و یک‌جانبه‌نگری شده و از جامعیت لازم برخوردار نیست. در آموزه‌های دینی و تربیتی اسلام، نکات ارزش‌مندی در رابطه با زمینه‌های موفقیت و بالندگی بیان گردیده است. در این نوشتار سعی شده با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به عوامل موفقیت از نگاه دینی و با تحلیل علمی - روان‌شناختی، پرداخته شود. با تتبع و دقت در آموزه‌های دینی می‌توان نتیجه گرفت که عوامل مختلفی، از جمله هدف‌مندی، پشتکار، اعتماد به نفس، خداباوری، دوری از گناه، اراده قوی و... از عوامل مهم موفقیت در زندگی هستند. واژگان کلیدی: موفقیت، پشتکار، عزت نفس، هدف‌مندی، خداباوری، سعادت.

موفقیت در لغت به معنای کامروایی، کامیابی، توفیق یافتن، سعادت‌مندی، فرخندگی (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۳/۱۹۲۶۹) پیروزی و رسیدن به اهداف در کارها (انوری، ۱۳۸۱، ۷/۷۴۹۲)، از واژه‌های پرطرفدار و مورد استقبال است. معنای اصطلاحی موفقیت بسیار گسترده است و هر اندیشمندی متناسب با اهداف و جهان‌بینی خاصی که دارد، تعریف خاصی از موفقیت بیان کرده است. نیل به محبوبیت، آرامش، امنیت، رضایت خاطر و خوشبختی (کیهان‌نیا، ۱۳۸۲، ۳۴-۳۶) و همچنین نیل رضایت‌بخش به اهداف (موریس^۱، ۱۳۸۴، ۳۳)، از جمله تعاریفی است که برای موفقیت بیان شده است.

در نگاه بیشتر مردم، فرد موفق کسی است که به آرزوهای خود برسد و در درون خویش، احساس رضایت کند و از این که بر اثر تلاش و کوشش مداوم در زندگی به این احساس (رضایت خاطر) رسیده است، احساس خشنودی و موفقیت کند. از منظر آموزه‌های اسلامی، مفهوم موفقیت ارتباط نزدیکی با مفهوم سعادت و خوشبختی^۲ دارد و اگرچه بین این دو واژه تفاوت‌هایی وجود دارد، ولی مصداق موفقیت مطلق و سعادت مطلق یکی است. انسان خوشبخت و موفق به معنای واقعی، کسی است که در مسیر بندگی خدای متعال باشد و با انجام دادن وظایف دینی و انسانی به خداوند نزدیک شود و احساس دوستی، نزدیکی و محبت به خداوند داشته باشد و به اهداف نهایی خلقت دست یابد. به عبارت دیگر، موفقیت یعنی رسیدن به رستگاری و نایل شدن به بهشت. انسان می‌تواند بر اثر انجام دادن کارهای اختیاری و رعایت قوانین الهی و وظایف شرعی و با پرهیز از معصیت، به مرتبه تقرب به خدا برسد و با خالق متعال رابطه دوستانه و عاشقانه پیدا کند و در سایه این دوستی، به بهشت و رضوان الهی وارد شود. البته روشن است که رسیدن به بهشت، منافات و ضدیتی با رضایت خاطر از زندگی و لذت‌جویی حلال ندارد؛ چه این که انسان می‌تواند به تمام کارهایش

رنگ و بوی خدایی بدهد و تمام کارهایش را به قصد رضایت حضرت حق انجام دهد؛ اعم از خواب، خوراک، کار، تفریح و

(۳۲)

قرآن کریم در تبیین معنای سعادت و موفقیت واقعی می‌فرماید: «هر کسی از جهنم رهایی یابد و به بهشت وارد شود، رستگار و موفق است»^۳ (آل عمران/۱۸۵). خداوند متعال راه‌های نیل به سعادت و موفقیت واقعی را نیز اطاعت از فرامین الهی و اطاعت از پیامبرش می‌داند و در این باره می‌فرماید: «هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند، به فوز و رستگاری بزرگی نایل شده است»^۴ (احزاب/۷۱). در آموزه‌های روایی هم به عوامل موفقیت و شکست افراد اشاره شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر کس از خدا و رسول خدا پیروی کند، به رستگاری بزرگی می‌رسد و به ثواب ارزش‌مندی نایل می‌شود و هر کس نسبت به خداوند و رسولش، نافرمانی و گردنکشی کند، به خسران و زیان بزرگ و آشکاری گرفتار می‌شود و سزاوار عذاب دردناک می‌گردد»^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷۶/۴).

خلاصه این که، رستگاری واقعی و موفقیت تام و کامل، رسیدن به بهشت و رهایی از آتش و دوزخ است و اطاعت از خداوند و رسول او و ائمه معصومین علیهم السلام - که در واقع اطاعت از ایشان نیز اطاعت از خداوند است - وسیله نجات انسان و عامل رستگاری و موفقیت واقعی انسان‌هاست. اطاعت از خداوند و رسول او را می‌توان در یک کلمه خلاصه کرد و آن کلمه تقوا و پرهیزکاری است؛ تقوا یعنی اطاعت از خداوند و نافرمانی نکردن و مطیع دستورات الهی بودن. پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: هر کس تقوا و پرهیزکاری پیشه کند و گوش به فرمان دستورات خداوند باشد، به رستگاری و موفقیت بزرگی رسیده است. به درستی که تقوا باعث کنترل انسان از غضب و باعث نگهداری انسان از عذاب و نگهدارنده انسان از خشم الهی است. به درستی که تقوا باعث سفیدرویی (موفقیت) و رضایت پروردگار و

باعث ارتقای درجه و مقامات معنوی انسان می‌گردد^۶ (همان، ۱۲۷/۱۹).

استاد شهید مطهری رحمته‌الله در تعریف سعادت و موفقیت، با تأسی از قرآن کریم چنین می‌گوید: «سعادت و موفقیت عبارت است از لذت همه جانبه و نیل همه جانبه به همه کمالات، به طوری که حداکثر کمالات و حظوظ فطری و طبیعی استیفا گردد» (مطهری، ۱۳۶۹، ۱/۸۶).

برای موفقیت سطح نازل‌تر و متوسطی نیز وجود دارد که به طور عمده مربوط به زندگی دنیوی است و آن رسیدن به نتیجه و هدف در هر کاری و کامروا شدن و به فعلیت رساندن استعدادها بالقوه است که به دنبال آن رضایت خاطر و خشنودی نیز حاصل می‌شود. بیشتر مردم از مفهوم موفقیت، همین مفهوم را در نظر می‌گیرند.

گرچه موفقیت معانی خصوصی که مربوط به حوزه‌های خاص باشد نیز دارد (موفقیت تحصیلی، ازدواج و غیره)، اما در مقاله حاضر سعی شده است عوامل عمومی موفقیت که می‌تواند در عرصه‌های مختلف، یاری رسان و ترسیم‌کننده مسیر حرکت باشد، بیان گردد.

عوامل موفقیت

عوامل مختلفی در موفقیت افراد در زندگی دنیوی و اخروی تأثیرگذار است. برخی از عوامل موفقیت در اولویت نخست بوده و تأثیرگذاری قابل توجهی دارند که عبارتند از:

۱. هدف‌مندی

انسان موجودی عاقل و باشعور است و باید کارهایش خردمندانه و منطقی باشد تا هم از زندگی لذت واقعی ببرد و هم در راستای هدفی ارزشمند گام بردارد تا گرفتار سرگردانی و حسرت نشود. میشل مونتنین^۷ می‌گوید: «روحی که هدف ثابتی ندارد، سرگردان است» (موریس، ۱۳۸۴، ۳۸).

اگر هر فردی تمام قوای خود را در مسأله‌ای مهم و با هدفی معین به کار گیرد، بی‌تردید شاهد پیروزی و موفقیت‌های زیادی خواهد بود. قهرمان شدن در ورزش، موفقیت در تحصیلات عالی، مهارت ویژه در کار فنی، بالندگی و نوآوری در شغل و حرفه، نامداری در اکتشاف و اختراع، و از همه مهم‌تر موفقیت در خودسازی معنوی و عبادت پروردگار، همه و همه در گرو هدفی مشخص و تلاش در راستای آن هدف است. افراد موفق، در زندگی خود هدف‌مند، هدف‌دار و هدف‌مدار هستند؛ یعنی برای هدف خاصی تلاش می‌کنند و هدف، نقطه و موقعیت مطلوبی است که در صدد رسیدن به آن هستند. حال، مهم، چگونگی انتخاب هدف است. هدف‌دار بودن، توانایی‌های فرد را افزایش می‌دهد، اندیشه را فعال می‌کند و به کارها جهت می‌دهد. هدف همانند بادبان برای کشتی است که انسان را از میان امواج سرگردانی می‌رهاند. انسان بی‌هدف مانند کشتی بدون بادبان است. هدف‌داری به انسان انگیزه می‌دهد و فعالیت‌های او را هماهنگ می‌سازد، هدف‌مندی باعث نشاط و انرژی می‌شود (نظری، ۱۳۸۱، ۱۲). براساس مبانی اسلامی، یکی از اصول موضوعه درباره انسان، فاعل مختار بودن انسان است، یعنی این که می‌تواند کاری را بر کار دیگری یا فعلی را بر ترکی، انتخاب کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۲۸). اصل دیگری که از مختار بودن انسان نتیجه گرفته می‌شود، هدف‌دار بودن انسان است، یعنی انسان مختار، هدفی را در نظر می‌گیرد و فعالیت‌های خود را برای نیل به آن انجام می‌دهد (همان، ۲۹).

۲. اعتماد به نفس

دومین عاملی که در موفقیت و پیروزی انسان نقش قابل توجهی دارد، اعتماد به نفس است. از آنجا که از مفهوم اعتماد به نفس برداشت‌های متفاوتی شده است، در ابتدا به تبیین این واژه می‌پردازیم.

دو مفهوم اعتماد به نفس^۸ و عزت نفس^۹ قرابت معنایی و رابطه مستقیم و مثبتی

با هم دارند و به زبان علم آمار هم‌بستگی مستقیم دارند؛ به طوری که با افزوده شدن یکی، دیگری هم زیاد می‌شود؛ اما این دو مترادف نیستند. «ارزیابی ما از خودپنداره خویش، بر حسب ارزش کلی آن، عزت نفس نامیده می‌شود. به عبارت دیگر عزت نفس، میزان ارزشی است که ما برای خود قائل هستیم» (اتکینسون^۱، ۱۹۸۳، ۴۵۳)، و اعتماد به نفس، یعنی شخص احساس کند دارای توانایی و کفایت است (استفانی، ۱۳۷۵، ۱۹). تعداد زیادی از نظریه‌پردازان شخصیت همچون (آلیپورت^۱، ۱۹۳۷؛ شولتز^۲، ۱۹۷۷؛ رایت من^۳، ۱۹۸۸؛ مای لی^۴، ۱۹۸۵ به نقل از شجاعی، ۱۳۸۳، ۲۳، به اهمیت و جایگاه اعتماد به نفس و عزت نفس در زندگی پرداخته و آن را از عوامل مهم موفقیت می‌دانند.

به اعتقاد روان‌شناسان، اعتماد به نفس، اساس هر رستگاری و پیشرفتی است. با اعتماد به نفس، عزم انسان راسخ می‌شود و در صورت اتکا به دیگری، ضعیف می‌گردد. مساعدت‌هایی که از خارج به شخص می‌رسد، پشتکار و قوه مجاهدت را سست می‌کند؛ زیرا در این صورت، انسان انگیزه‌ای برای سعی و کوشش نمی‌یابد (اسمایلز، ۱۳۸۰، ۱۵). برخی از اندیشمندان، نگرش مثبت به زندگی، عزت نفس، اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری را از عوامل مهم در موفقیت می‌دانند (دی ایدرا^۵، ۲۰۰۵).

در نگاه ابتدایی به مفهوم اعتماد به نفس، چنین به نظر می‌رسد که اعتماد به نفس، نقطه مقابل اعتماد و توکل به خداست و تصور می‌شود فردی که به خدا توکل و اعتماد دارد، نمی‌تواند اعتماد به نفس داشته باشد و باید دست به انتخاب بزند؛ به این صورت که یا زندگی‌اش را بر مبنای توکل به خدا پی‌ریزی کند و کارهایش را به خدا واگذارد یا اعتماد به نفس را شیوه کار خویش قرار داده، به توانایی‌ها و نیروی درونی خود متکی باشد؛ اما اگر قدری در معنای توکل^{۱۶} دقت کنیم، روشن خواهد شد که چنانچه توکل به خدا را به معنای واقعی آن، یعنی (به کارگیری اسباب طبیعی برای رسیدن به اهداف و در عین حال، واگذاری

نتایج و اثربخشی آنها به خواست و مشیت الهی» بدانیم، و نیز منشأ اعتماد به نفس را - که به نیروها و توانایی‌های خود اتکا می‌کنیم - خدا دانسته، معتقد باشیم هر آنچه داریم، از خداست و خدا این همه امکانات و نیروها (حتی اعتماد به نفس) را در اختیار ما قرار داده است تا روی پای خود بایستیم و به دیگران نیازمند نباشیم، در این صورت، نه تنها اعتماد به نفس با توکل به خدا منافات ندارد، بلکه یکی از ابعاد اصلی و مهم آن را تشکیل می‌دهد و نتیجه، آن می‌شود که باید به نیروها و توانایی‌های خود - که خدا در اختیار ما قرار داده است - متکی باشیم و با بهره‌گیری از این نیروهای خداداد، در مسیر پر پیچ و خم زندگی و مشکلات، بار خویش را به دوش کشیم، نه آن که به توانایی دیگران متکی باشیم. این بهترین تعریفی است که می‌توان از اعتماد به نفس با نگرش اسلامی ارائه کرد، و چنان که مشاهده می‌شود، هیچ تعارض و منافاتی با اصل توکل به خدا - که جزء اصول اخلاقی و اسلامی است - ندارد (شجاعی، ۱۳۸۳، ۵۰). در تأیید مطلب فوق می‌توان از فرمایش امام حسین علیه السلام در دعای عرفه بهره برد که فرمودند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي»؛ خدایا بی‌نیازی مرا در نفسم قرار بده؛ یعنی به من مناعت طبع عنایت کن. آیت‌الله صافی گلپایگانی در شرح این بخش از دعای عرفه می‌نویسد: «هر چه انسان و ثوقش به خدا بیشتر باشد، غنای نفس و مناعت طبع او بیشتر می‌شود، به ذلت و کارهای خلاف شرف انسانیت تن در نمی‌دهد، بلند همت و با وسعت نظر و بی‌ترس و بیم از زوال نعمت‌ها زندگی می‌کند و هر چه غنای نفس کم‌تر شود، شخصیت انسانی و وجدان شخص ضعیف می‌گردد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۱، ۷۸). واضح است که مناعت طبع، با عزت نفس ارتباط تنگاتنگی دارد.

اعتماد به نفس، در زندگی انسان نقش کلیدی و اساسی دارد. اعتماد به نفس، ما را به کارهای مطلوب و بزرگ و رویارویی با مشکلات برمی‌انگیزد و ماهیت ایجابی دارد. اعتماد به نفس، انسان را در بحران‌های زندگی ثابت‌قدم کرده،

باعث می‌شود فرد بحران‌ها را حل کند و از موضع خود عقب‌نشینی نکند. حضرت علی علیه السلام درباره اهمیت اعتماد به نفس می‌فرمایند در مسیر زندگی، باید خودت، خودت را پیش بری؛ وگرنه کسی تو را پیش نمی‌برد (کلینی^{۱۶}، ۱۳۷۲، ۴۵۴/۲).

عوامل و زمینه‌های اعتماد به نفس

الف - دوری از تظاهر

اولین گام برای ایجاد اعتماد به نفس دست برداشتن از تظاهر است. باید تلاش کنیم اعتماد به نفس خود را بیشتر از آنچه واقعاً هست، جلوه ندهیم؛ یعنی با خودمان صادق باشیم و براساس توان‌مندی واقعی خودمان تصمیم بگیریم. از آرزوهای بزرگ و رؤیاهای دست‌نیافتنی دست برداریم و دنبال کارهایی برویم که دست‌یابی به نتیجه آن بسیار آسان است. در آموزه‌های اخلاقی اسلام، آرزوهای طولانی مذمت شده، آن را ناپسند دانسته‌اند. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: ای مردم! بر شما از دو چیز می‌ترسم: هواپرستی و آرزوهای طولانی^{۱۷} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳۳۶/۲).

ب - تقویت عزت نفس

عزت نفس، هم‌بستگی بسیاری با اعتماد به نفس دارد. هر اندازه عزت نفس انسان، بالاتر و قوی‌تر باشد، یعنی فرد برای خود ارزش قائل باشد، از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار می‌شود. برای تقویت عزت نفس، می‌توان به مثبت‌نگری پرداخت و به جنبه‌های مثبت و ارزشمند شخصیت خویش و توانمندی‌های خود توجه کرد و جنبه‌های منفی را نادیده گرفت. وقتی انسان جنبه‌های منفی شخصیت خود را نادیده می‌گیرد - ولو به صورت موقت - و فقط به ابعاد مثبت و شایستگی خود توجه می‌کند، این احساس به او دست می‌دهد که فرد مفید و برازنده‌ای برای جامعه و هم‌نوعان خود است. البته باید توجه داشت این روحیه

تکبر و غرور نیست که مذموم باشد، بلکه دقت و تمرکز در توانمندی واقعی خویش است که فرد تا به حال از آنها غفلت کرده است (برای تفصیل بیشتر ر.ک: اسلامی نسب، ۱۳۷۳).

ج - رسیدگی به خویشتن

اعتماد به نفس تا حد زیادی به میزان سلامتی جسمانی و روانی بستگی دارد. بی توجهی به سلامتی روحی و جسمی خود، نشان‌دهنده این است که شما خودتان را دوست ندارید. کسانی که نسبت به خویشتن چنین محبت و توجهی ندارند، نیازمند پرشدن این خلأ از ناحیه دیگران هستند و این یعنی ضعف اعتماد به نفس. افرادی که به نیازهای جسمانی و روانی خود در حد منطقی و مطابق با اصول اسلامی توجه دارند، از سلامتی و نشاط قابل توجهی برخوردار هستند. افراد ورزش‌کار و کسانی که به تفریحات سالم می‌پردازند و کسانی که از تغذیه سالم بهره‌مند هستند، از نشاط و بالندگی بیشتر و اعتماد به نفس بالایی برخوردارند. ورزش و به‌ویژه کوهنوردی و پیاده‌روی، آثار و فواید بسیاری دارد و علاوه بر تأمین سلامت جسمانی، باعث افزایش امید به زندگی و ارتقای عزت نفس می‌شود (دیماتئو، ۱۳۷۹، ۳۹۲/۱).

د - تحسین خویشتن

بندورا، یکی از روان‌شناسان معاصر، می‌گوید: آن دسته از افرادی که به خاطر موفقیت، به تحسین و تمجید از خود می‌پردازند، به احتمال فراوان به «حرمت خود» بالا و پایدار دست می‌یابند. همه انسان‌ها نقاط ضعف و قوت دارند و در برخی موقعیت‌ها، بهتر از سایر موقعیت‌ها عمل می‌کنند، اما افراد دارای عزت نفس بالا سعی می‌کنند بیشتر بر شایستگی و آنچه از آن برخوردارند، توجه کنند و شاید همین ویژگی، یکی از عوامل مؤثر در رشد عزت نفس و اعتماد به نفس آنان باشد. تحقیقات تجربی نیز نشان می‌دهد عزت نفس تا حدودی از حوادث و

رخدادهای زندگی و برداشتی که از آنها داریم، تأثیر می‌پذیرد (شجاعی، ۱۳۸۳، ۱۲۹).

۳. اراده

اراده از جمله مؤلفه‌هایی است که در هر کار و فعالیت و عملی، نقش اساسی و بنیادین دارد و وجود آن برای رسیدن به هدف و نایل شدن به موفقیت ضروری و لازم است. ضرورت اراده در هر کاری به گونه‌ای است که اگر تمام علل و عوامل تحقق کاری آماده باشد، ولی اراده وجود نداشته باشد، آن کار به سرانجام نخواهد رسید. چه بسا در اطراف خود، افراد زیادی را مشاهده می‌کنید که تمام وسایل و امکانات موفقیت و پیروزی آنها مهیاست، ولی از موفقیت خبری نیست. وقتی دقت می‌کنید، متوجه می‌شوید آنان از اراده قوی و یا خود اراده، محروم هستند و به دلیل مشکلات روان‌شناختی نمی‌توانند تصمیم جدی بگیرند و انجام دادن کاری را اراده کنند.

اراده، نیروی شگرف و استعداد ذاتی است که پایه شخصیت انسان بر آن استوار است؛ چه این که یکی از تمایزهای اساسی انسان با حیوانات، در برخورداری او از اراده است. انسان می‌تواند با اراده و انتخاب خود، راه‌های صلاح و موفقیت را طی کند و این قدرت در او وجود دارد که به موقع تصمیم بگیرد و برای برآورده شدن تصمیم خود، اقدام کند. استاد محمد تقی جعفری رحمته‌الله در این باره می‌گوید: «اراده، قدرت فوق‌العاده‌ای است که به انسان‌ها داده شده است؛ لذا هر انسانی اگر چیزی را به طور جدی بخواهد، آن را به دست خواهد آورد. اراده قدرت بس شگفت‌انگیزی است که در نوع انسانی دیده می‌شود و چه موضوعات امکان‌ناپذیری را که امکان‌پذیر می‌سازد و امکان‌پذیرها را محال می‌نماید (جعفری، ۱۳۷۳، ۲۷۸/۹-۲۷۹). اراده را می‌توان مانند مدیر دانست. مدیر ورزیده و توانا، از سرمایه و منابع محدود، بهره‌های فراوان و چشمگیر می‌برد، ولی مدیر نالایق و ناتوان، نه تنها از نیرو و منابع فراوان بهره نمی‌گیرد، بلکه به

سبب ناپختگی برنامه‌ها و ضعف اجرا، آنها را نابود می‌کند.

یکی از اندیشمندان درباره اهمیت اراده می‌گوید: «افراد بی‌اراده، با هر میزان هوش و استعداد، امکان استفاده از فرصت‌های مناسب را در خود نمی‌یابند و اغلب به دلیل همین ضعف روانی، موقعیت‌های ارزشمند زندگی خود را از دست می‌دهند و به قولی اگر شانس هم به روی ایشان لبخند بزند، آنها بدان بی‌اعتنا خواهند بود» (مورفی، ۱۳۶۹، ۱۳۱). در آموزه‌های دینی و اسلامی بر تقویت اراده و عزم قوی سفارش اکید شده است و یکی از صفات بارز مؤمنین، اراده استوار و عزم راسخ در راه عقیده و ارزش‌های دینی و انسانی بیان شده است. امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: مؤمن از کوه استوارتر و مستحکم‌تر است؛ زیرا اجزایی از کوه جدا می‌شود، ولی از دین مؤمن، چیزی جدا نمی‌گردد^{۱۸} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۴۱).

۴. مشورت با افراد موفق

از نگاه تعالیم آسمانی و همچنین علوم بشری، یکی از ابزارهای موفقیت و یکی از پشتوانه‌های محکم برای نیل به اهداف، استفاده از تجربه، علم، اندیشه و توانمندی‌های دیگران است. همفکری و بهره‌گیری از توانمندی و تجارب دیگران، باعث کاهش خطا در برنامه‌ها و تسریع در رسیدن به هدف می‌شود. افرادی که در کارهای مهم با صلاح‌اندیشی و مشورت دیگران، اقدام می‌کنند، کم‌تر گرفتار لغزش می‌شوند و بیشتر کارهای آنان قرین موفقیت، سلامتی و بالندگی است. در آموزه‌های حیات‌بخش اسلام به موضوع مشورت و هم‌فکری اهمیت ویژه‌ای داده شده است و حتی به برگزیده و کامل‌ترین مخلوق الهی، یعنی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، با این که - قطع نظر از وحی آسمانی - آن چنان فکر نیرومندی داشت که نیازی به مشاوره نداشت توصیه می‌شود که در امور عمومی مسلمانان، که جنبه اجرای قوانین الهی دارد (نه قانون‌گذاری) و در مسائل سیاسی و اجتماعی مشورت کند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نیز به این دستور الهی ملتزم بوده تا

آنجا که گاهی از رأی خود برای احترام به نظر دیگران، صرف نظر می نمود. نمونه عینی آن را در جنگ احد مشاهده می کنیم، و حتی می توان گفت: یکی از عوامل موفقیت پیامبر ﷺ در پیشبرد اهداف اسلامی همین موضوع بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ۱۴۴). پیامبر گرامی ﷺ می فرمایند: کسی نیست که با دیگران مشورت کند و به سوی رشد و کمال هدایت نشود (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ۳۵۹/۲). حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: هر کس با خردمندان مشورت کند با انوار خردهای آنان روشنی یابد و به راه راست و رستگاری نائل گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۵/۷۲). همچنین می فرمایند: مشورت کننده از نابودی و سقوط مصون می ماند (همان). افرادی که گرفتار استبداد رأی می شوند و خود را بی نیاز از افکار دیگران می دانند، هر چند از نظر عقلی و فکری فوق العاده باشند، مبتلا به خطاهای بزرگ می شوند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند: کسی که استبداد به رأی داشته باشد، هلاک می شود و کسی که با افراد بزرگ و متخصص و صاحب اندیشه مشورت کند، در عقل آنان شریک شده، از آن بهره می برد (همان). مشورت با افراد موفق و متخصص، راه رسیدن به هدف را کوتاه و مطمئن می کند و احتمال موفقیت را بالا برده، انسان را از بی - راهه ها رهایی می بخشد. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: مشورت عین راه یابی است؛ کسی که [تنها] به فکر خود متکی شود، خود را به مخاطره انداخته است (همان). چنان که افراد کارهای خود را براساس مشورت و هم فکری انجام دهند، کم تر گرفتار خطا و اشتباه می شوند و اگر به خطا هم گرفتار شوند، مورد مذمت و سرزنش قرار نمی گیرند، زیرا وظیفه خود را انجام داده اند و اگر اشتباهی رخ داده به خاطر دیگران و خطای آنان بوده است و اگر به پیروزی و موفقیت نایل آیند، کم تر مورد حسد واقع می شوند، زیرا دیگران پیروزی وی را از خودشان می دانند و معمولاً انسان ها نسبت به کاری که خودشان انجام داده اند، حسد نمی ورزند. امام کاظم علیه السلام در این باره می فرمایند: کسی که با دیگران مشورت

کند، راهی را که می‌رود، چنانچه صحیح باشد، مورد مدح و ستایش دیگران قرار می‌گیرد و چنانچه به نتیجه مطلوب نرسد، مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد (همان، ۱۰۴).

۵. یاد خدا

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در ایجاد عزت نفس و اعتماد به نفس، اعتقاد قلبی و واقعی به خداوند و قدرت بی‌همتای او است. کسی که خداوند را به عنوان قدرت مطلق قبول دارد و با او ارتباط معنوی و قلبی مستحکمی دارد، از اطمینان و صلابت ویژه‌ای برخوردار می‌شود؛ زیرا وقتی با قدرتی بی‌بدیل و بزرگ ارتباط داشته باشد، احساس می‌کند از پشتیبانی او بهره‌مند است. این احساس، به او قدرت اراده و اعتماد به نفس می‌دهد و این تصور برایش ایجاد می‌شود که نزد خداوند دارای منزلت و جایگاه است و در پرتو عظمت الهی به مقامی رسیده است. البته در بینش اسلامی، این احساس قدرت و اقتدار، در سایهٔ اتصاف به خداوند و در طول قدرت خداست و همه‌اش از ناحیهٔ او است؛ چون تمام عزت و بزرگی از آن خداوند متعال است و اگر کسی صاحب منزلت و بزرگی و مقامی می‌شود، به سبب اتصال و ارتباط با آن منبع فیض، کمال و عزت است: **لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ**؛ عزت و بزرگی از آن خداوند و رسول خدا و مؤمنین است (منافقون/۷).

امام سجاد علیه السلام در دعای ابوحمزه ثمالی می‌فرماید: ای مولای من و ای خدای من! با یاد تو و با ارتباط با تو، دلم زنده می‌شود و با مناجات تو، درد ترس [فراق] را در خود تسکین می‌دهم^{۱۹} (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹/۹۵). در بخشی از مناجات ذاکرین می‌خوانیم: ای خدای من! دل‌های واله و حیران، پابست عشق و محبت تو است و بر شناخت تو، تمام عقول متفقدند که دل‌های بندگان جز به یاد تو آرامش و اطمینان نیابند^{۲۰} (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۵۱/۹۱).

اگر دلی از یاد خدا اعراض کند و اگر کسی پناهگاهی غیر از خدا بجوید، در

تنگنا و سردرگمی گرفتار خواهد شد و به زندگی سختی مبتلا می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید: هر کس از یاد خدا و ارتباط با خدا بریده باشد و روی بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ و سختی خواهد داشت^{۲۱} (طه/۱۲۴). و در مقابل، هر کس به خدا اعتماد و توکل کند، خداوند او را کفایت می‌کند و امورش را سامان می‌دهد^{۲۲} (طلاق/۳).

علامه اقبال لاهوری می‌گوید: به وسیله نیایش و ارتباط با خدا جزیره کوچک شخصیت ما، وضع خود را در کل بزرگ‌تری از حیات، اکتشاف می‌کند (نیک‌زاد، ۱۳۸۴، ۱۴). انسان در صورتی می‌تواند به موفقیت و کمال نایل شود که از سرچشمه فیض و رحمت الهی سیراب گردد. هر چه ما و شما داریم و هر آنچه دیگران دارند، در سایه کبریایی و لطف بی‌پایان الهی حاصل شده است و هر چه هست، از ناحیه خداست. در سایه ارتباط با خداوند در قالب نماز و دعا، درهای رحمت باز می‌شود و روح امید در انسان به وجود می‌آید. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در روایتی نورانی، خطاب به ابوذر، این چنین می‌فرماید: ای ابوذر! مادام که در نمازی، به کوبیدن در خانه پادشاه جبار (خداوند) پرداخته‌ای و هر کسی زیاد در خانه پادشاه را بکوبد، در به روی او باز می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۸/۷۴).

هانری لینک^{۲۳}، روان‌شناس امریکایی، می‌گوید: «در نتیجه تحقیقات طولانی خود بر روی افراد به این موضوع پی‌برده‌ام: کسی که با دین سر و کار داشته باشد و به عبادات پردازد، آن چنان شخصیتی قوی و نیرومند پیدا می‌کند که هیچ‌گاه یک نفر بی‌دین نمی‌تواند چنین شخصیتی به‌دست آورد» (پناهی، ۱۳۸۲، ۱۵۳).

آلکسیس کارل^{۲۴} می‌گوید: اگر صمیمانه به دعا و نماز (یاد خدا) پردازید، خواهید دید که زندگی شما به صورت عمیق و مشهودی تغییر می‌کند. باید بگویم دعا فعالیتی است که برای تکامل صحیح شخصیت و تمامیت عالی‌ترین ملکات انسانی ضرورت دارد. تنها در دعا و نماز، اجتماع کامل و هماهنگ بدن و

فکر و روح حاصل می‌شود و به آدمی که همچون نی شکننده‌ای است، نیرومندی و استقامت بیرون از حد تصور عنایت می‌شود. دعا و نیایش عملی است که آدمی را در حضور خدا قرار می‌دهد (پناهی، ۱۳۸۲، ۱۶۱). کسی که با خداوند رابطه ندارد در غفلت فرو غلتیده و سقوط خواهد کرد. هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معراج رفت، خطاب‌هایی از سوی خداوند دریافت کرد؛ از جمله این که: ای احمد! هرگز غافل مشو. هر کس از من غافل شود، نسبت به این که او در کدام راه نابود می‌شود، اعتنا نمی‌کنم (دیلمی، ۱۳۷۲، ۲۱۴/۱).

این بیان به خوبی نشان می‌دهد عاقبت غفلت از خداوند، هلاکت و نابودی است؛ زیرا غفلت سرچشمه بسیاری از گناهان بوده، حتی باعث می‌شود انسان از حیوان هم پست‌تر گردد. به سبب دقت نکردن در آفرینش، بی‌توجهی به عظمت الهی و ماندن در جهل و نادانی است که انسان به عذاب الهی گرفتار می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «به یقین گروه زیادی از جن و انس را برای دوزخ آماده کردیم؛ آنها عقل‌هایی دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند و چشم‌هایی دارند که با آن حقایق را نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آنها همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند [زیرا با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهانند!] (اعراف/۱۷۹).

آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد: «ادای نماز در وقت مقرر و با حضور قلب و توجه به محتوای راز و نیاز و مناجات با خدا، قلب را صیقل داده، زنگار غفلت را از آینه روح می‌زداید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۳۴۶).

ایمان به خدا و راز و نیاز با او، به انسان امید و توان می‌دهد و انسان احساس می‌کند به پناهگاهی مطمئن و قدرتمند متکی است. از این رو احساس نشاط و توانمندی می‌کند. اگر ارتباط انسان با منبع عظمت و رحمت قطع گردد، احساس دل‌تنگی و نگرانی در او ایجاد می‌شود و به بیماری‌های روانی گرفتار می‌آید. روان‌شناسان و روان‌کاوان بزرگی همچون یونگ، اریک فروم، ویلیام جیمز و

دیگران به این حقیقت اشاره کرده‌اند و ایمان به خدا را اساس پیش‌گیری و معالجه بیماری روان می‌دانند (همان، ۸۶). دلیل کارنگی^{۲۵} می‌نویسد: «هنگامی که کارهای سنگین، قوای ما را از بین می‌برد و اندوه‌ها هر نوع اراده‌ای را از ما سلب می‌کند و بیشتر اوقات که درهای امید به روی ما بسته می‌شود، به سوی خدا روی می‌آوریم، ولی اصلاً چرا بگذاریم روح یأس و ناامیدی بر ما چیره شود؟ چرا همه روزه به وسیله نیایش و دعا و به جای آوردن حمد و ثنای خداوند، قوای خود را تجدید نکنیم؟» (کارنگی، ۱۳۸۰، ۲۰۳).

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «پروردگارا! تو از هر مونس‌ی برای دوستان مونس‌تری و از همه آنها برای کسانی که به تو اعتماد کنند، برای کارگزاری آماده‌تری. پروردگارا! آنان را در باطن دلشان مشاهده می‌کنی و در اعماق ضمیرشان بر حال آنان آگاهی، و میزان معرفت و بصیرتشان را می‌دانی. رازهای آنان نزد تو آشکار است و دل‌های آنان در فراق تو بی‌تاب. اگر تنهایی سبب وحشت آنان گردد، یاد تو مونس آنهاست و اگر سختی‌ها بر آنان فرو ریزد، به تو پناه می‌برند» (شهیدی، ۱۳۷۲، خطبه ۲۲۵).

۶. دوری از گناه

یکی از موانع و مشکلات جدی در مسیر تکامل و موفقیت انسان، گناه و نافرمانی است. گناه و نافرمانی، انسان را در جاده‌های هلاکت و وحشت وارد می‌سازد و سرانجامی اندوه‌بار برای او رقم می‌زند. گناه، زهر کشنده‌ای است که درمان ندارد و تنها درمانش، توبه و بازگشت واقعی به سوی انسانیت و بندگی خداوند است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: قلب، حرم خداست و نباید در حرم خدا، غیر خدا ساکن شود^{۲۶} (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۶۷/۲۵).

گناه، نقطه‌های سفید و نورانی قلب را - که می‌تواند منشأ تکامل و موفقیت باشد - از بین می‌برد. قلب انسان‌ها پیش از آلوده شدن به گناه، نورانی و سفید و همچون آینه‌ای صاف و صیقل شده است؛ لذا انوار الهی را جذب می‌کند، اما

وقتی بر اثر گناه روی آن تیرگی ایجاد شود، هر چه نور بر آن بتابد، جذب نخواهد شد. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «هیچ بنده مؤمنی نیست مگر این که در قلبش نقطه سفید و روزنه‌های امید وجود دارد. پس هرگاه گناهی مرتکب می‌شود نقطه سیاهی در قلبش نمودار می‌گردد. اگر به دنبال گناه، توبه کند [طلب عفو و گذشت نماید و گذشته را جبران کند] آن سیاهی از بین می‌رود، ولی اگر در گناهان مداومت داشته باشد، آن سیاهی گسترده و زیاد می‌شود، تا جایی که سفیدی قلب را در بر می‌گیرد. هرگاه سفیدی قلب تحت پوشش سیاهی گناهان قرار گیرد، صاحب چنین قلبی، خیری نصیبش نخواهد شد» (کلینی، ۱۳۷۲، ۲/۲۷۳). البته مراد از دل، همان قلب فیزیکی و عضوی که خون را به رگ‌ها می‌فرستد نیست، بلکه مراد از دل، در منطق اسلامی، روح و نفس انسان است.^{۲۷}

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: گناه، انسان را از عبادت و تهجد محروم می‌کند و لذت مناجات با خدا را از او می‌گیرد، و تأثیر گناه از کارد برنده سریع‌تر است^{۲۸} (کلینی، ۱۳۷۲، ۲/۲۶۸). گناه باعث به هدر رفتن استعدادهای انسان شده و اعتماد به نفس را از بین می‌برد و باعث ضعف اراده و امید می‌گردد.

۷. پشتکار

زندگی همانند میدان کارزار است. در صحنه زندگی، یکی پیروز می‌شود و جلو می‌رود و دیگری زمین می‌خورد و دچار شکست می‌شود. اولی غرق در سرور و شادی و دومی دردمند و غمگین است. بدون تردید در فراز و نشیب زندگی، عده‌ای فاتح و پیروز می‌شوند و به هدف‌هایی که دارند، دست می‌یابند. این عده کسانی هستند که اگر زمین بخورند و گرفتار مشکلات شوند، به جای یأس و ناامیدی دوباره پیا خاسته، به راه خود ادامه می‌دهند. شکست و مشکلات نه تنها به اراده آنان صدمه‌ای وارد نمی‌کند، بلکه عزم و اراده آنان را استوارتر می‌کند. اینان بر اثر همین روحیه شکست‌ناپذیری و خالی نکردن میدان، هر مانعی را از سر راه برمی‌دارند و سرانجام به اهداف عالی خود می‌رسند.

خوشبخت‌ترین افراد کسانی‌اند که به عمق وجودی خود بهتر پی برده، عالی‌ترین بهره‌ها را از ذخایر وجودی خود می‌برند. البته واضح است که ذخایر وجودی افراد متفاوت است و هر فردی استعداد و توانمندی ویژه‌ای دارد که با دیگری متفاوت است و همچنین هر فردی در محیط اجتماعی خاص و خانواده خاصی زندگی می‌کند، ولی این‌ها چندان مهم نیست، بلکه مهم آن است که هر کس در هر شرایطی از استعداد و توانمندی خود استفاده کند و در همان محدوده وجودی خودش، تلاش کند و زندگی خود را بسازد. سکاکی، از دانشمندان بزرگ، در چهل سالگی به درس خواندن روی آورد. وی چنان کم استعداد بود که راه حجره‌اش را گم می‌کرد، اما با تلاش و پشتکار توانست یکی از دانشمندان بزرگ شود، به طوری که نوشته‌ها و تألیفات او پس از قرن‌ها هنوز هم مورد استفاده دانشوران است. وقتی به سراغ دستورات و آموزه‌های دینی می‌رویم، با گستره عظیمی از آموزه‌ها مواجه می‌شویم که موفقیت و تکامل و لذت‌ها را در گرو تلاش، پشتکار و پایداری می‌دانند. در ادامه، تعدادی از این آموزه‌ها را، که یا از طرف خداوند نازل شده و یا از طریق انسانی معصوم و دانا به تمام علوم عالم، رسیده است، مرور می‌کنیم. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: انسان در سایه تلاش و کوشش می‌تواند به خواسته‌های خود برسد (نجم/۳۹). امام علی علیه السلام در جنگ جمل خطاب به فرزندشان، محمد حنفیه فرمودند: اگر کوه‌ها از جای کنده شوند تو ثابت و استوار باش، دندان‌ها را بر هم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت ده، پای بر زمین میخکوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم‌پوش و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است^{۲۹} (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ۵۵)؛ یعنی در راه هدف، استقامت و پایداری داشته باش و بدان که در سایه پشتکار و تحمل دشواری‌ها، می‌توان به قله‌های افتخار و پیروزی رسید. حضرت علیه السلام در جایی دیگر در این باره می‌فرمایند: با تحمل دشواری‌ها و رنج‌های سخت، آدمی به آسایش

همیشگی و پایه‌های بلند زندگی نایل خواهد شد^{۳۰} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۳۰۵). نتیجه‌جدیدیت و تلاش و استمرار در کارها، پیروزی و موفقیت است و امکانات زیاد، نقش چندانی در موفقیت ندارد؛ اگر چه سهمی در پیشبرد آن دارد. انسان مؤمن و مسلمان، در پرتو آموزه‌های دینی برای رسیدن به قله‌های بالندگی و به دست آوردن نعمت‌های دنیوی و کسب کمالات اخلاقی و اخروی، استقامت زیادی از خود نشان می‌دهد و از ناملایمات، زخم زبان‌ها، بی‌مهری اطرافیان و دشواری‌ها نمی‌هراسد و به راهی که ایمان دارد، ادامه می‌دهد. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: روح مؤمن و اراده او از سنگ خارا شکست‌ناپذیرتر است^{۳۱} (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۷۱/۶۴). ایشان همچنین در مقایسه‌ای زیبا، مردمی را که در کانون دشواری و پایداری و پشتکار پرورش یافته‌اند، به درختان نیرومند کوهستانی، و افراد تن‌پرور و راحت‌طلب و سست اراده را به درختان باغستان، که معمولاً سست و ضعیف هستند، تشبیه کرده، می‌فرماید: آگاه باشید درختان بیابانی، چون به سختی و کم‌آبی خو گرفته‌اند، چوب‌هایشان سخت‌تر و شعله‌آتش آنها شدیدتر و سوزنده‌تر است و دیرتر به خاموشی می‌گریند، ولی درختان بوستانی، پوست‌هایشان نازک‌تر و چوب‌هایشان سست‌تر است و زودتر در هم شکسته می‌شوند^{۳۲} (همان، ۴۷۵/۳۳).

نتیجه‌گیری

با تتبع اجمالی در آموزه‌های دینی و آموزه‌های علمی، نتایج زیر در رابطه با عوامل موفقیت در زندگی، به دست آمد:

۱. مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل موفقیت، دل‌دادگی به خداوند و توکل به خالق متعال است؛
۲. رابطه معنوی و عبادی با خداوند و پرهیز از گناه، یکی دیگر از عوامل موفقیت در زندگی است؛
۳. اعتماد به نفس و احساس خودباوری، عامل دیگری از عوامل پیشرفت در

زندگی می‌باشد؛

۴. برخورداری از ارادهٔ مصمم، پشتکار و سخت‌کوشی و همچنین بهره‌گیری از تجارب و تخصص افراد عاقل و موفق، عامل دیگری از عوامل موفقیت می‌باشد؛

۵. هدف‌گذاری در زندگی، توجه به اهداف خلقت انسان و برنامه‌ریزی، نیز از عوامل اساسی در موفقیت به حساب می‌آید.

پی‌نوشت‌ها

1. Morris Thom

۲. در لغت نیز یکی از معانی موفقیت، سعادت و خوشبختی بیان شده است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۹۲۶۹/۱۳).

۳. ﴿فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ﴾.

۴. ﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً﴾.

۵. «مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً وَ نَالَ ثَوَاباً كَرِيماً وَ مَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ خَسِرَ خَسِرَاناً مَبِيناً وَ اسْتَحَقَّ عَذَاباً أَلِيماً».

۶. «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً وَ انَّ تَقْوَى اللَّهِ تَوْقَى مَقْتَه وَ تَوْقَى عَقُوبَتَه وَ تَوْقَى سَخَطَهُ وَ انَّ تَقْوَى اللَّهِ تَبْيِضُ الْوَجُوهَ وَ تَرْضَى الرَّبَّ وَ تَرْفَعُ الدَّرَجَةَ».

7. Michel de Montaigne

8. Self confidence

9. Self- Esteem

10. Atkinson

11. Alport

12. Schults, d.

13. Rnightman

14. Meili,R.

15. DeEadra

۱۶. توکل به خدا از مفاهیم بنیادی است که تعاریف مختلفی از آن شده است. فیض کاشانی در تعریف توکل می‌گوید: توکل تفویض امر است با تدبیر و کیل علی‌الاطلاق و اعتماد بر کفایت کفیل ارزاق و توکل نتیجهٔ حقیقت ایمان است. طبرسی توکل را این‌گونه تعریف نموده است: توکل واگذار کردن و سپردن امور خویش به خداوند و اعتماد به حسن تدبیر او است. از نظر ملا احمد نراقی توکل عبارت است از اعتماد کردن و مطمئن بودن دل بنده در جمیع امور خود به خدا و حواله کردن همهٔ کارهای خود به پروردگار و بیزار شدن از هر حول و تکیه بر حول و قوهٔ الهی نمودن، حصول این صفت شریفه موقوف است بر اعتقاد جازم به این که هر کاری که در کارخانهٔ هستی رخ می‌دهد همه از جانب پروردگار

است و هیچکس را جز او قدرت بر هیچ امری نیست مگر به واسطه او و تمام علم و قدرت بر کفایت امور بندگان از برای اوست و غایت رحمت و عطف و مهربانی به هر فرد از افراد بندگان خود دارد. اعتقاد به این که بالاتر از قدرت او قدرتی نیست و فوق علم او علمی نیست ... کسی که این اعتقاد را داشته باشد، دل او اعتماد به خدا می‌دارد و التفات به غیر او نمی‌کند، بلکه در امور خود ملتفت به خود نیز نمی‌باشد و کسی که این حالت را در خود نمی‌یابد یا یقین او سست است یا دل او ضعیف و مرض بر آن مستولی است و به سبب غلبه اوهام مضطرب و لرزان است. نراقی پس از بیان تعریف توکل این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که توکل تمام نمی‌شود مگر به قوت یقین و قوت نفس هر دو و به این دو سکون دل و اطمینان آن حاصل می‌گردد. خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف توکل آورده است: توکل آن بود که حواله آن با قدرت بشری نبود و رأی و رؤیت خلق را در آن مجال تصرفی صورت نیندند. زیاده و نقصان و تعجیل و تأخیر نطلبند و خلاف آنچه باشد میل نکنند، توکل واگذاری کار خود به خداوند از روی اعتماد به حسن تدبیر او است. محمد غزالی در تعریف توکل آورده است: «توکل حالتی است از احوال دل و آن ثمره ایمان است به توحید و کمال لطف پروردگار و معنی آن حالت اعتماد دل است بر وکیل و استوار داشتن وی تا دل در وی بندد (تا دل بستگی به خداوند ایجاد شود) و به سبب خلل شدن اسباب ظاهر شکسته دل نشود، بلکه بر خداوند اعتماد دارد که روزی به وی رساند. علامه مجلسی در تعریف توکل می‌گوید: «توکل آن است که بنده در عین حالی که تمام امور خود را به خداوند سپرده است، خود نیز به تلاش و کوشش پردازد و این مفهوم همان معنی لاجبر و لاتفویض بل امر بین الامرین است. وی در ادامه می‌افزاید: توکل به معنای ترک تلاش و کوشش در امور نیست، چنانچه مفهوم توکل عدم پرهیز از امور غیر ممکن و محذور هم نیست بلکه در انجام امور باید به مسبب اصلی توجه نمود و توسل به اسباب آن جست». دیگر اندیشمندان مسلمان و علمای اخلاق نیز هر کدام تعریفی از توکل ارائه داده‌اند که بازنگری و گزارش آنها در این نوشتار میسر نیست. در یک جمع‌بندی از کلیه تعاریف عنوان شده و با رویکرد روان‌شناختی تعریف دیگری از توکل می‌توان ارائه کرد که در آن توکل به خدا عبارت است از: معطوف نمودن توجه از آفریده به آفریدگار یکتا، اعتقاد به تصرف حکیمانه خداوند در امور جهان و اطمینان قلبی به لطف مستمر خداوند در هدایت و راهنمایی بشر، کلیه تغییر و تحولات جهان را به خواست و مشیت او دانستن، ایجاد اطمینان قلبی و آرامش فکری ناشی از این اعتقاد، و واگذاری امور زندگی به اراده و لطف خداوند. شخص متوکل در تمام کارهایش بر خداوند اعتماد نموده و دل به او می‌سپارد و در اثر این اعتماد و اطمینان قلبی در دل فرد متوکل آرامش ایجاد می‌شود که در اثر حوادث زندگی دچار تزلزل و شک و تردید نمی‌گردد (شجاعی، ۱۳۸۳، ۳۷-۳۵). همان طور که ملاحظه می‌شود هیچ یک از معانی توکل با مفهوم روان‌شناختی اعتماد به نفس، منافات ندارد.

۱۷. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: إِنَّمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَيْنِ اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ وَ طُولَ الْأَمَلِ».

۱۸. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ».
۱۹. «مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي وَ بِمُنَاجَاتِكَ بَرَدَتْ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي».
۲۰. «إِلَهِي بَكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ وَ عَلَيَّ مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ وَ لَا تَسْكُنُ النَّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ».
۲۱. «مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا».
۲۲. «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ».

23. Henry link
24. Alexis Carrel
25. Dale Carnegie

۲۶. «الْقَلْبُ حَرَمٌ اللَّهُ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ».
۲۷. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۷۶، ج ۱.
۲۸. «ان الرجل يذنب الذنب فيحرم صلوة الليل و ان العمل السيى اسرع فى صاحبه من السكين فى اللحم».
۲۹. «تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُلُّ عَضَّ عَلَى نَاجِذِكَ أَعْرَ اللَّهُ جُمُجُمَتَكَ تَدْفِي الْأَرْضُ قَدَمَكَ أَرْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَ غَضَّ بَصْرَكَ وَ أَعْلَمَ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ».
۳۰. «بِالتَّعَبِ الشَّدِيدِ تُدْرِكُ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةَ وَ الرَّاحَةُ الدَّائِمَةُ».
۳۱. «الْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنَ الصَّلْدِ».
۳۲. «أَلَا وَ إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا وَ الرِّوَاتِحَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَ النَّبَاتَاتِ الْعِذْيَةَ أَقْسَى وَقُودًا وَ أَبْطَأُ خُمُودًا».

منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه (۱۳۷۲)، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، انقلاب اسلامی.
- ۱. ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- ۲. احمدی، علی اصغر (۱۳۷۸)، روابط دختر و پسر در ایران، تهران، سازمان انجمن اولیا و مربیان.
- ۳. استفانی، مارستون (۱۳۷۵)، معجزه تشویق، ترجمه توراندخت تمدن، تهران، علمی.
- ۴. اسلامی نسب، علی (۱۳۷۳)، روان شناسی اعتماد به نفس، تهران، مهرداد.
- ۵. اسمایلز، ساموئیل (۱۳۸۰)، اعتماد به نفس، ترجمه علی دشتی، تهران، مرکز تحقیقات قلم آشنا.

۶. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
۷. بستان، حسین (۱۳۸۳)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۸)، روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی.
۹. پروا، مهدی (۱۳۸۰)، روان‌شناسی یکتا پرستی، تهران، انتشارات.
۱۰. پناهی، علی احمد (۱۳۸۲)، آرامش در پرتو نیایش، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۱. ----- (۱۳۸۴)، جوانی فصل شکفتن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۲. تیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، قم، دارالکتاب الإسلامی.
۱۳. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۳)، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، تهران، اسلامی.
۱۴. حر عاملی (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث.
۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۶. دی آنجلس، باربارا (۱۳۸۲)، اعتماد به نفس، ترجمه مرضیه ملک جمشیدی، تهران، کتابسرای رشد.
۱۷. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۲)، ارشاد القلوب، بیروت، دارالفکر.
۱۸. دیماتو، ام. رابین (۱۳۷۹)، روان‌شناسی سلامت، ترجمه محمد کاویانی و همکاران، تهران، دانشگاه تهران.
۱۹. ساموئیل، اسمایلز (۱۳۸۰)، اعتماد به نفس، ترجمه علی دشتی، تهران، مرکز تحقیقات قلم آشنا.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت، دارالفکر.
۲۱. شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۳)، توکل به خدا، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۲. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم، هجرت.
۲۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۱)، نیایش در عرفات، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. کارل، الکسیس (۱۳۷۷)، نیایش، ترجمه علی شریعتی، در: مجموعه آثار علی شریعتی، تهران، الهام.
۲۵. کارنگی، دیل (۱۳۸۰)، آیین زندگی، ترجمه ریحانه سیف، تهران، پیمان.
۲۶. کاشانی، مولی محسن (۱۳۴۲)، محجة البیضاء، تهران، مکتبه الصدوق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۲)، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، قم، اسوه.
۲۸. ----- (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۹. کیهان‌نیا، اصغر (۱۳۸۲)، راز موفقیت در زندگی، تهران، مادر.

۳۰. لقمانی، احمد (۱۳۸۰)، علامه طباطبایی: میزان معرفت، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۲. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۶)، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۳. ----- (۱۳۸۸)، اخلاق در قرآن (مشکات)، قم، مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدرا.
۳۵. ----- (۱۳۶۹)، مقالات فلسفی، تهران، حکمت.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۱)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. مورفی، ژوزف (۱۳۶۹)، تقویت و تمرکز فکر، ترجمه هوشیار رزم‌آزما، تهران، آرمان.
۳۹. موریس، تام (۱۳۸۴)، موفقیت واقعی، ترجمه محمد ابراهیم گوهریان، تهران، نسل نو اندیش.
۴۰. نظری، مرتضی (۱۳۸۱)، عوامل موفقیت در تحصیل، تهران، مدرسه.
۴۱. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لإحیاء التراث.
۴۲. نیک‌زاد، الیاس (۱۳۸۴)، سرّ مرتبط، مشهد، رستگار.
۴۳. واعظی‌نژاد، حسین (۱۳۸۱)، طهارت روح عبادت و نماز در آثار شهید مطهری، تهران، ستاد اقامه نماز.
1. Atkinson R., etal introduction to psychology, 8 th edition, New York, HBJ, 1983.
2. DeEadra A. N..(2005). Teacher', Parents', and Students' perception of effectiveness school characteristics of two Texas urban exemplary open – enrolment charter schools.

اسلام و راه‌کارهای کنترلی گزینش عقلانی*

□ ابراهیم عباس پور^۱

چکیده

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ‌های قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به پرسش‌هایی است که در روایت‌های گوناگون رویکرد گزینش عقلانی، پیرامون متغیرهای اثرگذار در کنترل کج‌روی مطرح است. لذا محورها و پرسش‌های اساسی مورد نظر در این روایت‌ها را گردآورده و آنها را در فهرستی موضوعی دسته‌بندی کرده‌ایم. برای این کار، گزینش عقلانی را در نظریه‌های مختلف که به نحوی مرتبط با بحث گزینش و عقلانیت بود بررسی کردیم؛ نظریه‌هایی که نقش انسان را در گزینش‌های او مورد بررسی قرار داده‌اند و با وجود اثرگذاری ساختارها و عوامل دیگر، گزینش‌گری و تأثیر اراده انسان در محاسبه سود و زیان را خاطر نشان کرده‌اند. در چارچوب نظری این پژوهش، برای به دست آوردن مقوله‌های کنترلی مورد نیاز که بتوان آنها را به آیات و روایات عرضه کرد، به الگوهای کنترلی مطرح در نظریه گزینش عقلانی پرداخته‌ایم. در نهایت محورهای این نظریه را در قالب چند مقوله اصلی مشخص نموده‌ایم. دسته‌بندی مقوله‌ها براساس رویکرد کنترلی انجام گرفته و به سه راه کار پیش‌گیری موقعیتی و مجازات و طرد در این مورد اکتفا کرده‌ایم. مقوله‌ها به شکل پرسش بر قرآن کریم و منابع حدیثی شیعه، عرضه و

محصول در قالب توصیف دیدگاه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به آنها سامان‌دهی شده است. تحقیق از نوع «تحلیل محتوای توصیفی و کیفی» و هدف جزئی پژوهش «تحلیل محتوای قرآن و منابع روایی و تفسیری» است. موضوع نیز عبارت است از: «توصیف نگاه قرآن و احادیث شیعه پیرامون ابعاد نقش آفرینی «گزینش عقلانی» در کنترل کج‌روی. واژگان کلیدی: آیات قرآن، احادیث شیعه، توان‌گیری، کنترل، گزینش عقلانی، مجازات، پیش‌گیری موقعیتی.

مقدمه

امروزه، ارتباط میان دین و نظریه‌های جامعه‌شناسی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی است. نظریات مختلفی در این باره ارائه شده است، طوری که اگر بخواهیم این اختلاف آراء را به صورت یک طیف مشخص کنیم، در یک سر طیف دیدگاه‌های کسانی قرار دارند که معتقدند نمی‌توان میان این دو حوزه، ارتباط برقرار کرد و این دو حوزه ارتباطی با هم ندارند. به اعتقاد این افراد، تنها می‌توان دین را مطالعه جامعه‌شناختی کرد، که در این صورت، دین مانند سایر عرصه‌ها می‌تواند به عنوان مواد خام نظریه‌های جامعه‌شناسی قرار بگیرد.

در آن سر طیف، اندیشمندانی قرار دارند که معتقدند، دین می‌تواند در این عرصه حضور داشته باشد و این به دلیل آن است که، دین علاوه بر هدایت معنوی انسان‌ها، برای زندگی اجتماعی آنها نیز راه‌کارهایی را ارائه می‌دهد و ما باید به کشف این راه‌کارها پردازیم و نظریه‌های جامعه‌شناسی، ما را در کشف این راه‌کارها و قوانین راهنمایی می‌کنند.

تحقیق حاضر در میانه این طیف قرار دارد. ما در این تحقیق هیچ کدام از این دو ادعا را دنبال نمی‌کنیم، بلکه راه میانه‌ای را انتخاب کرده‌ایم؛ از یک مسأله خرد جامعه‌شناختی در یک رویکرد کج‌روی (نظریه‌های گزینش عقلانی) شروع کرده و محورهای کنترلی این نظریه‌ها را استخراج کرده و سعی داریم تا این محورها را به صورت پرسش به منابع دینی ارائه کنیم و پاسخ‌ها را از منابع دینی

پی‌گیری نماییم؛ به عبارت دیگر، محورهای اصلی موجود در نظریه جامعه‌شناسی را به صورت مقوله‌هایی به آیات و روایات عرضه می‌کنیم و پاسخ‌ها را از متون دینی استخراج می‌نماییم تا دیدگاه متون دینی را در مورد راه‌کارهای کنترلی ارائه کنیم.

البته، با توجه به فرصت اندک و ضعف فراوان نگارنده، به این نکته هم معترفیم که کاری که ما در این تحقیق انجام می‌دهیم، به عنوان حرف نهایی منابع دینی و حتی پرسش‌هایی که ما با آنها به سراغ منابع دینی رفته‌ایم نیست، به یقین نکاتی وجود دارد که ما از آنها غفلت کرده یا در فهم و تحلیل آنها ناتوان بوده‌ایم، تنها ادعای ما این است که از مجموع منابع دینی که ما با کلید واژه‌های مشخصی به آن دست یافته‌ایم، این نکات را بیان کرده‌ایم و این سخن نهایی منابع دینی نیست. این تحقیق جزئی از یک هدف کلی است و باید تحقیقاتی از این دست انجام گیرد تا پس از آن بتوان به جمع‌بندی در این زمینه پرداخت.

کنترل اجتماعی از مفاهیم بسیار مهم و کلیدی در جامعه‌شناسی است و می‌توان گفت که مقصود نهایی همه مطالبی است که در نظریه‌های جامعه‌شناسی کج‌روی از آن بحث می‌شود. چرا که منظور اساسی از این که رویکردهای مختلف جامعه‌شناختی به تبیین کج‌روی می‌پردازند، این است که ابزار مناسب و کارآمدی برای مقابله و کنترل کج‌روی براساس این تبیین‌ها پیدا کنیم. کنترل اجتماعی مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین است که یک جامعه برای تضمین هم‌نوایی رفتاری اعضای خود در برابر کج‌روی با مجموعه‌ای از قواعد و اصول معین و دارای ضمانت اجرا در اختیار دارد (سلیمی و داوری، ۴۵۲).

تبیین‌های کج‌روی، همواره پیوندی تنگاتنگ با درون‌مایه کنترل داشته‌اند، به طوری که همه نظریه‌های جرم در عین حال نظریه‌های پیش‌گیری از جرم هستند. آنها تنها در میزان تغییر مورد نیاز برای رسیدن بدین مقصود، با هم متفاوتند. تبیین‌های گزینش عقلانی بعد از بحث‌های مفصل در تبیین جرم و

کج‌روی، همانند سایر نظریه‌ها، راه کارهای کنترلی متناسب با اصول نظری خود ارائه کرده‌اند. ضمن این که، کلارک و دیگران (۱۹۹۸) مدعی‌اند نظریه‌های گزینش عقلانی به دلیل این که راه کارهای کنترلی‌شان، منافع آنی برای جامعه دارد، از نقطه نظر سیاست‌گذاری جذاب‌ترند.^۱

رویکرد گزینش عقلانی، به پیروی از دیدگاه کلاسیک، با تکیه بر این ایده اساسی که کج‌روان رفتار کج‌روانه را گزینش می‌کنند، این ایده را مطرح می‌کند که بالا بودن هزینه جرم، احتمالاً از ارتکاب جرم جلوگیری خواهد کرد. بنابراین، براساس این دیدگاه اگر بتوان افراد مستعد کج‌روی را به این باور رساند که، دست کم، زیان‌ها و هزینه‌های ناشی از این رفتارها از منافع احتمالی آنها بیشتر است، آنها از رفتارهای کج‌روانه صرف‌نظر خواهند کرد. این مضمون شالوده‌شکل‌گیری ایده‌های کنترلی این رویکرد است و ما در این تحقیق، به صورتی مختصر آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

پیشینه تحقیق

در این مورد تحقیقات محدودی انجام شده است، از جمله مقاله‌ای از نویسنده در مورد محورهای تبیینی نظریه گزینش عقلانی به چاپ رسیده است. مقاله دیگری از آقای دکتر سلیمی با عنوان «رویکردی کارکردی به دین: تأملی در سنجه‌های دینداری» که به چاپ رسیده است. پایان‌نامه‌هایی در سال‌های اخیر نوشته شده که همین روش و رویکرد را دارند، ولی ناظر به نظریه‌های مختلف می‌باشند: پایان‌نامه آقای هژبری «تحلیل محتوای نظریه پدیدارشناسی»، آقای علیرضا حسن‌زاده با مقاله «تحلیل محتوای نظریات کنترلی»، آقای صالحی‌زاده «تحلیل محتوای نظریه بزه‌دیدگی» و کتاب همشینی آقای سلیمی که محورهای نظریه همشینی افتراقی را با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار داده‌اند. همه این آثار و مقاله‌ها با رویکرد و هدف تحقیق حاضر نوشته شده و هدف واحدی

را دنبال می‌کنند، ولی حوزه فعالیت و عملکرد آنها تنها در قلمرو نظریه واحدی هستند و تحقیق حاضر قصد دارد تا خلأ موجود در این زمینه را ناظر به راه کار کنترلی مطرح در نظریه‌های گزینش عقلانی پر سازد.

روش تحقیق

روش انجام تحقیق «تحلیل محتوای توصیفی و کیفی» با مقوله‌های تحلیل «موضوعی» (ناظر به محتوای پیام‌های گزاره‌های دینی) است که با رهیافت قیاسی در تدوین مقوله‌های تحلیل (یعنی مقوله‌بندی براساس یافته‌های نظری و تجربی موجود در حوزه کنترلی گزینش عقلانی) همراه می‌باشد.

مجازات

نظریه پردازان کلاسیک معتقد بودند که بالا بودن هزینه جرم از ارتکاب آن جلوگیری خواهد کرد و افراد به دلیل ترس از مجازات بالقوه‌ای که نتیجه تخلف است، از آن خودداری می‌کنند. این نکته، مبنایی برای شکل‌گیری دیدگاه بازدارندگی از جرم شد^۲ که همچنان حضور مؤثر خود را در میان نظریه‌های گزینش عقلانی و در شکل دادن به راه کارهای کنترلی آن حفظ کرده است.

طرح برجسته‌ای که از مکتب فکری کلاسیک در تحلیل این راه کار به وجود آمد، نظریه بازدارندگی بود که اظهار می‌کند، هزینه مجازات باید متناسب باشد و وزن متناسبی به سود بالقوه‌ای بدهد که از طریق ارتکاب عمل مجرمانه به دست می‌آید. احتمالاً، اگر مجازات جرم کمی بیشتر از منافع محتمل قابل دسترس باشد، شخص عاقل از ارتکاب عمل سرباز می‌زند.

در این زمینه، بکار یا معتقد بود:

مجازات باید به حد کافی سخت‌گیرانه باشد تا با منافع به دست آمده از ارتکاب جرم متعادل باشد. [در این خصوص] سرعت و حتمیت مجازات، اساسی هستند؛ و افراط در سخت‌گیری عملاً مضر است.^۳ اما این ایده بعدها با

تعدیل‌هایی جدی رو به رو شد. برای مثال، نظریه پردازان نئوکلاسیک در عین تأکید بر مجازات، به عنوان یک بازدارنده بر محدود کردن صلاحیت مجازات به عنوان یک بازدارنده عقلانی و مؤثر از جرم تأکید کردند. بعدها نیز کلارک به عنوان یکی از نظریه پردازان گزینش عقلانی، ادعا کرد که:

گذشته از ملاحظات اخلاقی و هزینه گزاف عوامل مربوط به توان‌گیری حبس، مصاحبه با حرزشکنان محکوم شده نشان می‌دهد که حتمیت دستگیری، و نه شدت مجازات، بازدارنده اصلی است.^۴

این تحولات سبب شده است که امروزه موارد زیر را شالوده اصل «بازدارندگی» یا «پیش‌گیری از جرم از طریق مجازات» بدانند:

۱. اعطای حق مجازات مجرم به جامعه، با تکیه بر اصل اختیار در مجرمان؛
۲. نفی مجازات‌های خشن و شدید و محدود ساختن آن به موارد معدود؛
۳. توجه به ضرورت حتمیت، قطعیت و فوریت کیفر، به جای تکیه بر «شدت» آن؛
۴. توجه به ضرورت مطابقت داشتن ضمانت اجراهای کیفری، با عدالت توجیه‌گر کفاره و مکافات در تعیین مجازات (اصل ضرورت عدالت)؛
۵. دادن اولویت مقابله به پیش‌گیری، با تکیه بر کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و نه قلع و قمع اعمال مقدماتی آن؛
۶. اولویت دادن به اصل بازدارندگی در تدوین مجازات؛
۷. جرم‌زدایی یا محدود کردن گستره مقررات کیفری به رفتارهایی که اجتماع ستیزی‌شان آشکار است؛
۸. تمرکز بر حقوق بزه دیده و ورود مؤثر تدابیر زیر در بستر کنترل اجتماعی؛
- محافظت مؤثر پلیس، اجرای هر چه بیشتر مجازات زندان و اولویت دادن به امنیت عمومی در مقابل حقوق فردی؛
۹. توجه به ضرورت تحول در وضع اقتصادی و اجتماعی جامعه به عنوان

متغیری اساسی در کاهش میزان جرم (سلیمی و داوری، ص ۴۶۴).

با توجه به ایده عقلانیت در نظریه‌های گزینش عقلانی، هر سیاست کنترلی احتمالاً شامل نوعی مجازات به اندازه کافی خشن برای منصرف کردن افراد «عقلانی» از شرکت در چنین اعمالی خواهد بود. تعدادی از اصلاحات کنونی قانون‌گذاری مبتنی بر این اصل هستند و به ویژه از طریق سیاست‌های «سخت‌گیرانه» از نگاه این نظریه قابل اجرا هستند. مثال برجسته این سیاست‌ها، «قانون سه ضربه»^۵ است که براساس آن، افراد عاقلی که پیش از این مرتکب جرم شده‌اند، از فعالیت‌های مجرمانه بعدی خودداری خواهند کرد تا هزینه مرتبط با این نوع برخورد بتواند به نوعی مجازات ابد بیانجامد.

ایده بازدارندگی با توجه به آموزه حاکم بر آن - اصل راهبردی دیدگاه کلاسیک در آراء بکاریا و بنتام که مدعی بودند تنها هدف مجازات، بازداشتن مجرم از وارد آوردن صدمه بیشتر به جامعه و منصرف ساختن شهروندان جرم ناکرده از ورود در قلمرو جرم است (سلیمی و داوری، ص ۴۶۷) - در دو محور اصلی زیر مطرح شده است:

۱. بازدارندگی خاص: هدف این راه‌کار، بازداشتن مجرمان از تکرار جرم و متنبه ساختن آنان است و آموزه حاکم بر آن، این است که مجازات، باید طوری باشد که فرد متنبه مرعوب گردد (همان، ص ۴۶۸). ایده اصلی بازدارندگی خاص این است که مجازات باید مؤثر باشد.^۶

۲. بازدارندگی عام: در این راه‌کار، از طریق رو به رو ساختن مرتکب یا مرتکبان احتمالی آن با خطر، دشواری و یا هرگونه عاملی که انگیزه آن عمل را از بین ببرد یا با آن مقابله کند، از انجام یا استمرار یک عمل جلوگیری می‌شود. در بازدارندگی عام، براساس همان رویکرد اقتصادی و حساب‌گرانه به کیفر، بر ارباب عموم از طریق تهدید به مجازات و این نکته تأکید می‌شود که مردم باید بدانند رنج کیفر، از سود و لذت جرم بیشتر است. بدین ترتیب، آماج این راه‌کار،

عموم اعضای جامعه و به ویژه افرادی‌اند که می‌توان آنها را مستعد جرم به حساب آورد. هدف هم آن است که با ترساندن افراد از پیامدهای رفتار مجرمانه، آنان را از اندیشیدن بدین رفتارها بازدارند. بر این اساس، با تکیه بر دو نوع تهدید بالقوه و بالفعل به مجازات و سه ویژگی قطعیت، حتمیت، و سرعت آن، تلاش می‌شود تا مجازات را به عنوان یکی از هزینه‌های واقعی ارتکاب جرم در معادلات ذهنی آحاد جامعه وارد کنند (سلیمی و داوری، ص ۴۶۷).

افزون بر موارد یاد شده، رویکرد گزینش عقلانی با توجه به قابلیت گزینش افراد، اثرگذاری علل و عوامل پیرامونی را هم در کانون توجه خود قرار می‌دهد. لذا در راه کارهای کنترلی خود، کاهش میزان اثرگذاری‌های منفی آن علل را یکی از اهداف خود قرار می‌دهد. بدین ترتیب، هدف عمده راه کارهای کنترلی خود را «کاهش فرصت» جرم می‌داند. این ایده به ویژه خود را در دو محور پیش‌گیری موقعیتی و توان‌گیری نشان داده است.

پیش‌گیری موقعیتی

پیش‌گیری موقعیتی از جرم، اولین بار در سال ۱۹۸۰ در انگلیس و در الگوی گزینش عقلانی توسط کلارک و می‌هیو بنا نهاده شد و متکی بر این نظریه است که مشکلات مجرمانه خاص، دارای خصیصه منحصر به فردی هستند که می‌توان آن را مورد تحلیل قرار داد و در رسیدن به راه‌حل‌های مناسب از آنها بهره گرفت. این راه کار با نظریه فعالیت‌های روزمره شباهت‌هایی دارد؛ از جمله این که کانون توجه آن این نکته است که وقایع مجرمانه، موقعی رخ می‌دهند که مجرمان بالقوه با فرصت ارتکاب جرم، پیوند می‌خورند. در پیش‌گیری موقعیتی از جرم، هدف اصلی آن است که افرادی که در موقعیت ارتکاب جرم نسبت به آماج‌هایی خاص قرار می‌گیرند، قانع شوند که از آن رفتار یا، دست‌کم، از آن آماج دست بردارند.

آموزه زیربنایی این راه کار هم آن است که پیش‌گیری از وقوع جرم هنگامی

ممکن می‌شود که کج‌رو، آماج عمل مجرمانه خود را غیرقابل دسترس دانسته، یا منافع احتمالی آن را کم‌تر از زیان‌هایش ببیند. اقدام‌های پیش‌گیرانه موقعیتی، برخورد‌هایی غیرکیفری، اغلب غیررسمی و دارای گستره‌ای فراگیرند که «موقعیت‌های پیش‌جنایی»، یعنی شرایطی را هدف قرار می‌دهند که زمینه را برای گذار از اندیشه به عمل مجرمانه فراهم می‌آورد و در پی آن، با تغییر در آن موقعیت‌ها فرایند تصمیم‌گیری مجرمانه را دست‌خوش تغییر و عقیم می‌سازند. بدین ترتیب، پیش‌گیری موقعیتی، توجهی به اصلاح شخصیت مجرم و تمایلات مجرمانه او ندارد و کانون توجه آن، موقعیت‌های ارتکاب جرم و آماج‌های بالقوه آن است (همان، ص ۴۶۴).

به طور خلاصه می‌توان گفت که پیش‌گیری موقعیتی جرم، دارای چهار مؤلفه زیر است:

۱. مبنایی نظری که از فعالیت‌های روزمره و تصمیم‌های عقلانی استفاده می‌کند؛
 ۲. روش‌شناسی استاندارد مبتنی بر پارادایم تحقیقی کنش؛
 ۳. مجموعه‌ای از فنون کاهش فرصت یا تقویت آماج؛
 ۴. بدنه‌ای از اعمال ارزیابی شده، از جمله مطالعات تغییر مکان جرم.^۷
- بر این اساس، گونه‌های مختلف اقدام‌های پیش‌گیرانه موقعیتی در سه محور زیر طراحی می‌شوند:

- تقویت آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی و محافظت از آنها؛
- محدود ساختن و کنترل دسترسی افراد به فرصت‌ها و ابزارهای ارتکاب جرم؛
- تحت نظر داشتن افرادی که در موقعیت ارتکاب این گونه رفتارها قرار دارند.

پیش‌گیری موقعیتی، یکی از راه‌کارهای مهم کنترل رفتارهای کج‌روانه است.

در بیانی کلی، بیان‌گر از بین بردن زمینه‌گذار مجرم از اندیشه به عمل است؛ و به مرحله‌ پس از تصمیم مجرم به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه مربوط می‌شود که به معنی از بین بردن فرصت ارتکاب جرم است. در این مرحله، که فرد تصمیم قاطع به ارتکاب جرم گرفته، راه‌حل‌هایی به کار گرفته می‌شود تا از عملی کردن تصمیم خود منصرف شود؛ باید وضعیتی ایجاد شود که تحقق عمل مجرمانه را دشوار و پرخطر یا ناممکن سازد.

در منابع اسلامی، پیش‌گیری موقعیتی به عنوان یک شیوه‌مقابله با بزه‌کاری به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در عبارت فقها، این نوع پیش‌گیری با تعبیر دفع المنکر بیان شده است که آن را از نهی از منکر تفکیک نموده و در بیان مفهوم آن نیز به اهداف پیش‌گیری موقعیتی در نظریات نوین مانند ناتوان نمودن مرتکب و کاستن از جاذبه‌های مجرمانه اشاره نموده‌اند (میرخلیلی، ۱۳۸۳، ص ۳۷).

در پیش‌گیری موقعیتی، گاه تمرکز بر شخص بزه‌کار بوده و گاه آماج‌های در معرض بزه‌دیدگی مد نظر بوده و با حمایت و حفاظت از آنها از تحقق عمل مجرمانه جلوگیری می‌شود و در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی اعم از مکان، زمان و...، مانع امکان تحقق جرم شده یا وقوع آن دشوارتر می‌گردد. بنابر این، مطالب پیش‌گیری موقعیتی را در تحت سه عنوان زیر، مورد بحث قرار می‌دهیم: راه‌کارهای بزه‌کار محور، راه‌کارهای بزه‌دیده محور و راه‌کارهای موقعیت محور.

راه‌کارهای بزه‌کار محور

بزه‌کار، به عنوان شخصی مختار و دارای قدرت تصمیم‌گیری که با وجود همه تدابیر پیش‌گیری اجتماعی می‌تواند تصمیم به ارتکاب جرم بگیرد، باید کنترل شود. در تعالیم و دستورات اسلامی علاوه بر تلاش در زمینه فرهنگ‌سازی و قرار دادن انسان‌ها در مسیر هدایت و رستگاری، راه‌کارهای غیر کیفری بازدارنده‌ای

در جهت بازداشتن فرد مصمم به ارتکاب بزه در نظر گرفته شده است.

نظارت فراگیر

در امور مربوط به مصالح اجتماعی، نظارت و کنترل بدون هیچ مسامحه‌ای مطلوب است. بازرسی نهانی و نظارت و کنترل دولتی در بسیاری از جرایم مانند ارتشا، اختلاس، باج‌خواهی، اعمال نفوذ ناروا، بازداشت غیرقانونی و مانند آن، مورد تأکید نظام کنترل اجتماعی اسلام است.^۱ از مهم‌ترین راه کارهای پیش‌گیری موقعیتی، قراردادن مأموران و اهرم‌های نظارتی در موضعی است که وقوع جرم در آن محتمل است. برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی در بازار مدینه در کنار طبقی از گندم ایستاد و چون دست در آن فرو بردند، به خاشاکی برخوردند. پس از تذکر به مالک گندم مبنی بر غش در معامله، او را از خیانت و تقلب با مسلمانان نهی کردند (حر عاملی، ج ۱۲، صص ۲۱۰-۲۰۹). همچنین نقل شده است که، پس از فتح مکه، رسول خدا صلی الله علیه و آله سعید بن عاص را در بازار به بازرسی در بازار مأمور به مراقبت کردند که از غش در معامله و کلاه‌برداری جلوگیری کند (الکفانی، ج ۱، ص ۲۸۵).

علی علیه السلام پس از آن که به فرماندار خود در مورد رعایت همه جوانب امر نسبت به کارکنان، اعم از رفاه و غیره سفارش می‌کند، می‌فرماید:

«پس اعمال آنان را مورد بررسی و جست و جو قرار ده و مأموران مخفی را که اهل راست‌گویی و وفاداری هستند به سوی آنان بفرست، زیرا مقید بودن تو به بازرسی و امور سری با ایشان، آنان را به رعایت امانت و نرمی با مردم وادار می‌سازد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۵).

همان‌طور که در این روایت دیده می‌شود، بازرسی و جست و جو در امور کارگزاران دولتی، که امور بیت‌المال مسلمین در دست آنهاست، یکی از مهم‌ترین موارد پیش‌گیری موقعیتی است که اگر کارگزاران به این بازرسی واقف باشند، دست از خیانت خواهند کشید.

شناساندن خطرات و تحریم مقدمات جرم

شناساندن خطرات و تحریم اعمالی که می‌توانند مقدمه ارتکاب جرم باشند، یکی از راه‌کارهایی است که در آموزه‌های اسلامی برای از بین بردن زمینه ارتکاب جرم و متوقف کردن مجرم در ابتدای انحراف، پیش‌بینی شده است. برای نمونه می‌توان به حرمت نگاه به نامحرم و خلوت کردن با او به عنوان مقدمه‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب فعل حرام باشد، در راستای پیش‌گیری موقعیتی از جرایم جنسی اشاره نمود.

خداوند در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (نور/۳۰)؛ به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است، به طور قطع خدا به کارهایی که انجام می‌دهند آگاه است.

می‌توان دید که در این آیه خداوند به کوتاه کردن دامنه دید دستور داده است، چرا که دامنه دید چشم انسان زیاد است و نگاه به زن نامحرم در مرحله اول، نگاه‌های بعدی را برمی‌انگیزد که سرچشمه فتنه و انحراف است. پس خداوند با تعبیر زیبایی به دنبال پیش‌گیری از انحراف با بستن سرچشمه و مقدمه فعل حرام است. بدین معنا که صرف نگاه به نامحرم در نظام کنترل اجتماعی اسلام به عنوان مقدمه جرم، مورد تحریم قرار می‌گیرد تا از وقوع ذی‌المقدمه مجرمانه پیش‌گیری شود:

«یغضوا»، از ماده «غض»، در اصل به معنی کم کردن و نقصان است و در بسیاری از موارد در کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می‌شود. بنابراین آیه نمی‌گوید مؤمنان باید چشم‌هایشان را فرو بندند، بلکه می‌گوید باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند، و این تعبیر لطیفی است به این منظور که اگر نگاه را از

صورت و اندام او برگیرد و چشم خود را پایین اندازد گویی از نگاه خویش کاسته است و صحنه‌های ممنوع را از منطقه دید خود به کلی حذف کرده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۳۷).

نظارت عمومی

ارتکاب جرم در جامعه توسط افراد، معمولاً در پی مناسب دیدن موقعیت ارتکاب جرم جامعه توسط مجرمان، صورت می‌گیرد، اما در صورتی که مکانیسم‌های کنترلی جامعه به صورت فراگیر و از سوی غالب اعضاء به اجرا در بیاید و مجرمان بالقوه، این تلقی را داشته باشند، موقعیت‌های کم‌تری را برای به اجرا درآوردن مقاصد کجروانه خود مناسب خواهند یافت. بدین شکل، در چنین فضایی، خطر وقوع جرم به شدت کاهش می‌یابد.

یکی از راه کارهایی که اسلام برای نظارت عمومی در جامعه معرفی کرده است، فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. تکالیف همگانی امر به معروف و نهی از منکر در زمینه پیش‌گیری از وقوع جرم و ابراز عکس‌العمل در برابر آن، یکایک شهروندان را در مقابل رفتار یکدیگر مسؤول و ناظر قرار داده است:

در مکتب فقهی گاهی از امر به معروف و نهی از منکر با عنوان دفاع همگانی یا دفاع اجتماعی در مقابل دفاع فردی یا دفاع مشروع یاد می‌شود (فیض کاشانی، بی‌تا، ص ۳۰۲).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از جمله در توضیح آثار پیش‌گیرانه این راه کار می‌فرماید: «حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند متعال افراد بد و نابکار شما را بر افراد شایسته و خوب مسلط می‌کند، آنگاه خوبان دعا می‌کنند ولی مستجاب نمی‌شود» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۱).

بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، از تسلط افراد فاجر و نابکار جلوگیری کرده و امکان اجرای معروف و اوامر الهی را فراهم می‌سازد.

به کارگیری کنترل‌های درونی موقعیتی

بر اساس مبانی رویکرد گزینش عقلانی، کنترل‌های درونی، از جمله اهرم‌های کارآمد پیش‌گیری از ارتکاب رفتارهای کج‌روانه در موقعیت‌اند، زیرا در این رویکرد، این محاسبه و سنجش فرد مستعد بزه است که در نهایت او را به جامعه عمل پوشاندن به مقصود یا چشم پوشیدن از آن رهنمون می‌شود و وجود اهرم‌های کنترلی درونی مخالف با کج‌روی - اعم از باورها و عواطف - یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند این محاسبه را به ضرر ارتکاب کج‌روی، تغییر دهد.

آموزه‌های اسلامی در تدوین نظام کنترل اجتماعی مورد نظر خود، عنایت شایان توجهی به این گونه راه‌کارها و تقویت کارکردهای روانی و اجتماعی آنها مبذول داشته‌اند. از جمله در آیات قرآن کریم، وجود ایمان در افراد، عامل بازدارنده مهمی به شمار می‌آید که می‌تواند در هر شرایطی انسان را از ارتکاب جرم بازدارد. یکی از آیاتی که بازگوکننده تأثیر ایمان و اعتقاد در بازدارندگی از انحراف است، آیه ۲۴ سوره یوسف است:

«و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد. چنین [کردیم] تا بدی و زشت کاری را از او بازگردانیم...».

مفسران در توضیح این آیه، یادآور شده‌اند که این احتمال، وجود داشت که یوسف علیه السلام «به مقتضای طبع بشری و این که جوانی نخواستہ بود و هنوز همسری نداشت و در برابر هیجان‌انگیزترین صحنه‌های جنسی قرار گرفته بود، چنین تصمیمی را می‌گرفت»، اما این در صورتی بود که «برهان پروردگار، یعنی روح ایمان و تقوی و تربیت نفس و بالآخره مقام «عصمت» حائل نمی‌شد». آنان همچنین تأکید می‌کنند که وجود عنصر کنترلی درونی، سبب شد که از یوسف علیه السلام، هیچ حرکتی که نشانه تصمیم بر گناه باشد، سر نزنند، بلکه در دل هم

چنین تصمیمی نگیرد (مکارم شیرازی، و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۹، صص ۳۷۰-۳۷۱)؛ و با این تعبیر به نقش کنترلی عمیق و مؤثر چنین عاملی توجه می‌دهند.

مفسران دیگر در توضیح موقعیتی که یوسف علیه السلام در آن قرار گرفته بود، عاملی که در این موقعیت، او را از نافرمانی خداوند بازداشت و تأثیر کنترلی این عامل به نکات زیر توجه می‌دهند. به گفته آنان، یوسف علیه السلام هیچ مانعی که جلوگیری نفسش شود و بر این همه عوامل قوی بچربد نداشته، مگر اصل توحید، یعنی ایمان به خدا و یا به تعبیری دیگر محبت الهی‌ای که وجود او را پر و قلب او را مشغول کرده بود، و در دلش جایی - حتی اندازه یک سر انگشت - برای غیر خدا خالی نگذاشته بود.

آنان همچنین در توضیح فراز ﴿كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ...﴾ می‌گویند که در این فراز، خداوند یادآور شده است که «یوسف علیه السلام از آنجایی که از بندگان مخلص ما بود، ما بدی و فحشا را به وسیله آنچه که از برهان پروردگارش دید از او بگرداندیم». و نتیجه می‌گیرند که «سببی که خدا به وسیله آن، سوء و فحشا را از یوسف علیه السلام گردانید، تنها دیدن برهان پروردگارش بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، صص ۱۷۱-۱۷۲).

بدین شکل، می‌توان مضمون‌های روایی فراوانی مانند حدیث زیر را در راستای تقویت کارکردهای این راه کار کنترلی و فرهنگ‌سازی در جهت تعمیم عملکرد آن در سطح جامعه، ارزیابی کرد. در این حدیث، امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود یادآور می‌شوند که:

﴿خَفِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ﴾؛ از خدا چنان بترس که گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۸).

راهکارهای بزه‌دیده محور

آموزش بزه‌دیدگان

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، عدم آگاهی است. بزه‌دیده کسی است که شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره او ممکن است او را در برابر جرم آسیب‌پذیر سازد (سلیمی و داوری، ص ۲۴۵). آموزش و ایجاد آگاهی در جامعه، ضمن این‌که از راه‌کارهای پیش‌گیری موقعیتی نسبت به بزه‌دیدگان می‌باشد، می‌تواند به حل ریشه‌ای معضل بزه‌کاری نیز کمک نماید. مکتب اسلام در بسیاری از موارد بر ارزش و تقدس دانش و آگاهی افراد جامعه و ضرورت آن تأکید نموده است که به نمونه‌ای مانند ضرورت حجاب می‌توان اشاره نمود که هدف از آن علاوه بر ضرورت‌های دیگر، جلوگیری از بزه‌دیدگی زنان می‌باشد. در قرآن کریم با اشاره به این موضوع، ضرورت آگاهی دادن را به پیامبر ﷺ تذکر می‌دهد:

﴿بَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾ (احزاب/۵۹)؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرم قرار نگیرد]. این [پوشش] به این‌که [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک‌تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت.

طبق این آیه، راه پیش‌گیری و کنترل جرم در مورد انحرافات جنسی پوشش مناسب اسلامی و به عبارت دیگر عرضه نکردن خود در مقابل دیگران است، که زمینه انحراف جنسی را فراهم می‌کند.

زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند، مثل بعضی از زنان بی‌بندوبار که در عین داشتن حجاب، آن‌چنان بی‌پروا و لابالی هستند که اغلب قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان است و همین توجه افراد هرزه را به

آنها جلب می کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۲۸).
 به گفته مفسران، این آیه فلسفه حجاب را تبیین می کند که، برای آن که زنان مؤمن مورد آزار افراد هرزه قرار نگیرند، به گونه ای خود را بپوشانند که زمینه ای برای بی حرمتی آنان فراهم نشود. به عبارتی، اگر زنان و دختران بخواهند از متلک ها، تهمت ها، تهاجم ها و تهدیدهای افراد آلوده و هرزه در امان باشند، باید خود را بپوشانند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۳۹۹).

در آیه ۳۲ سوره احزاب، خداوند به یکی از راه کارهای پیش گیری از جرم در مورد بزه دیدگان اشاره می کند:

﴿...إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾؛ اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد.
 این آیه فرهنگ سازی رفتارهای پرهیزکارانه را در راستای آموزش بزه دیدگان می داند؛ خداوند با اشاره به کیفیت سخن گفتن زنان، آنها را از خود نمایی نهی می کند که در موقع سخن گفتن، با ناز و کرشمه سخن مگویید تا بیمار دلان در شما طمع نکنند. به اعتقاد مفسران، در این آیه از خضوع در کلام نهی شده است. به این معنی که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه، و خیال های شیطانی نموده، شهوتش را بر انگیزانند، و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بيفتد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۱). بنابراین، علت انگیزش شهوت و میل به انحراف بیمار دلان، طرز سخن گفتن زنان دانسته شده که با جلوگیری از عشوه گری در موقعیت ملاقات زن و مرد، به عنوان پیش گیری موقعیتی می توان از این نوع انحرافات جلوگیری کرد.

در آیه ۳۳ همین سوره، به یکی دیگر از راه کارهای پیش گیری موقعیتی اشاره می فرماید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب/۳۳)؛ و در

خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید.

به گفته مفسرین، نهی از تبرج به معنی این است که تظاهر و قصد تجلی و جلب نفوس مردم را نکنند؛ تظاهر و استعلا‌ی زنان به معنی تزئین در مقابل اجنبی است، که اعم از تزئین قولی، عملی، سلوکی، رفتاری و از این قبیل است. به عبارت دیگر، همه حرکات و سکناتی که از زنان صادر می‌شود و موجب جلب نظر اجنبی شده و موجب نفوذ مهر و علاقه آن زن در نظر اجنبی می‌شود که مقتضی تظاهر و استعلا‌ی مرد در قبال او است، همان تظاهر و تبرجی است که مورد نهی قرآن کریم است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۴). بنابراین، نهی از تبرج و خودنمایی زنان در جامعه به منظور این است که نفوس اجنبی را به خود جلب نکند، که زمینه‌ای است برای انحرافات جنسی.

شناساندن مجرمان و شیوه‌های عملکرد آنان

در برخی موارد، جرم علیه منافع عمومی بوده و عدالت قضایی را به مخاطره می‌اندازد. به عنوان مثال، عده‌ای از بزه‌کاران حرفه‌ای در اطراف دادگاه‌ها حضور یافته و با دریافت وجه، به نفع افرادی اقدام به شهادت دروغ می‌کنند. در نظام کنترل اجتماعی اسلام، راه‌کاری تحت عنوان «تشهیر» وجود دارد، که به منظور شناساندن مجرمان خطرآفرین به افراد و اجتماعات در معرض خطر و زمینه‌سازی تحقق نیافتن جرم‌های مورد نظر آنان، اعمال می‌شود.

در کتب فقهی، روایات متعددی راجع به موضوع پیش‌گیری موقعیتی از طریق معرفی کردن و علنی کردن مجرمان بیان شده و ابواب مختلفی، به عنوان «تشهیر المحتال لیحذر منه الناس» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۳۳)؛ معرفی کلاه‌بردار تا مردم از او پرهیز کنند، «تشهیر شاهد الزور فی بلده و ماحولها» (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۳۲)؛ معرفی کسانی که شهادت دروغ می‌دهند

در شهر خودشان و شهرهای اطراف. و امثال آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به دو نمونه از این روایت اشاره می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«شهود الزور یجلدون حدا و لیس له وقت، ذلک الی الامام و یطاف بهم حتی یعرفوا و لایعودوا» (نجفی، ج ۲۷، ص ۳۳۳؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۸، ص ۴۳۲)؛ بر شهود کذب حد جاری می‌شود که میزان معینی ندارد و به عهده امام است و در ملأ عام عبور داده می‌شوند تا شناخته شده مجدد ادای شهادت نمایند. در باب تشهیر المحتال آمده است:

و کلاه‌بردار در مورد اموال مردم با مکر و حيله و... عقوبت بر او واجب می‌شود و تعزیر و تأدیب و غرامت هر چه ضرر زده گرفته می‌شود، و بر حاکم رواست که او را در بین مردم معرفی کند تا دیگران از انجام چنین کاری در آینده بازداشته شوند (حلی، ج ۳، ص ۵۱۲).

این روش برخورد با مجرم به منظور پیش‌گیری از تکرار موارد مشابه از سوی دیگران و پیش‌گیری از بازگشت او به جرم‌های قبلی و موارد مشابه صورت می‌گیرد. به این صورت که با معرفی این افراد به مردم، حیثیت اجتماعی آنها از بین رفته و جایگاه خود را از دست می‌دهند و مردم نیز آنها را شناخته و اعتماد نمی‌کنند.

افرادی که جامعه امکانات، فرصت‌ها، اختیارات و امتیازات فراوانی در اختیارشان قرار می‌دهد، باید کنترل و نظارت بیشتری بر اعمال او نموده و در صورت سوء استفاده از فرصت، ضمن برخورد شدید و مجازات او، آن اختیارات و امتیازات را از وی سلب نماید. علاوه بر این باید این افراد در جامعه نشان‌دار باشند تا هم مایه عبرت دیگران باشند و هم مجازاتی برای این افراد. علی علیه السلام در منشور حکومتی خود پس از بیان ضرورت اقدامات پیش‌گیرانه اجتماعی و نظارتی، می‌فرماید:

«اگر یکی از کارگزاران حکومتی دست به خیانت دراز کرد و خبرهای شاهدان معتمد آن را تأیید کردند به این اکتفا کن و پس از آن که او را مجازات بدنی کردی و آنچه از عملش به دست آورده از او گرفتی، او را به موقعیت خواری و ذلت بنشان و نشان خیانت به او بده و قلاده ننگ اتهام به گردنش بیاویز....» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۶).

کاهش آسیب‌پذیری آماج‌ها

آسیب‌پذیر بودن آماج‌های جرم، یکی از عواملی است که با کم نمایاندن خطر و هزینه ارتکاب جرم، سبب ایجاد انگیزه و تحریک مجرمان بالقوه به ارتکاب بزه می‌شود. در نظام کنترل اجتماعی اسلام، تدابیر فراوانی در راستای از بین بردن یا کاهش آسیب‌پذیری آماج‌های بالقوه جرم، پیش‌بینی شده است. برای مثال افراد، مکلف به حفظ اموال خود هستند؛ به نحوی که اگر فردی اموال خود را در حرز مناسب قرار ندهد و به سرقت رود، به دلیل این کوتاهی حمایت کیفری از او کاهش یافته و با وجود تمامی شرایط سرقت، مستوجب حد به سرقت تعزیری تنزل پیدا می‌کند (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷).

از جمله قرآن کریم در آیه ۵ سوره نساء در این مورد می‌فرماید:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ﴾؛ و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام

[زندگی] شما قرار داده - به سفیهان مدهید.

امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را در بیان یک راه کار پیش‌گیری موقعیتی تفسیر فرموده‌اند. زمانی که اسماعیل فرزند ایشان تصمیم داشت اموال خود را جهت تجارت به مردی از قریش بسپارد، امام علیه السلام او را از این کار منع کردند و فرمودند چون این فرد شارب‌الخمیر است، نباید به او اعتماد کنی، اما اسماعیل توجهی نکرد و اموال خود را به آن مرد سپرد. پس از آن که اموال وی توسط آن شخص از بین رفت، امام علیه السلام فرمود:

«لَا تَأْتَمِنُ شَارِبَ الْخَمْرِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ فَأَيُّ سَفِيهٍ أَسْفَهُ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۹۹).

در جایی دیگر، حضرت می‌فرماید:

«مَنْ أَيْتَمَنَ شَارِبَ الْخَمْرِ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ضَمَانٌ» (شیخ صدوق، ج ۴، ص ۵۸)؛ کسی که به شراب‌خوار اعتماد می‌کند هیچ ضمانت اجرا و پشتوانه‌ای از طرف خداوند برای او وجود ندارد.

با توجه به این دو روایت، سپردن اموال به شارب‌الخمر در واقع قرار دادن آن در موضع تلف است، که به شدت از آن نهی شده است. اگر کسی از اموال خود محافظت نکند، مقصر است و حمایت قضایی از چنین فردی نیز کاهش می‌یابد، چرا که طبق منابع دینی انسان موظف به حفظ اموال خود است. کما این که روایت زیر به آن اشاره دارد. در این روایت، معصوم علیه السلام می‌فرماید:

«أَسْتَرِ ذَهَبِكُ وَ ذَهَابِكُ وَ مَذْهَبِكُ»؛ مال ارزش‌مند، آمد و رفت و مذهب و اعتقادات خود را با مستور داشتن حفظ کن (باقری بیدهندی، ۱۳۶۳، ص ۵۱، فیض کاشانی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۳۰).

پس ستر و محافظت از اموال در اسلام اهمیت داشته و به آن به عنوان راه‌کار پیش‌گیری امر شده است.

راه‌کارهای موقعیت محور

کنترل مکان‌های مناسب برای ارتکاب کج‌روی

در نظام کنترل اجتماعی اسلام، مکان به عنوان یکی از عوامل خاص مؤثر بر ارتکاب جرم مورد توجه قرار گرفته و تأکید بر تغییر شرایط آن یا بر حذر داشتن افراد از حضور در برخی مکان‌ها، از جمله تدابیر پیش‌گیری موقعیتی از جرم محسوب می‌شوند. امام علی علیه السلام مکان‌های گردهم نشینی و وقت‌گذرانی در بازار را به عنوان یکی از عوامل ارتکاب جرم به شمار آورده، می‌فرماید:

«... إِيَّاكَ وَمَقَاعِدَ لِأَسْوَاقٍ، فَإِنَّهَا مَحَاضِرُ الشَّيْطَانِ، وَمَعَارِضُ الْفِتَنِ»
(نهج البلاغه، نامه ٥٣، ص ٤٦٠)؛ ... از مکان‌های گردهم‌نشینی در بازار پرهیز، که
آنها محل حضور شیاطین است، و جای همه گونه فتنه‌ها.

بر حذر داشتن افراد از این گونه مکان‌ها به جهت زمینه‌سازی برای ظهور
کج‌روی می‌باشد. بنابراین، باید با آن مقابله کرد تا شرایط ارتکاب جرم و استفاده
افراد از این فرصت‌ها از بین برود. لذا در سیره امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌بینیم وقتی ایشان
مشاهده کردند در بازار، جمعی محلی را برای خود درست کرده و برای دیگران
ایجاد مزاحمت می‌کنند، دستور دادند آن جایگاه را خراب کنند (متقی هندی،
١٤٠١ق، ج ٥، ص ٤٨٨).

جریان معروف مسجد ضرار یکی دیگر از این نمونه‌هاست. در این ماجرا،
عده‌ای از منافقان در صدد ساختن مسجدی برآمدند تا آن محل را محل تبانی و
توطئه و وسیله معارضه با اسلام و اهداف پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار دهند، ولی پیامبر دستور
داد مسجد را آتش بزنند و ویران کنند و محل آن را زباله‌دان کنند (طبرسی،
١٣٩٥ق، ج ٥، ص ١١٠؛ عروسی حویزی، ١٤١٥ق، ج ٢، ص ٢٦٩؛ بابایی، ج ٢،
ص ٢٥):

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ
حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ
لَكَاذِبُونَ﴾ (توبه/١٠٧)؛ و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و
پراکندگی میان مؤمنان است، و [نیز] کمین‌گاهی است برای کسی که قبلاً با خدا
و پیامبر او به جنگ برخاسته بود، و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی
قصدی نداشتیم. و [لی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغ گو هستند.

مکانی که ظاهر آن محل عبادت و از نمادهای مهم اسلامی است، ولی باطن و
هدف اصلی آن تفرقه و فتنه در اجتماع مسلمین است و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به منظور
پیش‌گیری از وقوع توطئه و فتنه در اجتماع مسلمین، دستور به انهدام مکان وقوع

کج روی دادند.

در آیه ۹۷ سوره نساء هم خداوند یکی از راه کارهای پیش گیری از وقوع انحراف را تغییر مکان و محل زندگی معرفی می کند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا﴾؛ قطعاً کسانی که [با ترک هجرت از دیار کفر، و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] بر خویش ستم کردند [هنگامی که] فرشتگان آنان را قبض روح می کنند، به آنان می گویند: [از نظر دین داری و زندگی] در چه حالی بودید؟ می گویند: ما در زمین، مستضعف بودیم. فرشتگان می گویند: آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود تا در آن [از محیط شرک به دیار ایمان] مهاجرت کنید.

براساس این آیه شریفه، علت مؤاخذه این افراد ظلمی است که در حق خود به سبب سکونت در سرزمین کفر و انحراف داشته اند. به گفته مفسرین، هرگاه انسان در سرزمینی است که به دلیل برخی از موانع نمی تواند در آنجا به انجام امور دین خود پردازد و می داند که در شهر و دیار دیگری حق خدا را بیشتر پیا می دارد، مهاجرت کردن بر او لازم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۷۷).

بنابراین، تغییر محل زندگی و مهاجرت کردن از محلی که انسان نمی تواند در آن وظایف دینی خود را انجام بدهد، از راه کارهای پیش گیری از وقوع انحراف بوده و براساس این آیه، علت توبیخ و سرزنش این افراد این است که با عذرهای واهی و مصلحت اندیشی های شخصی شانه از زیر بار هجرت خالی کردند و زندگی در محیط آلوده و خفقان بار را بر آن ترجیح دادند.

از بین بردن آلات و اسباب جرم

توجه فراوان فقه اسلامی به موضوع پیش گیری از توزیع و نشر آلات مجرمانه و از بین بردن زمینه های ارتکاب جرم، به دلیل توجه به ضرورت مبارزه با علت به

جای مبارزه با معلول است. در جامعه‌ای که ابزار و اسباب جرم به راحتی در اختیار مجرم قرار می‌گیرد، ارتکاب جرم نیز با آسانی بیشتری ممکن می‌شود. برخی فرصت‌ها، موقعیت‌ها و مشاغل کاذب در جامعه وجود دارد که زمینه را برای ارتکاب جرم و بزه‌کاری فراهم می‌سازد. در سیاست پیش‌گیری موقعیتی از جرم، از بین بردن این فرصت‌ها و موقعیت‌ها از اولویت برخوردار است. به عنوان مثال در نظام کنترل اجتماعی اسلام، یکی از راه‌کارهای پیش‌گیری موقعیتی از جرم، تحریم مشاغلی است که به واسطه آن جرم صورت می‌گیرد که، در واقع، به منظور پیش‌گیری یا دشوار یا ناممکن نمودن تحقق عمل مجرمانه است. امام علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«انما حرمَّ الله الصناعات التي يَجِيءُ منها الفسادُ محضاً...» (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱)؛ خداوند هرگونه شغلی که هیچ‌گونه منفعت حلالی نداشته و دارای فساد محض باشد را حرام کرده است.

در کتب فقهی برای استدلال بر حرمت حفظ و خرید و فروش کتب موجب گمراهی و انحراف به این سخن امام علیه السلام استناد شده و فقهای اسلامی در کتب خود به مباحثی تحت عنوان مکاسب محرمة به این موضوعات پرداخته‌اند. در تبیین تجارت‌های حرام، مشاغلی همچون بت‌سازی و بت‌فروشی، مشروبات مست‌کننده، ساخت یا خرید و فروش آنها را جزء این دسته دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۲).

توان‌گیری و طرد

هرگاه با وجود استفاده از همه بازدارنده‌های پیشین، همچنان ارتکاب جرم برای برخی افراد جالب توجه بود، این رویکرد تنها راه کنترل رفتار آنان را توان‌گیری یا بیرون نگاه داشتن آنان از جامعه (طرد) می‌داند که معمولاً به معنای ایجاد موانع مادی موقت یا دائم بر سر راه مجرم در مسیر ارتکاب جرم است و موارد

گونگونی از جمله اعدام، تبعید (یا محدود کردن آزادی جغرافیایی)، حبس (ابد یا موقت) در زندان یا بیمارستان‌های روانی و حبس خانگی (همراه با نظارت الکترونیکی پلیس) را در بر می‌گیرد (سلیمی و داوری، ص ۴۶۹).

مجازات کج‌رو، یکی از راه‌کارهای کنترل رفتارهای کج‌روانه و حتمیت مجازات - به جای شدت - یک عنصر مهم این راه‌کار است. براساس این مقوله، ترساندن افراد از پیامدهای رفتار مجرمانه، آنان را از اندیشیدن بدین رفتارها باز می‌دارد. بر این اساس، با تکیه بر سه ویژگی قطعیت، حتمیت و سرعت آن، تلاش می‌شود تا مجازات را به عنوان یکی از هزینه‌های واقعی ارتکاب جرم در معادلات ذهنی آحاد جامعه وارد کنند. با توجه به منابع دینی، سیاست کیفری به عنوان یک اهرم پایانی و ضمانت اجرای قواعد حقوقی به کار برده می‌شود، چنان که در روایت نبوی آمده است که:

«ادروا الحدود عن المسلمین ما استطعتم فان الامام لان یخطی فی العفو خیر من ان یخطی فی العقوبة» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵)؛ به اندازه توانایی کیفرها را از مسلمانان بازدارید، زیرا اگر پیشوایی به اشتباه ببخشد، بهتر از آن است که به طور سهو کیفر دهد.

علی علیه السلام هنگام تشخیص ضرورت برخورد با مجرمان، فرمود:

«فاذا لم اجد بداء فآخر الدواء، الکی» (نهج البلاغه، ۱۹۸۰م، ص ۲۴۳)؛ وقتی برای دردی درمان نباشد، آخرین درمان داغ نهادن است.

بنابراین، در صورتی که افرادی بعد از انداز و تبشیرهای الهی، همچنان جرم و کج‌روی را پرجاذبه بیابند، مجازات متناسب با جرم شامل حال آنها خواهد بود. مجازات‌هایی که در اسلام با نام حد و تعزیر از آنها یاد می‌شود، گویای این مهم هستند؛ مجازات‌هایی که در نظام‌های کیفری و قوانین جزایی پیش‌بینی می‌شود و فقیهان اسلامی با اعتماد به منابع فقه، آن را استنباط می‌کنند و حاکمان جوامع اسلامی مکلف به اجرای آن هستند؛ مجازات‌هایی از نوع قصاص در قتل عمد،

قطع دست سارق، زدن تازیانه و مانند آن، که ما در این مقوله به برخی از این موارد در حد وسع این تحقیق اشاره می‌کنیم.

سوره مائده از جمله سوره‌های قرآن کریم است که به بیان شماری از احکام عملی پرداخته و مجازات برخی از انحرافات را بیان کرده است. به دو نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

﴿ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ﴾ (مائده/۳۳)؛

کیفر آنان که با خدا و پیامبرش می‌جنگند، و در زمین به فساد و تباهی می‌کوشند، فقط این است که کشته شوند، یا به دارشان آویزند، یا دست راست و پای چپشان بریده شود، یا از وطن خود تبعیدشان کنند.

این آیه از جمله آیاتی از قرآن است که به موضوع مجازات مجرم پرداخته است. در این آیه خداوند حکم کلی عده‌ای از مجرمین را به صورت تخییری یا ترتیبی^۱ بیان فرموده است. استفاده‌ای که از این نوع آیات می‌توان کرد این است که مجازات مجرم، که همان وارد آوردن صدمه به مجرم است تا هزینه‌ای برای جرم صورت گرفته در جامعه باشد، در اسلام مورد تأیید منابع دینی می‌باشد تا از سویی تاوان آن چیزی باشد که انجام داده‌اند و از سوی دیگر، عبرتی باشد برای دیگرانی که بعد از آن بخواهند مرتکب چنین انحرافات می‌شوند.

این آیه شرح حال عده‌ای از قبیله بنی‌ضبه است که به حضور رسول خدا ﷺ رسیدند. آن حضرت به ایشان دستور داد چند روزی نزد آن جناب بمانند تا بیماری‌شان بر طرف شده و بهبود یابند، آنگاه ایشان را به جنگ خواهد فرستاد. این عده همین که نیرومند شدند، سه نفر از چوپان‌های رسول خدا ﷺ را به قتل رساندند. رسول خدا ﷺ علی‌السلام را برای دستگیری و سرکوبی آنان روانه کرد، امام علی‌السلام آنان را در وادی‌ای، اسیر کرده به نزد رسول خدا ﷺ آورد، و آیه شریفه در این مورد نازل شد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۴۱ به نقل از فروغ کافی،

ج ۷، ص ۲۴۵).

تفصیل مفاد آیه در موضوع حد قاطع طریق مستفاد از اخبار چنین است:
اگر محارب با خدا و رسول و ساعی فساد در روی زمین قتل نفس نمود
کشته می شود. و اگر علاوه بر قتل نفس، سرقت هم نمود پس از استرداد مال
سرقت شده به دار آویخته می شود. و اگر قتل نفس اتفاق نیفتاد، بلکه فقط مال
سرقت کرد، دست و پای او به صورت مخالف هم بریده می شود؛ دست راست
از اصول اصابع و پای چپ از وسط قدم. و در مرحله سوم، حبس می کنند و در
مرتبه چهارم به قتل می رسانند. ولی اگر شمشیر کشیده محاربه با خدا و رسول و
سعی فساد در زمین نمود، بدون قتل نفس و اخذ مال (سرقت)، به مدت یک سال
نفی بلد می کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۴۶؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲،
ص ۶۷۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، صص ۵۳۵-۵۳۴).

در آیه ۳۸ همین سوره، حکم مجازاتی سارق و سارقه بیان شده است:
﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ﴾؛ و دست مرد و زن دزد را به کیفر کار زشتی که مرتکب شده اند، به
عنوان مجازاتی از سوی خدا، قطع کنید و خدا توانای شکست ناپذیر است.
این آیه شریفه، به بیان حد شرعی شخص سارق پرداخته و حدود شرعی آن
را مشخص می کند و در ادامه می فرماید، اجرای این حد در مورد این افراد
مجازات است الهی، به خاطر آن عمل انحرافی که انجام داده است تا مایه عبرت
دیگران باشد؛ چرا که به اعتقاد برخی مفسران، هنگامی که دست خیانت کاری به
دارایی دیگری دراز می شود، این دست به سوی امنیت کشور دراز شده و افراد
اجتماع را که در طلب حصول آن مال سعی و تلاش کرده اند، دل سرد و
مضطرب خواهد ساخت. از این رو در اسلام کیفر دزد سخت است (تفسیر
هدایت، ج ۲، ص ۳۲). به تصریح برخی از آنان:

در حقیقت در این جمله اشاره به آن است که اولاً این کیفر نتیجه کار

خودشان است و چیزی است که برای خود خریده‌اند و ثانیاً هدف از آن پیش‌گیری و بازگشت به حق و عدالت است، زیرا «نکال» به معنی مجازاتی است که به منظور پیش‌گیری و ترک گناه انجام می‌شود. این کلمه در اصل به معنی لجام و افسار است و سپس به هر کاری که جلوگیری از انحراف کند گفته شده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۷۴).

روایات زیادی هم در مقام تبیین مجازات مجرم وارد شده که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم. در اولین روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تعافوا الحدود فیما بینکم فما بلغنی من حدّ فقد وجب» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۸۵)؛ در میان خودتان از گناهانی که موجب مجازات است در گذرید، زیرا وقتی گناهی به اطلاع من رسید مجازات آن واجب است.

براساس این روایت، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به این مطلب اشاره می‌فرمایند که مجازات مجرم یکی از وظایف حتمی حاکم اسلامی است و با وجود این که در جامعه اسلامی اصل بر رأفت و گذشت است و مردم بهتر است در جامعه از گناهانی که موجب حد و مجازات است بخشش داشته باشند، لکن اگر وقوع جرم نزد حاکم اسلامی محرز بود، وظیفه ایشان اجرای حدود و مجازات است. علی علیه السلام می‌فرماید:

«من لم یصلحه حسن المداراة یصلحه حسن المكافاة» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۹۳ به نقل از غررالحکم، ص ۶۳۰)؛ کسی که ملائمت و حسن سلوک او را اصلاح نکند، مجازات بجا و خوب، اصلاحش خواهد کرد.

در این روایت، علی علیه السلام به این نکته مهم اشاره می‌فرمایند که در صورتی که افرادی بعد از به‌کارگیری روش‌های ارشادی و حسن سلوک، همچنان به انحراف روی می‌آورند، از طریق مجازات باید با آنها برخورد کرد تا دست از رویه خود بردارند.

آخرین مقوله کتربلی برگزیده نیز بدین شرح بیان شد که طرد مجرم از

جامعه، آخرین راه حل، اما از راه کارهای مهم کنترل رفتارهای کج روانه است. بررسی آموزه های اسلامی نشان از آن دارد که بعد از به کارگیری سایر مجازات ها در راستای کنترل افراد مجرم، در صورت جذابیت داشتن جرم برای برخی افراد، یکی از راه های مؤثر کنترل رفتار آنان طرد یا بیرون نگاه داشتن آنان از جامعه است، که معمولاً به معنای ایجاد موانع مادی موقت یا دائم بر سر راه مجرم در مسیر ارتکاب جرم است. این راه کار کنترلی در نظام کنترل اجتماعی اسلام هم وجود دارد. با رجوع به منابع اسلامی، آیات و روایاتی را می توان پیدا کرد که چنین مجازاتی را برای برخی جرائم مقرر کرده اند. به چند نمونه از این آیات و روایت اشاره می کنیم:

یکی از بارزترین آیاتی که مجازات طرد از جامعه را به زیبایی به تصویر می کشد، آیه ۱۱۸ سوره توبه است که می فرماید:

﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾؛ و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند، [و قبول توبه آنان به تعویق افتاد] تا آنجا که زمین با همه فراخی اش بر آنان تنگ گردید، و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست. پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد، تا توبه کنند. بی تردید خدا همان توبه پذیر مهربان است.

در این آیه شریفه، به طرد روانی و عاطفی افرادی اشاره می شود که با اهداف جمع ناهمنوا بوده اند. به گفته مفسرین، از مسائل مهمی که از آیه فوق استفاده می شود، مسأله مجازات مجرمان و فاسدان از طریق محاصره اجتماعی و قطع رابطه ها و پیوندهاست. به گفته برخی مفسرین، این قطع رابطه در مورد سه نفر از متخلفان تبوک به قدری آنها را تحت فشار قرار داد که از هر زندانی برای آنها سخت تر بود، چنان که جان آنها از فشار این محاصره اجتماعی به لب رسیده، و از همه جا قطع امید کردند. این موضوع چنان انعکاس وسیعی در جامعه مسلمانان

آن روز از خود به جای گذاشت که بعد از آن کم‌تر کسی جرأت می‌کرد مرتکب چنین گناهانی شود. در واقع، نوعی اعتصاب و مبارزه منفی جامعه در برابر افراد فاسد است، اگر مسلمانان در برابر متخلفان از وظایف حساس اجتماعی دست به چنین مبارزه‌ای بزنند، به طور قطع در هر عصر و زمانی پیروزی با آنها خواهد بود، و به راحتی می‌توانند جامعه خود را پاک‌سازی کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۷۵).

این آیه شریفه بیان‌گر مجازاتی است که افراد متخلف را طوری از جامعه طرد می‌کند که وقتی کارشان به سختی کشید و دیدند که احدی از مردم با ایشان حرف نمی‌زنند، و حتی زن و فرزندشان هم با ایشان حرف نمی‌زنند، و خلاصه یک نفر انسان که با آنها انس بگیرد وجود ندارد، و همه مأمور به خودداری از سلام و کلام هستند، و به عبارت دیگر، همه افراد جامعه آنها را طرد می‌کنند، افراد را مجبور می‌سازد تا دست از رویه انحرافی خود برداشته و به هم‌نوایی با جامعه و ارزش‌های آن ترغیب شوند.

آیه ۳۳ سوره مائده هم به موضوع طرد و تبعید افراد منحرف پرداخته است: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ﴾؛ کیفر آنان که با خدا و پیامبرش می‌جنگند، و در زمین به فساد و تباهی می‌کوشند، فقط این است که کشته شوند، یا به دارشان آویزند، یا دست راست و پای چپشان بریده شود، یا از وطن خود تبعیدشان کنند. این برای آنان رسوایی و خواری در دنیا است، و برای آنان در آخرت عذابی بزرگ است.

با توجه به این آیه شریفه، یکی از مجازات‌هایی که برای شخص محارب در نظر گرفته شده است، نفی بلد یا تبعید است. همچنین مستفاد از برخی روایات در تفسیر آیه شریفه چنین است که اگر شمشیر کشیده محاربه با خدا و رسول و سعی فساد در زمین نمود، بدون این که قتل نفس کرده و مالی را سرقت کرده

باشد، مدت یک سال نفی بلد می کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۴۶؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۷۸).

مراد از نفی در آیه مورد بحث، نفی بلد و تبعید است که یکی از مجازات‌های محارب و سارق مسلح است؛ چنان که گفته می شود: «نفاه من بلده یعنی آنچه منه و سیّره الی غیره» (داورپناه، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۲۹).

در آیه اولی تبعید از محل زندگی و نفی بلد در کار نبوده است، بلکه آن افراد با وجود این که در جامعه زندگی می کردند، طرد عاطفی شده بودند، که تأثیر عمیقی در بازگشت از رویه انحرافی آنها داشت، ولی در آیه دوم به یکی از برخوردهای قانونی و کیفری اسلام اشاره می شود که هم طرد و تبعید مکانی افراد خاطی مد نظر است، هم طرد عاطفی و قطع پیوندها. برخی از روایات به بیان چگونگی و حد و اندازه تبعید پرداخته اند که از احکام عملی اسلام به شمار می رود.

از شهری که در آن دست به چنین کارهایی زده به شهری دیگر تبعید می شود، و به اهل آن شهر می نویسند که این شخص به جرم فسادانگیزی از فلان شهر تبعید شده، با او همشینی و معامله نکنید، به او زن ندهید و با او هم سفره نشده، در نوشیدنی‌ها با او شرکت نکنید. این کار را به مدت یک سال با او می کنند، اگر در بین سال خودش از آن شهر به شهری دیگر رفت، باز به اهل آن شهر همین سفارش‌ها را می نویسند تا یک سالش تمام شود، و... (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، صص ۲۴۶-۲۴۷).

روایات زیادی هم دال بر اجرای این حکم اسلامی در مورد برخی جرائم وارد شده است. از جمله این که امام صادق علیه السلام فرمود:

پسر یا دختر اگر زنا کنند صد تازیانه خورده و تا یک سال نفی بلد می شوند، و تبعید از شهری به شهر دیگر است، و امیرالمؤمنین علیه السلام دو تن را از کوفه به بصره تبعید کرد (شیخ صدوق، ج ۵، ص ۳۴۳).

پیامبر ﷺ حکم بن ابی العاص را به خاطر آن که به مسخره، راه رفتن و بعضی حرکات رسول خدا ﷺ را تقلید می کرد، همراه با سب و نفرین به طائف تبعید فرمود (راوندی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳).

نتیجه گیری

تحلیل نظریه های گزینش عقلانی با توجه به نقطه عطفی که این نظریه ها در نظریات کلاسیک به وجود آورده اند، نشان گر این است که محاسبات انسان در جامعه براساس تحلیلی از فایده مندی کنش است که اگر نفع حاصل از جرم بیشتر از هزینه ارتکاب آن باشد، ارتکاب جرم عقلانی خواهد بود. راه کارهای کنترلی این نظریه ها، با توجه به این ویژگی کنش، مجازات را به عنوان راه کار بسیار تعیین کننده معرفی کرده و معتقد به حتمیت مجازات در مقابل شدت آن هستند. اما آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام راه کارهای کنترلی بسیار وسیع تری نسبت به محورهای نظریه های گزینش عقلانی را شامل می شوند و در این مبحث طیف وسیعی از راه کارها را معرفی می کنند و این قابلیت را دارند که راه کارهایی به مراتب بسیار کارآمدتر نسبت به راه کارهای نظریه های گزینش عقلانی در جهت کنترل جرم و کج روی ارائه کنند؛ اگر چه، ما در این تحقیق به جهت ضیق و محدودیت، به صورتی بسیار مختصر به راه کارهای کنترلی اشاره کرده ایم. شایان ذکر است با توجه به منابع اسلامی و پیش فرض های آن، عقلانیت ابزاری و هدف - وسیله ای در کنترل و پیش گیری از جرم کفایت لازم را ندارد و برای کنترل جرم، براساس عقلانیت اسلامی توجه به بازدارنده های ماورای طبیعی و غیرمادی و تقویت ایمان به جهان دیگری غیر از جهان مادی لازم است که نظام جزا و پاداش دیگری را ترسیم می کند. در عین حال که مفهوم سود هم در این نوع عقلانیت بسیار گسترده تر بوده و نفع آتی در مقابل نفع آنی قرار داشته که بر پایداری آن تأکید می شود. لذا توجه به راه کارهای مبتنی بر قرآن و روایات، می تواند در پیش گیری از جرم و کج روی

کارساز باشد و جامعه‌ای مبتنی بر اخلاق به وجود بیاورد. در یک عبارت می‌توان گفت که آیات و روایات، محورهای کنترلی موجود در نظریه‌های جامعه‌شناسی را تأیید کرده و علاوه بر آن، راه کارهای دیگری را نیز معرفی می‌کنند که در نظریه‌های مذکور به آنها اشاره نشده است و این نشان‌گر گستره نگاه متون دینی در اسلام است که بیش از ۱۴۰۰ سال پیش به این ابعاد توجه کرده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Sutton, David (n.d.). "Ronald V. Clarke". available.criminology /crimtheory.
2. Bouffard, J.A.& K.Wolf (2007). "Rational Choice Theory: A Crime-Related Perspective".
3. Mork. Bruce (2006). "Rational Choice Theory"
4. Sutton, David (n.d.). "Ronald V. Clarke". available.criminology /crimtheory
۵. «three strikes legislation»؛ این اصطلاح به سیاستی جزایی با این محتوا اشاره دارد که اگر مجرمی، پس از تحمل دوبار محکومیت در ازای ارتکاب جرم‌های خطرناک یا خشونت‌بار، برای بار سوم به ارتکاب این نوع جرم‌ها مبادرت ورزد، به حبس ابد محکوم می‌شود. این سیاست در برخی کشورها - از جمله در ایالات متحده آمریکا و در ایالت کالیفرنیا (در سال ۱۹۹۴) - به صورت قانون در آمده است (راب وایت و فیونا هینز، جرم و جرم‌شناسی، ص ۳۱۴).
6. Keel, Robert O. (2005). "Rational Choice and Deterrence Theory"
7. Sutton, David (n.d.). "Ronald V. Clarke". available.criminology /crimtheory
۷. سید محمود میرخلیلی، «پیش‌گیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، مجله فقه و حقوق.
۸. میان فقهاء در آن که وجوب امور مذکور در حد محارب بر سبیل تخییر است یا ترتیب، اختلاف است. شیخ مفید قائل به تخییر و شیخ ابو جعفر قائل به ترتیب است (حسینی جرجانی، ج ۲، ص ۶۷).

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه طاهره صفارزاده (۱۳۸۰)، تهران، مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم.
- نهج البلاغه، سید رضی (۱۹۸۰)، تصحیح صبحی صالح، بیروت، دار الکتب اللبنانی، چاپ اول.
- ۱. ابن شعبه حرانی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین.
- ۲. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد

۳. بابایی، احمد علی (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.
۴. باقری بیدهدی، ناصر (۱۳۶۳)، گنج حکمت یا احادیث منظوم، قم، نشر روح، چاپ اول.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم.
۶. جمعی از مترجمان (۱۳۷۷)، ترجمه جوامع الجامع، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۷. جمعی از مترجمان (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول.
۸. جمعی از مترجمان (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول.
۱۰. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح (۱۴۰۴ق)، آیات الأحکام، تهران، انتشارات نوید، چاپ اول.
۱۱. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، اسرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه، چاپ دوم.
۱۲. خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۳. داورپناه، ابوالفضل (۱۳۶۵)، أنوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات صدر، چاپ اول.
۱۴. راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله (بی‌تا)، جلوه‌های اعجاز معصومین، مشهد، ترجمه غلام حسن محرمی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. عاملی، محمد بن جمال‌الدین مکی (شهید اول) (۱۴۱۰ق)، اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیه، محقق و مصحح: محمد تقی مروارید، بیروت، دار التراث، دار الاسلامیه، چاپ اول.
۱۶. عباسپور، ابراهیم (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای گزاره‌های دینی ناظر به نظریه گزینش عقلانی، معرفت.
۱۷. عروسی هویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، نور الثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۱۸. فلسفی، محمد تقی (۱۳۶۸)، الحدیث - روایات تربیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۹. فیض کاشانی، محسن (بی تا)، التحفة السنیة، نسخه خطی، مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی.
۲۰. ----- (۱۴۲۵ق)، تفسیر صافی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم.
۲۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۲۲. الکتانی، عبدالحی (بی تا)، التراتیب الإدارية و العمالات و الصناعات و المتاجر و الحالة العلمية التي كانت على عهد تأسيس المدينة الإسلامية فی المدينة المنورة العلمية، تحقیق: عبدالله الخالدي، بیروت، دار الأرقم، چاپ دوم.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵)، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۳. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۲ق)، در المنضود، مقرر: علی کریمی جهرمی، قم، دار القرآن الکریم، چاپ اول.
۲۴. مازندرانی، مولی محمد هادی بن محمد صالح (۱۴۲۱ق)، شرح اصول کافی، تعلیق: میرزا ابوالحسن شعرانی، ضبط و تصحیح: علی عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲۵. مازندرانی، مولی محمد هادی بن محمد صالح (۱۴۲۹ق)، شرح فروع کافی، محقق و مصحح: محمد جواد محمودی و محمد حسین درایتی، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر.
۲۶. متقی هندی، علاءالدین بن حسام‌الدین (۱۴۰۱ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، محقق: بکری حیانی - صفوة السقا، انتشارات مؤسسة الرسالة، چاپ پنجم.
۲۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، ترجمه قرآن، قم، دار القرآن الکریم، چاپ دوم.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۳۰. موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۳۱. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۳)، «پیش‌گیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، مجله فقه و حقوق، شماره ۱، تابستان.
۳۲. ----- (۱۳۸۸)، پیش‌گیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۳۳. نراقی، مولی احمد بن محمد مهری (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البت (عجلتعالیه)، چاپ اول.
۳۴. وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۸۳)، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی با همکاری

محسن کارخانه و فرید مخاطب قمی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، بهار، چاپ اول.

نرم افزارها

۱. نرم افزار چند رسانه ای جامع الاحادیث (نور ۲/۵).
۲. نرم افزار چند رسانه ای جامع تفاسیر نور (نور الانوار ۳).
۳. نرم افزار چند رسانه ای دانش نامه علوی (منهج النور).
۴. نرم افزار چند رسانه ای درایة النور (نسخه ۱/۲).
۵. نرم افزار چند رسانه ای کتابخانه اهل البيت عليهم السلام (نسخه ۱).
۶. نرم افزار چند رسانه ای گنجینه روایات نور (نسخه ۱).

منابع لاتین

1. Mork. Bru Mork. Bruce (2006). "Rational Choice Theory" .[online] available: <http://www.d.umn.edu/~bmork/2306/Theories/BAMratchoice>.
2. Sutton, David (n.d.). "Ronald V. Clarke" .[online] available: <http://www.criminology.fsu.edu/crimtheory/clarke.htm>.
3. Keel, Robert O. (2005). "Rational Choice and Deterrence Theory" .[Online] Available: <http://www.umsl.edu/~rkeel/200/ratchoc.html>.
4. Bouffard, J.A. & K. Wolf (2007). "Rational Choice Theory: A Crime-Related Perspective". in George Ritzer (ed.). *The Blackwell Encyclopedia of Sociology*. pp.3807-3810.

* بیانیه‌های محیط زیستی ریو و کیوتو از منظر منابع فقه اسلامی

- رخشاد حجازی^۱
- فروزنده سادات مرعشی شوشتری^۲
- شیرین یاری^۳

چکیده

امروزه یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهانی در محیط زیست، تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های انسانی می‌باشد. بیانیه‌های ریو و کیوتو به منظور مشارکت جهانی در کاهش تولید انتشار گازهای گلخانه‌ای که سبب تغییرات اقلیمی در جهان شده‌اند، ارائه گردیده است. دین مبین اسلام همواره انسان را به حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی فراخوانده است. احکام کلی و عام، احکام خاص و صریح درباره محیط زیست در مبانی فقه اسلام آمده است. هدف از انجام این مقاله مروری بر بیانیه‌های ریو و کیوتو از منظر فقهی و انطباق شباهت‌های موجود در اصول فصل تغییر اقلیم در بیانیه‌های ریو و کیوتو می‌باشد. دوری از مادی‌گرایی، اصلاح الگوی مصرف با تأکید بر منابع فقهی اسلام، همبستگی ملی و مشارکت عمومی و استفاده از فناوری‌های سازگار با

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال گروه محیط زیست (نویسنده مسؤل)
rokshad47@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

محیط زیست از جمله راه کارهایی است که در این مقاله ارائه گردیده است. وازگان کلیدی: تغییر اقلیم، ریو، کیوتو، منابع فقه اسلامی

۱. مقدمه

محیط زیست با توجه به ماهیت و گستردگی جغرافیایی، شامل نوع بشر، گیاهان، جانوران، اقلیم، خاک و میراث طبیعی می‌باشد (Kramer, 2000). انسان مدرن با پیشرفت‌های علمی خود محیط زیست پیرامونش را به کارخانه‌ای بزرگ برای ساخت و انتشار انواع آلاینده‌ها و ترکیب‌های خطرناک تبدیل نموده است. بی‌توجهی انسان به محیط زیست باعث بروز تغییرهایی اساسی بر روی کرهٔ خاکی شده است؛ به طوری که طبیعت با همان ابزارهای همیشگی تدافعی خود دیگر قادر به ترمیم نبوده و بیش از هر زمان برای ترمیم و احیای خود نیاز به مداخله و همیاری جدی انسان‌ها دارد (حجازی و صالح‌نسب، ۱۳۹۰). در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۷۰ دانشمندان توانستند مدل‌های کامپیوتری کامل‌تری از اتمسفر بسازند که اعتماد عمومی نسبت به گرم شدن زمین و پیامدهای آن را بالا برده است. آکادمی علوم آمریکا در سال ۱۹۷۹ پس از بازنگری این مدل‌ها اعلام کرد که در صورت افزایش کربن دی‌اکسید در جو، تردیدی نیست که اقلیم جهان دگرگون خواهد شد (حجازی و صالح‌نسب، ۱۳۹۰). مطابق گزارش هیأت بین‌دولتی مربوط به تغییر اقلیم حاکی از آن است که حرارت جهان تا سال ۲۱۰۰ میلادی حدود یک تا شش درجهٔ سانتی‌گراد افزایش خواهد یافت (Krohn et al., 2009). این پدیده آثار مخرب زیادی بر محصولات کشاورزی، جانوران، گیاهان، مناطق قطبی، اقیانوس‌ها، اقتصاد و سلامت انسان‌ها می‌گذارد (حجازی و صالح‌نسب، ۱۳۹۰).

بیانیه‌ای در رابطه با محیط زیست و توسعه، که به اجلاس زمین یا همایش ریو موسوم است، در تاریخ سوم تا چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ با حضور شرکت بیش از ۱۵۰ تن از رؤسا و نمایندگان کشورهای جهان در شهر ریودوژانیرو برزیل ارائه

گردید. به عبارت دیگر کنفرانس ریو ۲۰ سال پس از گذشت بیانیه استکهلم، اساس همکاری‌های عادلانه ملل را در سطح جهان فراهم نمود. دستور کار بیست و یک مشتمل بر اصول بیست و شش گانه، یک مقدمه و دو ضمیمه می‌باشد. در هر کشور مطابق با شرایط آن کشور اصول متفاوت است. در ایران اصول بیست و هفت گانه‌ای با همان اهداف ذکر شده، تهیه گردیده است. اهداف کنفرانس ریو دستیابی به ثبات لازم در تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو زمین است، به منظور جلوگیری از تغییرات اقلیمی کره زمین در سطحی که از تداخل خطرناک فعالیت بشر با سیستم‌های آب و هوایی جلوگیری نماید و اکوسیستم‌ها بتوانند به صورت طبیعی با تغییرات آب و هوا تطابق یابند. نتایج حاصل از کنفرانس ریو شامل بیانیه اصولی ریو پیرامون محیط زیست و توسعه، دستور کار بیست و یک در ارتباط با توسعه پایدار، اصل جنگل و دو کنوانسیون مهم درباره تنوع زیستی و تغییرات اقلیمی می‌باشد (دفتر حقوقی امور مجلس، ۱۳۸۸).

اولین بازنگری در مورد کفایت تعهدات کشورهای توسعه یافته در سال ۱۹۹۵ در برلین انجام شد. هیأت حاضر به این نتیجه رسیدند که تعهدات کشورهای توسعه یافته مبنی بر کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای آنها در سال ۲۰۰۰ به سطح موجود در سال ۱۹۹۰، با هدف درازمدت کنوانسیون جهت جلوگیری از تداخل ضایعات خطرناک ناشی از فعالیت‌های انسان با سیستم آب و هوایی، تناسب ندارد، لذا کنفرانسی به میزبانی کشور ژاپن در شهر کیوتو در دسامبر ۱۹۹۷ برگزار شد که حدود ده هزار تن در آن شرکت داشتند. از جمله اهداف آن می‌توان به افزایش کارایی انرژی در بخش‌های مربوط به اقتصاد ملی، ارتقاء فعالیت‌های پایدار مدیریت جنگل‌ها، جنگل‌کاری و ایجاد جنگل‌های جدید، ترغیب انواع پایدار کشاورزی در پرتو ملاحظات مربوط به تغییر آب و هوا، ترغیب توسعه و گسترش استفاده از انواع جدید انرژی تجدیدپذیر و فناوری‌های کنترل دی‌اکسید کربن و بی‌خطر برای محیط زیست، اشاره نمود (دفتر حقوقی

امور مجلس، ۱۳۸۸). این پروتکل جهت کاهش انتشار و مکانیسم‌های انعطاف‌پذیری تحت عنوان مکانیسم‌های مبتنی بر بازار در ماده ۱۲ خود اشاره به مکانیسم توسعه پاک، اجرای مشترک و تجارت نشر کرده است. ایران در سال ۱۳۷۶ پروتکل را امضا و در اول تیر ماه ۱۳۸۴ برای اجرا به تأیید شورای نگهبان رسید (حجازی و صالح‌نسب، ۱۳۹۰).

زمانی که سخن از محیط زیست به میان می‌آید، منظور نعمت‌های الهی است که اختصاص به یک عصر و نسل ندارد، بلکه متعلق به همه بشریت می‌باشد (محسن‌زاده، ۱۳۸۸). رفتار انسان با محیط زیست باید بر پایه احکام الهی باشد و از افراط و تفریط پرهیز گردد. در اسلام احکام کلی و عامی وجود دارد که می‌توان با مسائل روز تطبیق داد و علت وجودی آنها حل مشکلاتی است که با گذشت زمان به وجود می‌آید، همچون قاعده لاضرر و لا ضرار، که در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است (محقق داماد، ۱۳۶۳). حال در دین مبین اسلام، که بنیان آن مربوط به ۱۴۰۰ سال پیش است، آیات و روایاتی است که انسان را به رعایت حقوق محیط زیست فراخوانده است. از آنجا که نوع بشر در یک محیط ناسالم و آلوده در معرض انقراض و نابودی قرار می‌گیرد، از آن رو برای بقای نسل بشر، محیط زیست باید مورد حمایت قرار گیرد (Gormely, 1988). تنزل کیفیت محیط زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان می‌باشد (ICJReport, 1996). از این رو احترام به حقوق بشر ارتباط مستقیم و تنگاتنگی به حمایت و حفاظت از محیط زیست دارد؛ چرا که زندگی انسان و تداوم حیات او و کیفیت زندگی منوط به سلامتی و شادابی محیط زیست می‌باشد (Boyle and Anderson, 1988).

هدف از این مقاله مروری بر بیانیه‌های ریو و کیوتو از منظر فقهی و انطباق شباهت‌ها و چالش‌های احتمالی موجود در اصول فصل تغییر اقلیم در کنوانسیون ریو و پیمان کیوتو می‌باشد.

۱.۱. مروری بر کنوانسیون ریو

کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد در تاریخ ۹ مه ۱۹۹۲ در نیویورک آمریکا منعقد گردید. تاریخ لازم الاجرا شدن آن حدود ۲ سال بعد، در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۹۴، در دبیرخانه آن در ژنو سوئیس ثبت گردید. کشور ایران حدود ۱۸ سال پیش در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۶ به عضویت این کنوانسیون درآمد. مرجع ملی کنوانسیون تغییرات اقلیمی در ایران، سازمان حفاظت محیط زیست می باشد. کنوانسیون تغییرات آب و هوا مشتمل بر یک مقدمه، بیست و شش ماده و دو ضمیمه می باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران در صورتی مجاز به استفاده از ماده ۱۴ کنوانسیون در مورد حل اختلاف می باشد که این مراتب به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد (دفتر حقوقی امور مجلس، ۱۳۸۸). با تصدیق این امر که تغییرات در آب و هوای کره زمین، آثار سوء آن و ابراز نگرانی درباره این که فعالیت های بشری باعث افزایش قابل توجه تراکم گازهای گلخانه ای در جو شده و به طور متوسط منجر به افزایش گرمای سطح زمین و آثار سوء آن بر اکوسیستم های طبیعی و نوع بشر خواهد داشت. با توجه به این که سهم عمده ای از گازهای قبلی و فعلی گلخانه ای در کشورهای پیشرفته تولید شده و میزان گازهای سرانه در کشورهای در حال توسعه هنوز به طور نسبی در سطح پایین قرار دارد و سهم جهانی گازهای حاصل در این کشورها جهت پاسخ گویی به نیازهای اجتماعی و توسعه آنها رو به افزایش خواهد بود. با آگاهی از نقش و اهمیت منابع گازهای گلخانه ای در اکوسیستم های زمینی و دریایی، پیش بینی تغییرات آب و هوایی، به خصوص در ارتباط با زمان، میزان و الگوهای منطقه ای عدم قطعیت زیادی وجود دارد (حجازی و صالح نسب، ۱۳۹۰). با علم به این که این تغییرات جهانی نیاز به گسترده ترین نوع همکاری توسط تمامی کشورها و شرکت آنها در یک واکنش مناسب و مؤثر بین المللی دارد که بر مبنای مسؤولیت ها و توانایی های مشترک، ولی متفاوت، براساس شرایط اجتماعی و

اقتصادی آنها تعیین می‌شود. کشورها بر مبنای منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل دارای حق حاکمیت بهره‌برداری از منابع خود بر اساس سیاست‌های داخلی محیط زیستی و توسعه‌ای خود می‌باشند و مسؤولیت دارند اطمینان حاصل نمایند که فعالیت‌ها در حیطه صلاحیت و کنترل آنها سبب بروز خسارت به محیط زیست سایر کشورها یا نواحی ماوراء حیطه حقوق ملی نگردد؛ با قبول این امر که کشورها باید اقدام به قانون‌گذاری مؤثر برای محیط زیست نمایند و استانداردهای محیط زیستی، اهداف و اولویت‌های مدیریتی بیان‌گر موارد محیط زیستی و توسعه‌ای باشد. این استانداردها توسط برخی از کشورها می‌تواند برای سایر کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، نامناسب بوده و بار اقتصادی یا اجتماعی سنگینی را در برداشته باشد.

اهداف کنوانسیون دست‌یابی به ثبات لازم در تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو زمین به منظور جلوگیری از تغییرات اقلیمی کره زمین در سطحی که از تداخل خطرناک فعالیت بشر با سیستم آب و هوایی جلوگیری نماید و اکوسیستم‌ها بتوانند به صورت طبیعی با تغییرات آب و هوا تطابق یافته و اطمینان حاصل شود که تولید مواد غذایی با تهدید رو به رو نبوده و توسعه اقتصادی بتواند به صورتی پایدار ادامه یابد (دفتر حقوقی امور مجلس، ۱۳۸۸).

۲.۱. مروری بر پروتکل کیوتو

پروتکل کیوتو در ۱۶ مارس ۱۹۹۸ جهت امضای اعضا آماده شد. این پروتکل، ۹۰ روز پس از تصویب حداقل ۵۵ هیأت عضو کنوانسیون قابل اجرا می‌شد؛ مشروط بر این که میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای این ۵۵ عضو از ۵۵ درصد کل گازهای گلخانه‌ای منتشر شده در سال ۱۹۹۰ توسط کشورهای صنعتی بیشتر باشد. تا مدت‌ها شرط عددی ۵۵ کشور عضو کنوانسیون محقق نشده بود و از ۵۵ درصد مورد اشاره، صرفاً ۴۴/۲ درصد حاصل شده بود. با عنایت به پیوستن روسیه به پروتکل که دارای سهم ۱۷/۴ درصدی بود، شرط درصدی نیز محقق و

پروتکل، لازم‌الاجرا گردید (حجازی و صالح‌نسب، ۱۳۹۰). قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد، در مورد تغییر آب و هوا، به این شرح است: کنوانسیون تغییر آب و هوا ۱۹۹۲ مشتمل بر یک مقدمه، بیست و هفت ماده و دو ضمیمه می‌باشد (دفتر حقوقی امور مجلس، ۱۳۸۸).

پروتکل کیوتو به منظور انجام تعهد کاهش مقدار انتشار گازهای گلخانه‌ای در جهت ارتقای توسعه پایدار معرفی شد. اهداف پروتکل کیوتو شامل فراهم نمودن شرایط لازم برای اجرا یا تشریح بیشتر سیاست‌ها و اقدامات طبق شرایط ملی کشورهاست، مانند افزایش کارایی انرژی در بخش‌های مربوط به اقتصاد ملی، محافظت از افزایش سینک‌های کربن و مخازن گاز گلخانه‌ای، ترغیب روش‌های پایدار کشاورزی، ترغیب تحقیق و توسعه و گسترش استفاده از انواع جدید و تجدیدپذیر انرژی و همکاری با سایر اعضا فراهم نماید. همچنین کشورها باید حداکثر یکسال قبل از شروع اولین دوره تعهد، نظام ملی خود را برای برآورد میزان انتشار تمامی گازهای گلخانه‌ای حاصل از دخالت انسان در طبیعت، از نظر منابع و حذف آنها توسط سینک‌های کربن تهیه نمایند (دفتر حقوقی امور مجلس، ۱۳۸۸). مکانیسم‌های انعطاف‌پذیر پروتکل مانند مکانیسم توسعه پاک شامل پروژه‌هایی که کشورهای توسعه یافته جهت تحقق تعهدات خود مبنی بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و همچنین کمک به توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه اجرا می‌نماید و به ازای کاهش انتشار حاصل از این پروژه‌ها، گواهی کاهش انتشار دریافت می‌نمایند. اجرای مشترک پروژه‌هایی که با توجه به تجارت تکنولوژیکی کشورها، به منظور اجرای تعهد یا اخذ گواهی، توسط برخی از کشورهای صنعتی، در سایر کشورهای توسعه یافته، به خصوص کشورهای با اقتصاد در حال گذار اجرا می‌گردند. تجارت نشر کشورهای صنعتی تحت پروتکل کیوتو متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند. در

راستای این تعهدات اگر کشوری نتواند سهم تعهدات خود را کاهش انتشار برآورده نماید، می‌تواند از کشورهای صنعتی دیگر که بیش از سهم تعهد خود، کاهش انتشار داشتند، مجوز انتشار خریداری نماید (حجازی و صالح‌نسب، ۱۳۹۰).

۲. جایگاه محیط زیست در اسلام

چالش‌های محیط زیست از مسائل مهم عصر حاضر می‌باشد. به طوری که فعالیت‌های مرتبط با محیط زیست از فعالیت‌های مهم سازمان ملل متحد محسوب می‌شود. بررسی دین مبین اسلام نسبت به محیط زیست مؤثر به نظر می‌رسد. طبق اصل هفتاد و دو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد...». با توجه به این اصل حتی اگر در محدوده حقوق داخلی و ملی در زمینه محیط زیست، قوانینی وضع شود نباید با احکام و اصول اسلامی مغایر باشد.

در اسلام، احکام کلی در دو دسته احکام خاص و صریح و دسته دیگر احکام عام و کلی تقسیم‌بندی می‌شوند. دسته اول احکامی هستند که جنبه‌های ثابت و تغییرناپذیر زندگی انسان در ارتباط با یکدیگر است، همچون ارتباط انسان با خدا که قوانین روشنی دارند و در آیات و روایات به آنها اشاره شده است. دسته دوم احکامی هستند که با توجه به تحولات و نیازهای زندگی بشر وضع شده است. احکام مربوط به محیط زیست هم از دسته اول است، هم از دسته دوم؛ یعنی نسبت به برخی از مسائل محیط زیستی که در ارتباط با زندگی بشر است احکام ثابت که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است، همچون رعایت حقوق حیوانات که مورد ترغیب دین مقدس اسلام است. رهبران الهی به هر موجود زنده بی‌آزاری احسان می‌نمودند و دیگران را توصیه به این کار می‌کردند. حضرت عیسی علیه السلام به همراه یاران خود از کرانه دریا عبور می‌کردند و ایشان

مقداری از غذای خود را به آنجا انداخت و یاران گفتند چرا این کار را کرده‌اید؟ فرمودند برای حیوانات دریا تا از آن تغذیه کنند ثواب این کار نزد خداوند بزرگ است (وسائل الشیعه، ۴۰۸/۹). صدقه جاریه در طبیعت که پیامبر ﷺ می فرمایند: «ثلاث یجلین البصر، النظر الی الخضرة و الی الماء الجاری و الی الوجه الحسن» (نهج الفصاحه، ۲۹۲/۱)؛ سه چیز است که مایه روشن‌دیده‌اند: نگاه به سبزه و به آب روان و به روی نیکو. اگر جلوه چشم در دیدن فضای سبز و آب روان است، معلوم می‌شود ایجاد و حفظ بوستان و گلستان و روان ساختن جوی صاف، مطلوب اسلام است. در مورد برخی دیگر از مسائل محیط زیستی باید به احکام کلی و عام استناد کرد (انصاری، ۱۳۸۸).

۱.۲. احکام کلی و عام درباره محیط زیست

هدف اصلی از حفاظت محیط زیست جلوگیری از صدمه و آسیب رسیدن به عناصر طبیعی (آب، خاک، هوا و موجودات زنده) است، هر عملی که به خلاف آن صورت گیرد باید مورد تعقیب و پیگرد باشد. وجود این احکام کلی و عام برای هر نظام حقوقی که ادعای کامل بودن و قابل انطباق بودن با هر زمان و مکان و هر جامعه‌ای را دارد، لازم است (انصاری، ۱۳۸۸).

۱.۱.۲. اصل لا ضرر

این اصل در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است (محقق داماد، ۱۳۶۳). به موجب این اصل در اسلام ضرر به هیچ وجه مشروعیت ندارد، چه در مرحله وضع قانون و چه در مرحله اجرای آن؛ بنابر این اگر قانونی به تصویب برسد که موجب ورود ضرر به فرد و جامعه شود و یا در مرحله اجرا موجب ضرر گردد، از نظر اسلام مشروعیت ندارد. همواره اولویت حقوق جامعه بر حقوق فردی آن چنان اهمیت دارد که برای دفاع از حقوق جامعه می‌توان در ملک فرد دخالت نموده و از وقوع عملی که باعث تخریب یا آلودگی شده ممانعت کرد

(انصاری، ۱۳۸۸). به این ترتیب ایجاد هرگونه آلودگی‌های محیط زیستی، مانند آلودگی آب، خاک، هوا و صوت با توجه به این اصل، فاقد مشروعیت اسلامی می‌باشد.

۲.۱.۲. انفال

خداوند در آیه یکم سوره انفال می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾، درباره انفال از تو می‌پرسند، بگو انفال از آن خدا و پیامبر است. به طور کلی منظور از انفال، اموال عمومی است که به فرد خاصی تعلق ندارد، مانند اراضی موات، سواحل دریا، بیابان، هوا، جنگل، آب‌های زیرزمینی و خداوند آنها را برای همه موجودات خلق کرده است و ساخته بشر نیست. این اموال به امام و رهبر مسلمین تعلق دارد، یعنی برای حفظ نظم و عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق از آنها استفاده کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸). در همین رابطه مقام معظم رهبری فرمودند: «تخریب محیط زیست، معلول نابرابری اجتماعی و استفاده نادرست از طبیعت و یکی از عوامل تضییع حقوق انسان‌هاست» (محسن‌زاده، ۱۳۸۸). بر این اساس اراضی موات، سواحل دریا، بیابان، جنگل، آب‌های زیرزمینی و... از انفال شمرده شده و متعلق به دولت (به معنای عام آن) است و هیچ مالکیت خصوصی و حق دخل و تصرف بر آن قابل پذیرش نمی‌باشد. برای استفاده همه مردم باید در نظر گرفته شود.

۳.۱.۲. مشترکات عمومی

همان اموال عمومی می‌باشد که در استفاده از آنها همه مردم از حقوق مساوی برخوردارند. این اموال انتقال‌پذیر نبوده و همه مردم نسبت به آنها دارای حق انتفاع‌اند. فقها شرایطی از جمله اضرار به غیر، عدم مزاحمت برای دیگران و عدم استفاده بیش از نیاز را برای این امر قرار دادند. دولت نیز حافظ منافع عمومی جامعه است و عهده‌دار نظارت بر این امور بوده و لذا باید آیین‌نامه‌ای برای آن

تهیه نماید (انصاری، ۱۳۸۸). به طور مثال هوا از مشترکات عمومی است و هیچ فردی حق سلب آن را نداشته و با ضایع کردن (آلوده ساختن) آن در واقع افراد دیگر جامعه را از برخورداری این حق محروم ساخته است.

﴿۱۰۱﴾

۴.۱.۲. اصل دخالت دولت و مصلحت نظام

دولت از یک سو مجری احکام ثابت و از سوی دیگر واضع مقرراتی است که بنا به ضرورت اجتماعی و طبق شرایط روز باید تدوین و اجرا شود. براساس این اصل هرگاه بین دو یا چند قاعده و قانون، تعارض و اختلافی پیش آید، آن قاعده و قانونی باید مورد استناد قرار گیرد که منافع جامعه بهتر حفظ شود. به عبارت دیگر بین حقوق فرد و جامعه، حقوق جامعه اولویت دارد. به این ترتیب تملک انفال که در اختیار یک فرد (شخص حقیقی) قرار دارد مانع دستیابی حقوق جامعه به آن می‌شود و دولت اسلامی باید این اموال و انفال را بازستاند. بر این اساس ساخت و ساز در سواحل دریاها، رودخانه‌ها و جنگل‌ها هیچ گونه توجیه شرعی نخواهد داشت.

۲.۲. احکام خاص و صریح درباره محیط زیست در آیه‌های قرآن

برخی از آیات قرآن به صراحت احکامی را در رابطه با طبیعت بیان کرده است. به طور مثال خداوند در آیه شصت و یک سوره هود می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...﴾؛ او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و آبادانی‌اش را به شما واگذار کرد. از مفهوم آیه برمی‌آید که همچون تخریب محیط زیست مخالف و منافی عمران و آبادانی است، باید از آن پرهیز کرد. در آیه چهل و نهم سوره قمر می‌فرماید: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾؛ ما هر چیز را به اندازه خلق کرده‌ایم. پس هر چیزی مقدار و حدودی دارد و باید به طور صحیح و درست مورد بهره‌برداری قرار گیرد تا نابود نشود، زیرا مواهب طبیعی فقط به نسل حاضر تعلق ندارد، بلکه به نسل‌های بعد نیز متعلق است. در جایی

دیگر توصیه به بهره‌گیری از منابع طبیعی شده است. آیه پانزدهم سوره ملک ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾؛ روی زمین راه بروید و روزی بگیرید. لازمه این فرمان، تلاش برای استخراج معادن، کشاورزی و بهره‌گیری هر چه بهتر از مواد خام است. همچنین در آیه نود و نهم سوره انعام خداوند می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ﴾؛ و اوست آن کسی که از آسمان آبی فرستاد، تا از آن هر گونه‌ای رویدن یابد. بدین ترتیب آب به عنوان عنصری مهم از طبیعت مورد توجه اسلام قرار داشته است، زیرا که در حقیقت حیات انسان و همه موجودات به آن وابسته است و باعث سرسبزی و پدید آمدن مناظر زیبا و خرم می‌شود. از پیامبر ﷺ نقل شده است: «مردم در سه چیز شریک‌اند آب، چراگاه و آتش». با توجه به این حدیث آب متعلق به همه است و کسی نمی‌تواند آن را به مالکیت خود درآورد، همچنین استفاده از آب از حقوق عام است کسی نمی‌تواند و نباید آن را آلوده کند، زیرا در این صورت به حقوق دیگران تجاوز کرده است (محدث نوری، ۱۱۴/۱۷).

۳. انطباق بندها و ماده‌هایی از کنوانسیون ریو و پروتکل کیوتو با منابع فقه اسلام

در این بخش بندها و ماده‌هایی از کنوانسیون ریو، بیانیه ایرانی ریو و پروتکل کیوتو با منابع فقهی مقایسه و تطبیق داده شده است. براساس کنوانسیون ریو هر کشور عضو می‌تواند با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی موجود، نظام‌های توسعه‌ای خود را به صورت واحد در راستای توسعه پایدار و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ارائه دهد. به ترتیب در پایان هر بخش جداول شماره (۱) و (۲) و (۳) انطباق هر کدام آمده است.

۱.۳. بندها و ماده‌ها

کنوانسیون ریو، ماده سوم: اعضاء کنوانسیون باید اقدامات پیش‌گیرانه جهت پیش‌بینی، جلوگیری یا به حداقل رساندن دلایل تغییرات آب و هوا و کاهش اثرات آن را به کار گیرند و دقت شود که از لحاظ مالی قابل توجیه بوده تا منافع جهانی را با حداقل هزینه تضمین نماید.

اصل هفتم: کشورها باید با روحیه و بینش مشارکت جهانی با یکدیگر همکاری داشته باشند تا هیچ‌گونه زیان و آلودگی محیط زیستی حاصل نشود و وحدت محیط زیستی کره زمین مورد حمایت قرار گیرد و شرایط مطلوب حاصل شود. در آلودگی محیط زیست همه کشورها مسؤولیت مشترک دارند، اما مسؤولیت هر یک از آنها در قبال این امر متفاوت است.

پروتکل کیوتو، ماده سوم بند سوم: تغییرات خالص در انتشار گازهای گلخانه‌ای از منابع نشر و جابه‌جایی آنها توسط سینک‌های کربن که از تغییر به کارگیری زمین توسط دخالت مستقیم انسان و فعالیت‌های مربوط به جنگل‌ها ناشی می‌شود و به صورت تغییرات اثبات‌پذیر موجودی در هر دوره تعهد اندازه‌گیری شده و باید در جهت ایفای تعهدات به کار گرفته شوند.

۱.۱.۳. انطباق با منابع فقه اسلام

در آیه ۶۱ سوره هود، فرمان الهی در جهت آبادانی زمین، بشر موظف است توان خود را به کار بسته تا دستور الهی ﴿وَاسْتَعْمَرُوا فِيهَا﴾ تحقق یابد. لذا کسانی که توان آبادانی از راه کشاورزی، دامداری، صنعت، پیشه‌وری و دیگر مشاغل سودمند را دارند، ولی تن به کار نمی‌دهند، خواه به جهت آن که از توانمندی مالی برخوردارند و خود را از کار بی‌نیاز می‌دانند و یا به جهت تن‌پروری حاضر نیستند مواد خام موجود در طبیعت را استخراج کرده و آن را به جامعه بشری عرضه کنند. در روایتی امیر مؤمنان علیه السلام (وسائل الشیعه، ۴۰/۱۷) از پیامدهای ناگوار مخالفت با فرمان آباد کردن زمین می‌گوید که اگر انسان به آنها

بی‌اعتنایی کند به زندگی سخت و رنج‌آور مبتلا خواهد شد. ملتی که آب و زمین کشاورزی به اندازه کافی دارد ولی آب‌ها را مهار و زمین را اصلاح نکنند و از آنها بهره‌برداری نکنند و در اثر کم‌کاری یا بدکاری محتاج گردد، از رحمت حق دور باد. قرآن کریم آیه ۶۰ سوره هود، که انسان کامل و همسان با قرآن هستند فرمانی جهت اصلاح زندگی بشر و سلامت محیط زیست بیان کردند، ولی جامعه به آن توجه نکند موجب دوری از رحمت الهی خواهد بود. مسؤولیت نعمت‌های الهی در «حکمت ۲۴۴ نهج‌البلاغه» خدا را در هر نعمتی حقی است، هر کس آن را پردازد، فزونی یابد و آن کس که پردازد و کوتاهی کند، در خطر نابودی است.

جدول شماره (۱) تطابق ماده‌هایی از کنوانسیون ریو و پروتکل کیوتو با منابع فقه اسلام

معااهده	ماده‌ها	آیات
کنوانسیون ریو	ماده سوم	۱. آیه ۶۱ سوره هود فرمان الهی در جهت آبادانی زمین، بشر موظف است. ۲. آیه ۶۰ سوره هود که انسان کامل و همسان با قرآن هستند فرمانی جهت اصلاح زندگی بشر و سلامت محیط زیست بیان کردند.
بیانیه ایرانی کنوانسیون ریو	اصل هفتم	(وسائل الشیعه، ۴۰/۱۷) که از پیامدهای ناگوار مخالفت با فرمان آباد کردن زمین می‌گوید که اگر انسان به آنها بی‌اعتنایی کند به زندگی سخت و رنج‌آور مبتلا خواهد شد ملتی که آب و زمین کشاورزی به اندازه کافی دارد ولی آب‌ها را مهار و زمین را اصلاح نکنند و از آنها بهره‌برداری نکنند و در اثر کم‌کاری یا بدکاری محتاج گردد از رحمت حق دور باد.
پروتکل کیوتو	ماده سوم - بند سوم	مسؤولیت نعمت‌های الهی در «حکمت ۲۴۴ نهج‌البلاغه» خدا را در هر نعمتی حقی است، هر کس آن را پردازد، فزونی یابد و آن کس که پردازد و کوتاهی کند، در خطر نابودی است.

۲.۳. بندها و ماده‌ها

کنوانسیون ریو، ماده چهارم بند (ت): مدیریت مستمر را ترویج داده و در صورت اقتضا حفظ و افزایش حفره‌ها و منابعی از گازهای گلخانه‌ای، که تحت کنترل

پروتکل مونترال نمی‌باشند، از جمله موجودات زنده، جنگل‌ها و اقیانوس‌ها و سایر اکوسیستم‌های دریایی، ساحلی یا زمینی را تشویق و در موارد مزبور همکاری نمایند.

مطابق با اصل ۲۳ بیانیه ایران امکان بهره‌برداری از محیط زیست و منابع طبیعی برای انسان محدود است، لذا باید این منابع تحت نظارت و حفاظت قرار گیرد. پروتکل کیوتو، مادهٔ دوم بند هشتم: محدود کردن یا کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای که تحت کنترل پروتکل مونترال قرار نگرفته‌اند و ناشی از سوخت‌های مخزن هوایی و دریایی هستند را به ترتیب از طریق کار با سازمان بین‌المللی کشوری و سازمان بین‌المللی دریانوردی ادامه خواهند داد.

۱.۲.۳. انطباق با منابع فقه اسلام

«حکمت ۲۹۰ در نهج البلاغه»: اگر خدا بر گناهان وعدهٔ عذاب هم نمی‌داد، لازم بود به خاطر سپاس‌گزاری از نعمت‌هایش نافرمانی نشود. «حکمت ۳۳۰ نهج البلاغه»: کم‌ترین حق خدا به عهدهٔ شما این که از نعمت‌های الهی در گناهان یاری نگیرید. «حکمت ۳۵۵ نهج البلاغه» ای مردم باید خدا شما را به هنگام نعمت همانند هنگامهٔ کیفر، ترسان بنگرد، زیرا کسی که رفاه و گشایش را زمینهٔ گرفتار شدن خویش نداند، پس خود را از حوادث ترسناک ایمن می‌پندارد و آن کس که تنگدستی را آزمایش الهی نداند، پاداشی را که امیدی به آن بود از دست خواهد داد. امام صادق علیه السلام دربارهٔ ضرورت نگهداری آب و هوای سالم و زمین حاصل‌خیز می‌فرماید: «لا یطیب السکنی الا بتلات، الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الأرض الخوارة» (بحار الانوار، ۲۳۴/۷۵)؛ زندگی بدون سه عامل حیاتی گوارا نیست؛ هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا، زمین حاصل‌خیز و قابل زرع.

جدول (۲) تطابق ماده‌هایی از کنوانسیون ریو و پروتکل کیوتو با منابع فقه اسلام

معااهده	ماده‌ها	منابع فقه اسلام	احادیث
کنوانسیون ریو	ماده چهارم: بند(ت)		
بیانیه ایرانی کنوانسیون ریو	اصل بیست و سوم		
پروتکل کیوتو	ماده دوم: بند هشتم		

۱. درباره ضرورت نگهداری آب و هوای سالم و زمین حاصل خیز می‌فرماید: زندگی بدون سه عامل حیاتی گوارا نیست؛ هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا، زمین حاصل خیز و قابل زرع (بحارالانوار، ۲۳۴/۷۵).

۲. «حکمت ۲۹۰ در نهج البلاغه»: اگر خدا بر گناهان وعده عذاب هم نمی‌داد، لازم بود به خاطر سپاس‌گزاری از نعمت‌هایش نافرمانی نشود.

۳. «حکمت ۳۳۰ نهج البلاغه» کم‌ترین حق خدا به عهده شما این که، از نعمت‌های الهی در گناهان یاری نگیرید.

۴. «حکمت ۳۵۵ نهج البلاغه»: ای مردم باید خدا شما را به هنگام نعمت همانند هنگامه کیفر، ترسان بنگرد، زیرا کسی که رفاه و گشایش را زمینه گرفتار شدن خویش نداند، پس خود را از حوادث ترسانک ایمن می‌پندارد و آن کس که تنگدستی را آزمایش الهی نداند، پاداشی را که امیدی به آن بود از دست خواهد داد.

۳.۳. بندها و ماده‌ها

کنوانسیون ریو، ماده چهارم بند (ث): اعضاء باید سیستم آب و هوا را به نفع نسل‌های فعلی و آتی بشر بر مبنای تساوی و بر طبق مسؤولیت‌های مشترک خود ولی متفاوت و قابلیت‌های مدیریت نواحی ساحلی، حمایت و بازسازی مناطق، مخصوصاً آفریقا مورد حمایت قرار دهند.

مطابق با اصل ششم، شرایط مخصوص احتیاج‌های کشورهای توسعه نیافته به ویژه کشورهای فقیر و کشورهایی که در زمینه محیط زیست به تنهایی قدرت مقابله با آلودگی ندارند، ایجاب می‌کند در رأس حمایت‌های جهانی قرار گیرند. پروتکل کیوتو، ماده دوم بند سوم: ترغیب اشکال پایدار کشاورزی در پرتو ملاحظات مربوط به تغییر آب و هوا.

۱.۳.۳. انطباق با منابع فقه اسلام

توصیه اسلام به بهره‌گیری از منابع طبیعی در آیات مختلف؛ آیه ۱۰ سوره جمعه ﴿وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ و آیه ۱۵ سوره ملک ﴿فَامشُوا فِي مَنَاكِبِهَا﴾، انسان را به

بهره‌گیری از منابع طبیعی فراخوانده، می‌فرماید: روی دوش زمین راه بروید و روزی بگیرید. لازمه این فرمان تلاش برای استخراج معادن، کشاورزی و بهره‌گیری هر چه بهتر از مواد خام است و هر جا لازم باشد باید بازسازی یا بهینه‌سازی شود. آیه ۴۹ سوره قمر «ما هر چیز را به اندازه خلق کرده ایم». مفهوم آیه این است که پس هر چیزی مقدار و حدودی دارد و باید به طور صحیح و درست مورد بهره‌برداری قرار گیرد تا نابود نشود، زیرا مواهب طبیعی فقط به نسل حاضر تعلق ندارد، بلکه به نسل‌های بعد نیز متعلق است. براساس آیه ۶۱ سوره هود همچنین توفیق آبادانی زمین را انسان‌های با ایمان دارند. در برابر آبادگران زمین نیز عده‌ای در صدد تخریب محیط زیست و فساد بر روی زمین هستند. از آیه ۶۵ سوره نحل مباحث فراوانی همچون کیفیت بارش باران، زنده شدن زمین، شکوفا شدن درختان، تأمین مواد غذایی موجودات زنده و شکوفایی مناظر طبیعت استفاده می‌شود.

جدول شماره (۳) تطابق ماده‌هایی از کنوانسیون ریو و پروتکل کیوتو با منابع فقه اسلام

ماده‌ها	معااهده
ماده چهارم: بند(ث)	کنوانسیون ریو
اصل ششم	بیانیه ایرانی کنوانسیون ریو
ماده دوم: بند سوم	پروتکل کیوتو

آیات	منابع فقه اسلام	<p>۱. آیه ۱۰ سوره جمعه «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» و آیه ۱۵ سوره ملک «فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا» انسان را به بهره‌گیری از منابع طبیعی فراخوانده، می‌فرماید: روی دوش زمین راه بروید و روزی بگیرید. لازمه این فرمان تلاش برای استخراج معادن، کشاورزی و بهره‌گیری هر چه بهتر از مواد خام است و هر جا لازم باشد باید بازسازی یا بهینه‌سازی شود.</p> <p>۲. آیه ۴۹ سوره قمر «ما هر چیز را به اندازه خلق کرده ایم».</p> <p>۳. آیه ۶۵ سوره نحل: از این آیه مباحث فراوانی همچون کیفیت بارش باران، زنده شدن زمین، شکوفا شدن درختان، تأمین مواد غذایی موجودات زنده و شکوفایی مناظر طبیعت استفاده می‌شود.</p>
------	-----------------	--

۴. نتیجه‌گیری

در قانون اساسی کشور ما اصول ۴۵ و ۵۰ و قوانین مختلف در برنامه توسعه

کشور، حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، حفظ منابع طبیعی و عدم فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی که باعث افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای به جو و در ادامه منجر به تغییرات درجه حرارت اقلیمی می‌شود، همه این موارد در قانون اساسی ایران تدوین و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. در ادامه ایران از اعضای پروتکل کیوتو می‌باشد و همگان با مشارکت عمومی خود باید به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک کنند. طبق مفاد این پروتکل، اعضای آن جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در سطح ملی به گسترش اقداماتی همچون بهینه‌سازی مصرف سوخت، استفاده بیشتر از انرژی‌های تجدیدپذیر، گسترش تکنولوژی‌های جدید، اصلاح روش‌های جنگل‌داری و کشاورزی ترغیب می‌شوند. یکی از این ساز و کارهای همکاری مشترک، مکانیزم توسعه پاک است (حجازی و صالح‌نسب، ۱۳۹۰).

از تهدیدهای ناشی از تغییر اقلیم در ایران می‌توان به کاهش کیفیت منابع آبی (سطحی و زیرزمینی)، تغییر الگوی بارش، نابودی پوشش گیاهی و جنگل (با افزایش این روند باعث ایجاد پدیده بیابان‌زایی)، تغییر در میزان ذخایر برفی و ذوب زودرس، به وجود آمدن ناهمگنی در سری داده‌های ایستگاه‌های هواشناسی، اشاره کرد.

وظیفه حکومت اسلامی نسبت به تأمین سلامت محیط زیست به اندازه‌ای دارای اهمیت است که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هر کس سمتی را در دولت اسلامی به عهده گیرد، موظف است هر آنچه از حفظ حیات، سلامت، حیثیت اجتماعی نسبت به خود به کار می‌برد، برای توده مردم نیز تأمین نماید. خود اگر از بهداشت و محیط سالم برخوردار است، موظف است آن را برای شهروندان فراهم نماید» (نهج الفصاحه، ۶۹۲/۲). در جایی دیگر امام علی علیه السلام به کارگزاران خود می‌فرمایند: «اهتمام تو به آباد نمودن زمین، بیش از همت گماردن تو به جمع درآمد باشد. معلوم است که با آلوده بودن محیط زیست، هم نیروی انسانی

و هم امکانات طبیعی در معرض آسیب است (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از انطباق بیانیه‌های ریو و کیوتو با آیات و روایات این گونه برمی‌آید که تمامی مشکلاتی که امروزه در زمینه محیط زیست در پیش‌رو است، ناشی از زیاده‌خواهی‌ها و عدم رعایت حقوق خود نسبت به طبیعت می‌باشد. در منابع فقهی به کلیه امور عمران و آبادانی سرزمین و عدم مخالفت با آن، رعایت حقوق دیگران، وظایف حاکمان امر و مشارکت مردم، حفظ و بهره‌برداری از منابع طبیعی اشاره شده است. مسلمانان با توجه به محتوایی که در دین اسلام آمده است، موظف به رعایت اصول شرعی آنها می‌باشند.

از جمله راه کارهای کاهش و پیش‌گیری تغییر اقلیم در ایران می‌توان به دوری از مادی‌گرایی، اصلاح الگوی مصرف منابع کشور با تأکید بر منابع فقهی اسلامی، ضرورت پرهیز از اسراف‌های شخصی و عمومی در استفاده از منابع طبیعی کشور با تأکید بر مبانی اسلام، استفاده از فناوری‌های سازگار با محیط زیست در امر تولید و استفاده بهینه از منابع صورت گیرد. تدابیر اقتصادی مانند ایجاد هماهنگی بین رشد اقتصادی و اثرات محیط زیستی، کمک‌های مالی بلاعوض در سطح ملی و بین‌المللی، آموزش عمومی در معاهدات بین‌المللی و قوانین و مقررات در این زمینه، توسعه فرهنگ و قوانین کاهش مصرف انرژی و بهره‌گیری از انرژی‌های نو، تقویت مدل‌های پیش‌بینی تغییر اقلیم و سیستم‌های هشدار دهنده به منظور تدوین برنامه تطبیق با اثرات سوء تغییر اقلیم اشاره نمود.

منابع و مأخذ

• قرآن کریم.

۱. تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۷)، حقوق محیط زیست در ایران، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، اسلام و محیط زیست، قم، مرکز نشر اسرا.
۳. حجازی، رخشاد و صالح‌نسب، ویدا (۱۳۹۰)، گرمایش جهانی و اقتصاد کم‌کربن، تهران، انتشارات خوشبین.
۴. نوری الطبرسی، میرزا حسین (۱۳۲۰ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، تحقیق

- و نشر مؤسسه آل البيت عليه السلام للحياة التراث، طبع الاول.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه، بی جا.
۶. سازمان حفاظت محیط زیست (۱۳۸۸)، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۷. سید رضی، محمد بن حسین موسی (۱۴۰۶ق)، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، بیروت، دارالاسوه.
۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۹. مجیدی، غلامحسین (۱۳۷۹)، نهج الفصاحه الحاوی لقصار کلمات الرسول الاکرم، تحقیق مؤسسه انصاریان، چاپ اول.
۱۰. محسن زاده، احمد علی؛ ساعد، نادر و سمعی، علی (۱۳۸۸)، حقوق محیط زیست نظریه ها و رویه ها دفتر حقوقی امور مجلس، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست.
۱۱. محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۳)، قواعد فقه، تهران، انتشارات علوم اسلامی.
1. Boyle, Alan E. and Michael R. Anderson (eds.), (1988), *Human Rights Approaches to Environmental*, Oxford University press a collection of essays on the legal relationship between human rights and environmental protection.
 2. Gormely, W. Paul (1988), *The Right to a Safe and Decent Environment*, 28 *The Indiana Journal of International Law*, p. 1-32.
 3. ICJReports of Judgments (1996), *Advisory Opinions and Orders*, Vol 1, paragraph 29.
 4. Krämer, Ludwig, *EC Environmental Law*, Forth Ed., Sweet & Maxwell, London, 2000, p. 3
 5. Krohn Olaf, Led bury Matthew and Schwarz Henning, (2009), *Rail Ways And The Environment, Community of European Railway and Infrastructure Companies (CER)*, p. 7

نگاهی علمی - دینی به اوقات فراغت*

- علی حیدری^۱
- علی اصغر هادی^۲
- مجتبی نوروزی^۳

چکیده

در گذشته تمدن‌ها و اقوام مختلف نسبت به اوقات فراغت و نحوه استفاده از آن توجه نموده و برای آن برنامه‌های متفاوتی داشتند، که نمونه‌های آن را در بازی‌ها، ورزش‌های قهرمانی و هنرهایی همچون نقاشی و نقالی می‌توان مشاهده نمود. در عصر جدید و با به وجود آمدن زندگی مدرن شهری و پیدایش امکانات و تکنولوژی‌های جدید، اوقات فراغت و چگونگی استفاده از آن مورد توجه خاص قرار گرفت؛ چرا که در این دوران کار از زندگی خصوصی جدا شد و به ادارات و کارخانه‌ها انتقال یافت و در نتیجه زمان فراغت و زمان کار از یکدیگر تفکیک گردید، به گونه‌ای که به عقیده برخی از کارشناسان، اوقات فراغت به معنای امروزی، مولود جوامع صنعتی است. این نوشتار با هدف شناخت انواع اوقات فراغت از دیدگاه جامعه‌شناسی در

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲.
۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث
۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد

جوامع کنونی با روش توصیفی تحلیلی به بررسی فواید و آسیب‌های آن پرداخته سپس با بهره‌گیری از کلام و سیره معصومان (علیهم‌السلام)، اهمیت وقت و ضرورت استفاده از اوقات فراغت را در فرهنگ اسلامی به لحاظ جنبه فردی آن تبیین نموده و راه‌کارهایی جهت تنظیم صحیح اوقات شبانه‌روز، به منظور دستیابی به سبک زندگی اسلامی ارائه می‌نماید. بخش پایانی به جنبه اجتماعی اوقات فراغت پرداخته و پیشنهادهای در آن زمینه ارائه گردیده که امید است مورد توجه مسئولان و بهره‌برداری ایشان قرار گیرد. واژگان کلیدی: اوقات فراغت، فراغت فعال، فراغت غیر فعال، سبک زندگی اسلامی.

۱. مقدمه

برخی افراد فراغت را یک نیاز ضروری و واقعی نمی‌دانند و آن را پدیده‌ای کم‌اهمیت و بی‌تأثیر می‌پندارند، حال آن که اوقات فراغت، فرصتی است که با کاستن از فشارهای پایایی روزانه، می‌تواند با نشاط و آرامشی که برای فرد به همراه می‌آورد، زمینه‌ای مناسب برای رشد و بالندگی وی به ارمغان آورد. افرادی که اوقات فراغت مفید و مطلوبی دارند، هم از لحاظ اقتصادی بازده بهتری دارند و هم عمر بیشتری می‌کنند. بدیهی است همان‌گونه که استفاده صحیح از اوقات فراغت، هم بر زندگی فردی و هم بر روحیه اجتماعی تأثیر مثبتی خواهد داشت، استفاده نادرست از آن نیز، در هر دو سطح یاد شده می‌تواند باعث بروز زیان‌های جبران‌ناپذیری شود که این امر خود بیان‌گر اهمیت شناخت دقیق مفهوم و انواع اوقات فراغت و جنبه‌های آسیب‌شناختی آن است.

البته در گذران اوقات فراغت، گروه سنی و جنسیت، طبقه اجتماعی و اقتصادی، گرایش‌های مذهبی و غیره، سبب مرزبندی و ایجاد تفاوت بین گروه‌های مختلف جامعه می‌شود و در این تفاوت، گروه سنی افراد و جنسیت آنان سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است (رفعت جاه، ۱۳۸۶). اوقات فراغت از چنان اهمیتی برخوردار است که از آن به مثابه آئینه فرهنگ جامعه یاد می‌کنند. در نتیجه، چگونگی استفاده از این اوقات در یک جامعه به میزان زیادی

معرف و ویژگی‌های فرهنگی آن جامعه است.

۲. مفهوم اوقات فراغت

فراغت در لغت به معنای آسایش و آسودگی از کار و شغل است (معین، ۱۳۸۷، ۷۵۸)، اما در اصطلاح، معنای اوقات فراغت گسترده‌تر از معنای لغوی آن است و فقط شامل زمان اتمام کار روزانه و استراحت کردن نمی‌شود. بعضی به اشتباه آن را با اوقات بی‌کاری یکسان پنداشته‌اند. اوقات فراغت زمانی است که فرد علاوه بر فراغت از کار، می‌تواند به فعالیتی مفرح و غیراجباری پردازد که به آن علاقه دارد، خواه به منظور تفریح و استراحت باشد، خواه برای ایجاد تنوع. به عبارت دیگر اوقات مشغول شدن به فعالیت‌های خودجوش، مطلوب و دوست‌داشتنی است؛ فعالیت‌هایی که دو ویژگی اصلی آنها آزادی انتخاب و تنوع است.

عده‌ای از والدین با این تصور که باید اوقات آزاد نوجوان و جوان فارغ شده از درس و مدرسه را تنها به نحوی پرکنند، بدون توجه به علایق آنها، کلاس‌های کمک‌درسی، هنری، ورزشی، اردو و غیره را برای آنها تجویز و فرزندانشان را ملزم به شرکت در آنها می‌نمایند، این خود باعث عدم استقبال و استقلال نوجوانان و جوانان می‌گردد. دانستن این نکته که جوان در اوقات فراغت خود تمایل به چه انتخاب‌هایی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و والدین را جهت تصمیم‌گیری مناسب برای فرزندان و بهبود روابطشان با آنان یاری می‌نماید.

برخی از خانواده‌ها نیز برای پرکردن اوقات فراغت فرزندان هیچ‌گونه برنامه‌ریزی نکرده و به فرزندان خویش اجازه می‌دهند که به دلخواه خود و بدون هیچ طرح از پیش ریخته‌ای، این اوقات را سپری سازند. در این میان بعضی از خانواده‌های ثروتمند نیز برای ارضای خواسته‌های فرزندان و پاسخ دادن به روحیهٔ تجمل‌گرایی خویش، برای فرزندان کم‌سن و سال خود، امکاناتی مانند موتورسیکلت یا حتی اتومبیل تهیه می‌کنند و در نتیجه مشکلاتی را برای خود و

جامعه به بار می‌آورند (وبلن، ۱۳۸۳، ۱۰۴).

۳. انواع اوقات فراغت

جامعه‌شناسان، به لحاظ اهمیت نقش اوقات فراغت در تکوین شخصیت افراد جامعه، طبقه‌بندی‌های گوناگونی برای آن نموده‌اند، که معروف‌ترین آنها چنین است:

۱.۳. فراغت فعال

در این فراغت، فرد برای فعالیت‌های فردی و اجتماعی تحرک، پویایی و حضوری فعال و مؤثر دارد. چنین فرایندی، زمینه‌ساعدی را برای رشد شخصیتی، بلوغ اجتماعی و شکوفایی استعدادهای فردی فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، راه کارهای مناسبی را برای رویارویی با عرصه‌ها و صحنه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و حل مشکلات ارائه می‌نماید. از بارزترین ویژگی‌های این نوع فراغت، داشتن برنامه‌ای مشخص و حساب شده‌است. این شیوه، بهترین شکل بهره‌برداری از زمان و امکانات است که به تحقق اهداف از پیش تعیین شده‌ آن می‌انجامد. این نوع فراغت، که از آن با عنوان فراغت صحیح نیز یاد می‌شود، به منزله‌ نوعی کارگاه آموزشی بسیار متنوع است که شخص در آن ضمن نقش‌آفرینی، جنبه‌های مختلف وجودی خود را ارزیابی نماید. بنابراین از این نوع فراغت، می‌توان به عنوان فرایندی جهت‌آوردیابی، کشف خلاقیت و ابتکار عمل افراد نیز بهره جست.

۲.۳. فراغت نیمه فعال

در این نوع فراغت همانند فراغت فعال، فرد دارای برنامه‌ معینی برای استفاده از اوقات آزاد خویش است و این برنامه‌ها نیز با هدف رشد و تعالی فرد طراحی شده است، اما با این تفاوت که متناسب با تمایلات، استعدادها و یا توان وی

نیست. یعنی گرچه فرد وقت خود را با برنامه‌های سودمند می‌گذراند، اما بهره‌کافی از آنها را نمی‌برد. این روش عموماً از بازده لازم برخوردار نیست و بهره‌وری پایینی دارد، زیرا همان طور که قبلاً اشاره شد، اوقات آزاد فرد باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که برنامه‌های مذکور اولاً مورد علاقه و رغبت فرد باشد و ثانیاً در حد تحمل و توان وی، چه از نظر روحی و چه از نظر جسمی باشد. در غیر این صورت عدم تطابق علایق فرد و مطالب آموزشی، موجب عدم تمرکز فرد بر مطالب گشته و یادگیری لازم صورت نمی‌گیرد. همچنین در حالتی که برنامه‌ریزی، متناسب با توانایی اشخاص نباشد، علاوه بر مشکل فوق، ممکن است باعث ایجاد آسیب‌های جسمی یا روحی گردد و چه بسا در مواردی آثار زیان‌بار دیگری همچون کلاس‌گزیزی و فرار از مدرسه را به همراه داشته باشد (ستوده، ۱۳۸۳، ۱۴۴).

۳.۳. فراغت غیر فعال

این فراغت به معنای گذراندن وقت آزاد، بدون هیچ برنامه‌ریزی مشخصی است. فرد در فراغت غیرفعال، پذیرنده محض است و او در وضعیت دریافت‌کننده محرک‌های صوتی و تصویری قرار دارد. گوش کردن به رادیو، تماشای تلویزیون، استفاده از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای نمونه‌هایی از این نوع فراغت است. البته استفاده از رسانه‌ها، اینترنت و انواع بازی‌ها نفی نمی‌شود، اما به شرط آن که برنامه‌ریزی شده و با هدف معینی انجام گردد، به عنوان مثال حتی اگر هدف برنامه‌ای صرفاً تفریح باشد، باید نوع و مدت آن کاملاً مشخص باشد. در غیر این صورت فرد با اطلاعات بی‌شمار مثبت و منفی رو به رو می‌شود که تنها نقش گیرنده آن اطلاعات را داشته و اغلب زمانی بیش از حد لازم را صرف آن می‌نماید و علاوه بر آن که به نتیجه لازم از فراغت، که همان نشاط و آمادگی مجدد برای انجام وظایف است، دست نمی‌یابد، کسل‌تر و خسته‌تر از گذشته به ادامه فعالیت‌های اصلی خویش بازمی‌گردد. در چنین فراغتی، اراده، خلاقیت و

نوآوری مخاطبان از آنها گرفته می‌شود و ممکن است پس از مدتی آنان را به سوی احساس انگیزه نداشتن، بی‌حوصلگی، کم‌صبری، خشونت و مسائل دیگری سوق دهد که می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی برای خود فرد و جامعه داشته باشد (صادق‌پور، ۱۳۸۲، ۳۵).

۴. فواید اوقات فراغت

آثار و فواید اوقات فراغت بر کسی پوشیده نیست و هر فرد، بسته به شرایطی که دارد، در مواقعی به روشنی می‌تواند نیازش به این اوقات را حس نماید. این نیاز نشان از فوایدی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱.۴. تجدید قوا

یکی از فواید یا کارکردهای اساسی اوقات فراغت تأمین استراحت فرد و رفع خستگی وی است. کار مداوم بدون زمانی برای استراحت موجب پائین آمدن بازده عمل و کاهش سلامت روانی و جسمی فرد می‌گردد. در مواردی مشاهده می‌گردد که فرد به لحاظ جسمی از استراحت کافی برای انجام مجدد کارهای خویش برخوردار است، اما به علت فشار کاری زیاد در گذشته و نداشتن فراغت صحیح، به لحاظ روحی آمادگی لازم جهت انجام وظایفش را ندارد.

۲.۴. تنوع و تحرک

زندگی ماشینی و اداری گاه آثاری به همراه دارد که حتی پس از تجدید قوا و رفع خستگی جسمی، فرد همچنان دچار حالتی است که نیاز به تغییر فعالیت و یا تحرک دارد، تا برای مدتی هر چند کوتاه از محیط تکراری محل کار فاصله بگیرد. انواع گوناگون تفریح سالم و جنبه‌های مختلفی که دارد، می‌تواند برای آرامش افراد از نظر روح و روان و تجدید قوا مؤثر واقع شود (تورکیلدسن، ۱۳۸۲، ۵۴).

۳.۴. شکوفایی استعدادها

توانمندی‌های افراد اگر در زمینه و شرایط مساعدی قرار گیرد از مرحله قوه به مرحله فعلیت خواهد رسید و از این جهت شناسایی این زمینه‌ها در زندگی افراد بسیار مهم است. اوقات فراغت یکی از این موقعیت‌های بسیار مناسب است که فرد می‌تواند با استفاده از آن به شناسایی و تقویت استعدادهای خویش پرداخته و با فراغ بال به فعالیت‌هایی در راستای علاقمندی‌های خود اقدام نماید و بر حسب تلاش انجام داده به کسب موفقیت‌هایی در آن رشته نایل گردد.

۴.۴. رشد مهارت‌های اجتماعی

اوقات فراغت علاوه بر آثار فردی که دارد، به رشد اجتماعی او نیز کمک می‌کند. اگر فردی دارای بهترین و ارزنده‌ترین استعدادها باشد تا زمانی که توانایی ارائه آنها را در سطح اجتماعی نداشته باشد، چندان موفق نخواهد بود. اما افرادی که بتوانند با استفاده و برنامه‌ریزی مناسب از اوقات آزاد خویش زمینه بروز و ظهور استعدادهای گوناگون را در خویش پدید آورند، رشد اجتماعی و جایگاه بهتری در جامعه خواهند داشت (هیوود و همکاران، ۱۳۸۰، ۹۸).

۵.۴. پویایی جامعه

چنانچه افراد جامعه‌ای بتوانند برنامه‌ریزی دقیق و هدف‌مندی را برای استفاده از اوقات فراغت خویش طراحی نموده و سپس طبق آن عمل کنند، علاوه بر آثار و فوایدی که تاکنون به آنها اشاره شد باعث پویایی و بازدهی بیشتر اجتماعی می‌گردد؛ زیرا همان گونه که پیشتر اشاره شد، هنگامی که افراد جامعه اوقات فراغت سودمند و کارآمدی دارند، هم از جهت جسمی توانمندترند که نتیجه‌اش بازده بیشتر اقتصادی است، و هم از لحاظ روانی صاحب رفتار بهتر و روحیه بالاتری می‌گردند که سبب گسترش موج تعامل و دوستی در جامعه و همچنین طول عمر بیشتر افراد آن جامعه می‌گردد (استوری، ۱۳۸۶، ۱۱۲).

۵. آسیب‌های فراغت غیر فعال

بر اساس مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه علوم اجتماعی در بسیاری از موارد، انحرافات موجود در میان افراد جامعه نتیجه بی‌برنامه بودن و عدم مدیریت اوقات فراغت است. طبق بررسی‌های انجام شده اغلب هیچ انحرافی فارغ از نحوه اشتباه گذران اوقات فراغت نیست. بی‌کاری و نداشتن برنامه برای اوقات فراغت، نداشتن تحرک و فعالیت‌های سالم تأثیر بسزایی در گرایش افراد به رفتارهای ناهنجار دارد. این ناهنجاری‌ها به گونه‌های متفاوتی اقشاری از جامعه را که دارای چنین فراغتی هستند، در بر خواهد گرفت و به طور مشخص روی رفتار و روابط آنان با دیگران تأثیر می‌گذارد. البته شدت انحراف و بروز ناهنجاری با مدت فراغت غیر فعال رابطه‌ای مستقیم دارد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت هر چه مدت زمان فراغت غیر فعال در فرد بیشتر باشد، بروز ناهنجاری و احتمال انحراف در او بیشتر است (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۹، ۴۶). شایان ذکر است که عوامل متعددی در ایجاد آسیب‌های فراغت غیر فعال مؤثرند که به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد.

۱.۵. خانواده

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که در شکل دادن شخصیت، منش، رفتار و دیگر ابعاد انسانی مؤثر است. انسان پس از تولد تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اعضای خانواده خود قرار می‌گیرد، لذا خانواده نخستین جایگاه و عاملی است که در روند رفتار آدمی تأثیرگذار است. آسیب‌هایی که در خانواده می‌تواند به سبب گذران اوقات فراغت غیر فعال آثار سوئی بر شکل‌گیری شخصیت فرد بگذارد و احتمال بروز ناهنجاری از طرف او را افزایش دهد، عبارتند از:

«فقدان والدین» که می‌توان آن را به دو دسته موقت و دائمی تفکیک نمود. حالت اول، هنگامی که هم پدر و هم مادر شاغل بوده و بر سر کار خود حاضر می‌شوند. حالت دوم، در فقدان دائمی، طلاق یا فوت، که باعث از دست دادن

یکی از والدین می‌شود. موضوع «جدازیستی والدین» آثار مخرب‌تری را به همراه دارد. بحران طلاق علاوه بر فراهم نمودن فراغت غیر فعال، باعث به وجود آمدن التهاب، نگرانی و تشویش می‌گردد، که چنین شرایطی احتمال بی‌کفایتی شخصیتی در فرزند را نیز افزایش می‌دهد (فاضلی نیا، ۱۳۸۰، ۶۷).

۲.۵. مدرسه

مدرسه یکی از نهادهای اجتماعی است که بعد از خانواده نقش مهمی در زندگی اجتماعی افراد ایفا می‌کند. میزان موفقیت یا عدم موفقیت در تحصیل، در سازگار شدن با جامعه و دوری دانش‌آموزان از انحرافات رابطه مستقیم دارد. برنامه‌های درسی و فوق برنامه‌های مدارس نیز در علاقه‌مندی یا دل‌زدگی دانش‌آموز از مدرسه بسیار مؤثر است. اهمیت این مسأله زمانی مشخص می‌گردد که بدانیم معمولاً دانش‌آموزان نخستین قدم خویش به سمت آسیب‌های اجتماعی را با فرار از مدرسه برمی‌دارند، زیرا دانش‌آموز پس از حاضر نشدن در کلاس با اوقات فراغت غیر فعال رو به رو می‌شود و همان‌طور که اشاره شد، در چنین حالتی فرد برنامه مشخصی ندارد و چون در فضای جامعه رها و بی‌برنامه است، ممکن است دست به هر عمل شایسته و ناشایسته‌ای بزند و به هر سویی منحرف گردد و علاوه بر آن که خود را در معرض آسیب‌های متعددی قرار داده، می‌تواند سبب بروز مشکلاتی برای جامعه باشد (فاضلی نیا، ۱۳۸۰، ۷۸).

۳.۵. رسانه

رسانه‌های گروهی به عنوان نهادی مؤثر بر شخصیت افراد پس از خانواده و مدرسه، توانسته‌اند در پرکردن اوقات فراغت افراد مقام سوم را از آن خود کنند. شبکه‌های متفاوت تلویزیونی و سایت‌های گوناگون اینترنتی بخشی از رسانه‌های گروهی هستند که بیشترین مخاطب را دارند و سهم دیگر رسانه‌ها مانند روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و غیره در جذب مخاطب کم‌تر است. البته استفاده از

رسانه‌های گروهی به طور کلی نفی نمی‌شود، اما استفاده بدون برنامه و نظارت که تحت عنوان همان فراغت غیر فعال قرار می‌گیرد، اکیداً ممنوع است؛ چرا که تأثیر منفی استفاده از این رسانه‌ها بر استفاده کنندگانی که اوقات فراغت غیر فعال خود را با آنها پر می‌کنند بسیار مخرب است، به خصوص قشر کم سن و سال و جوان، که گرایش آنها به انحراف و ارتکاب اعمال ناهنجار را افزایش می‌دهد. عدم نظارت دقیق بر محتوی و انتقال داده‌های گوناگون خاصه محصولات فرهنگی، اعم از صوتی و تصویری و سینما در کنار نظارت نادرست خانواده‌ها نیز می‌تواند مخاطبین جوان را تحت تأثیر قرار داده و زمینه‌های انحراف و بزهکاری را برای ایشان مهیا سازد (پیرمرادی، ۱۳۸۶، ۷۴).

۴.۵. دوستان

افرادی که فرزندان ما پس از خانواده با آنان انس گرفته و رابطه عاطفی برقرار می‌نمایند بسیار حائز اهمیت هستند. اگر رابطه عاطفی میان اعضای خانواده‌ای مستحکم باشد گرایش فرزندان به سوی دوستان و اوقات غیر فعال کم‌تر است، اما در خانواده‌هایی که این رابطه از قوت لازم برخوردار نیست، گرایش فرزندان به سمت دوستان امری اجتناب‌ناپذیر است. البته منظور از گرایش در این جا احساس نیاز عاطفی شدید فرزند است و گرنه ارتباط با دوستان هم‌سال در حد متعارف و با نظارت والدین، نه تنها نفی نمی‌شود، بلکه امری پسندیده است و به رشد روابط اجتماعی فرزندان کمک می‌نماید. متأسفانه بعضی از خانواده‌ها با غفلت از رابطه عاطفی خود و فرزندان زمینه را برای گرایش عاطفی شدید آنها به دوستان هم‌سال فراهم می‌آورند. وقتی نوجوانی پایگاه عاطفی خود را از منزل به میان هم‌سالان می‌برد، برای پذیرش در گروه آنان، ناچار است علاوه بر گذران اوقات فراغت غیر فعال با آنها، به خواسته‌های ایشان نیز تن دهد و این مسأله بسیار خطرناک است. انتخاب دوستان توسط چنین فردی عموماً به این دلیل است که آنان نیز بسان خودش دارای مشکلات و چالش‌هایی در خانواده هستند و

چون در این نوع دوستی اغلب هیچ نظارتی از سوی والدین صورت نمی‌گیرد، بستر انحراف برای فرزندان آماده است (شهیدی، ۱۳۸۶، ۳۲).

﴿۱۲۱﴾

۵.۵. فرهنگ

فرهنگ جامعه در تغییر و تحول شخصیت افراد تأثیر زیادی داشته و در ایجاد رفتارهای بهنجار و نابهنجار مؤثر است. شرایط پرتنش و نامناسب فرهنگ جامعه به لحاظ نحوه تعامل افراد با یکدیگر، سبب پریشانی و اضطراب فرد شده و مشکلات و تضادهای فکری را در او تشدید می‌نماید و افرادی که در حال گذران اوقات فراغت غیر فعال هستند، بیشتر تحت تأثیر این شرایط آسیب‌زا قرار می‌گیرند. ترویج اعتقادات دینی، اهمیت دادن به نماز و مسجد، برپایی کلاس‌های آموزشی، فوق برنامه‌های علمی و فرهنگی و هنری، شرکت در اردوهای جمعی، انجام فعالیت‌های جسمانی و ورزشی، تشویق جامعه به رعایت اصول اخلاقی و توسعه فرهنگ اجتماعی می‌تواند نقش بسزایی در بهداشت روانی جامعه و روابط افراد با یکدیگر ایفا نماید (فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲، ۲۱).

۶. اهمیت شناخت وقت از دیدگاه اسلام

ارزش‌مندترین سرمایه‌ای که در اختیار هر انسان است، عمر او است؛ لذا انسان باید اهمیت و ارزش عمر خود را دانسته و هیچ‌گاه آن را بیهوده هدر ندهد، چه رسد به آن که عمرش را در معصیت و نافرمانی خداوند صرف نماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرَكُهُ مَا لَا يُعْنِيهِ» (فیض کاشانی، ۱۴۲۸ق، ۱۶۲/۸)؛ از نشانه‌های حُسن اسلام شخص آن است که آنچه را بیهوده است، ترک گوید. این فرمایش حضرت علاوه بر آن که تأکید اسلام بر ترک امور لغو و بیهوده را می‌رساند، نشان از سفارش به انجام اموری است که برای فرد سودمند باشد. لذا

در حوزه اوقات فراغت نیز باید از فراغت غیر فعال اجتناب نموده و به فراغت فعال پرداخت که این مهم، با برنامه‌ریزی دقیق و مناسب امکان‌پذیر است، البته برنامه‌ریزی، نه تنها برای اوقات فراغت، بلکه برای تمام کارهای اصلی و فرعی، امری ضروری است؛ چرا که از اتلاف عمر انسان به میزان قابل توجهی جلوگیری می‌نماید. حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در وصایای خود به ابوذر غفاری می‌فرمایند:

«كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحُ مِنْكَ عَلَى دِينَارِكَ وَ دِرْهِمِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۸/۷۷)؛ ای ابوذر در مورد صرف عمر خود از صرف کردن دینار و درهم سخت‌گیرتر باش.

دلیل چنین توصیه‌ای اولاً به خاطر ارزش و اهمیت نحوه سپری نمودن عمر است و ثانیاً به دلیل آن است که انسان گاه با صرف عمر خویش می‌تواند به مطالبی دست یابد که هرگز با درهم و دینار نمی‌تواند، به ویژه اموری که مربوط به آخرت هستند بیشتر با صرف عمر قابل تحصیلند تا صرف مال، لذا باید دقت و توجه بیشتری در نحوه گذران عمر داشت. درباره اهمیت شناخت اوقات و ارزش عمر، همین بس که مولی علی عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند:

«لَا يَعْرِفُ قَدْرَ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ صِدِّيقٌ» (تمیمی‌الامدی، ۱۳۶۶، ۳۶۵/۲)؛ قدر و ارزش باقی مانده از عمر را نمی‌شناسد، مگر پیامبر یا صدیقی از اولیاء الهی.

بنابر آنچه مطرح شد انسان باید توجه و دقت فراوان داشته باشد که عمر خود را در چه اموری صرف می‌نماید تا ابعاد وجودی‌اش به صورت هماهنگ و متعادل رشد نماید، چرا که افراط یا تفریط در هر یک از ابعاد وجود، او را از مسیر سعادت و فضیلت بازمی‌دارد. برای این منظور انسان باید به سراغ الگوهای برود که دارای علم و حکمت الهی هستند و خداوند نیز آنان را در کتاب خود معرفی نموده است. قرآن کریم در توصیفی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به عنوان الگوی

مسلمانان، چنین می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ
ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب/۲۱)؛ به یقین برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا
الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد و خدا
را بسیار یاد می‌کند.

۷. سیره معصومان علیهم‌السلام

در سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که ایشان بسیار سخت‌کوش و پرکار بودند،
به گونه‌ای که یاران ایشان به حضرت اعتراض می‌کردند. آن حضرت ساعات
زیادی را به عبادت و مناجات با خداوند متعال اختصاص می‌دادند و در این زمینه
خود را بسیار به زحمت می‌انداختند. هنگامی که یکی از اصحاب به ایشان
اعتراض کرد، حضرت به او فرمودند:

«أفلا أكون عبداً شكوراً» (گرجی، ۱۳۸۴، ۸۱)؛ آیا بنده‌ای شکرگزار نباشم؟.

در روایت دیگری که از امام حسین علیه‌السلام نقل شده آمده است:

«سألت أبا عبد الله عليه السلام عن مدخل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فقال: كان دخوله لنفسه مأذوناً له
في ذلك، فإذا أوى إلى منزله جزأً دخوله ثلاثة أجزاء: جزءاً لله، و جزءاً لأهله، و
جزءاً لنفسه، ثم جزأً جزءاً بينه وبين الناس فيرد ذلك بالخاصة على العامة، و لا
يدخر عنهم منه شيئاً، و كان من سيرته في جزء الأمة، إيثار أهل الفضل بإذنه، و
قسمة على قدر فضلهم في الدين، فمنهم ذو الحاجة، و منهم ذو الحاجتين، و منهم
ذو الحوائج» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۸/۷۷)؛ از پدرم علیه‌السلام در مورد امور داخلی
زندگانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدم، فرمود: هر گاه اراده می‌کرد به خانه می‌رفت و چون
وارد منزل می‌شد، اوقات خود را به سه بخش تقسیم می‌کرد: بخشی را به
[عبادت] خدا اختصاص می‌داد و بخشی را به خانواده‌اش و بخشی را به خودش،
وقت مخصوص به خودش را نیز میان خود و مردم تقسیم می‌فرمود و خواص را

می‌پذیرفت و مسائل و موضوعات را از طریق آنان به عموم مردم ارجاع می‌داد و چیزی از ایشان مضایقه نمی‌کرد و روش آن بزرگوار، در این زمان اختصاص یافته به امت، این بود که در پذیرفتن به حضور و اختصاص دادن مقدار زمان ملاقات به افراد، اهل فضل را، به نسبت فضل و مقامی که در دین داشتند، بر دیگری مقدم می‌داشت. برخی از آنان یک حاجت داشتند، برخی دو تا و برخی چندین حاجت.

۸. راه‌کارهای بهره‌برداری صحیح از اوقات شبانه‌روز

احادیثی که در رابطه با استفاده صحیح از اوقات شبانه‌روز وارد شده تقریباً یکسانند و تنها در موارد اندکی با یکدیگر متفاوتند که با توجه به فضای نقل حدیث و شرایط ثبت و ضبط آن، امری کاملاً بدیهی است. آنچه مهم است بهره‌گیری از تمام موارد مطرح شده در کلام معصومان علیهم‌السلام است که هر یک رمزی از رموز موفقیت در دنیا و آخرت است؛ چرا که آنان همان کشتی‌های نجات این امتند. اکنون، راه‌کارهایی که از موارد اشاره شده در کلام آن بزرگواران است، جهت بهره‌برداری هر چه صحیح‌تر از اوقات شبانه‌روز ارائه می‌گردد.

۱.۸. زمان‌بندی اوقات

در فرهنگ اسلامی، انسان باید وقت‌شناس باشد، زمان مناسب برای هر کار را تشخیص دهد و در حوزه‌های مختلف علاوه بر عمل به وظایف خویش، زمان‌بندی اوقات خود را مد نظر داشته باشد. کار و تلاش به هنگام، عبادت و ارتباطش با خداوند سروقت و نیز ساعاتی را به ارتباط با ارحام و مراوده با هم‌کیشان خود اختصاص دهد و در جمع آنان حاضر شود، نه آن که کار، او را از یاد خداوند یا حضور در اجتماع مسلمانان بازدارد. به عنوان نمونه، قرآن کریم در اشاره به کسب و کار در روز جمعه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (جمعه/۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که ندای نماز جمعه را شنیدید، به سوی ذکر خدا بشتابید و فروختن را رها کنید که برای شما بهتر است اگر بدانید.

داشتن برنامه‌ای شامل خلوت و مناجات با خداوند متعال، تفریح و استراحت، کار و تلاش برای اصلاح معاش که در روایات دیگر، نشانهٔ مروت و مردانگی انسان مؤمن به شمار آمده‌است و به طور کلی برنامه‌ای که در برآوردن نیازهای روحی و جسمی اعتدال داشته باشد، از ویژگی‌های سفارشات معصومان علیهم‌السلام است. به عنوان نمونه، مولی‌الموحدین علی بن ابی طالب علیه‌السلام فرموده‌اند:

«للمؤمن ثلاث ساعات؛ فساعةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ؛ و ساعةٌ يَرُمُّ مَعَاشَهُ؛ و ساعةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ و بَيْنَ لَذَّتْهَا فِيمَا يَحِلُّ و يَجْمَلُ» (شریف رضی، ۱۳۹۰، ۷۲۴)؛

مؤمن وقت و ساعات خود را به سه قسمت تقسیم می‌کند؛ وقتی که در آن با پروردگارش راز و نیاز می‌نماید، وقتی که در آن معاش خود را اصلاح می‌کند و وقتی که در آن به لذت نفسش از آنچه حلال و نیکو است می‌پردازد.

۲.۸. اولویت‌گذاری اوقات

از اموری که در مدیریت زمان و بهره‌وری صحیح از آن، مورد توجه معصومان علیهم‌السلام قرار داشته است و سبب جلوگیری از اتلاف وقت می‌گردد، رعایت اولویت‌ها و مقدم داشتن امور ضروری زندگی بر اموری است که از اهمیت کم‌تری در حیات و سعادت انسان برخوردار هستند. در روایات اسلامی به این نکته اشاره شده است؛ امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«مَنْ اشْتَغَلَ بِالْفُضُولِ، فَاتَهُ مِنْ مِهْمَةٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۶۶۹/۲)؛ هر کس خود را به کارهای اضافی زندگی مشغول سازد، آنچه مهم است، از دستش برود. پس اشتغال به امور فرعی زندگی، در صورتی که انسان را از کارهای

ضروری، که شخصیت و رشد و تعالی وی به آنها بستگی دارد باز دارد، برای او سودی در پی نخواهد داشت. در روایت دیگری از حضرت آمده است:

«مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ ضَيَّعَ الْأَهْمَّ» (همان، ۶۶۷/۲)؛ هر کس به کارهای غیر مهم بپردازد، از کارهای مهم تر بازمی ماند.

بنابراین ابتدا باید به کارهای مهم تر و اصلی پرداخت. در تعالیم اسلامی پس از عمل به دستورات شرع مقدس، علم همراه با حلم، زیباترین زیوری است که جوانان مسلمان می توانند با آن، خود را بیارایند و اوقات خود را پربار و غنی سازند. این که علم چیست و متعلق آن، چه موضوعاتی است و کم و کیف آن چگونه است، بحث جداگانه ای است که مجال دیگری می طلبد. آنچه مهم است این که در نظر معصومان علیهم السلام گذراندن اوقات در اموری که هیچ نوع تعلیم و تعلمی در آن مطرح نیست تفریط، کم کاری و کوتاهی شمرده شده و ضایع کردن عمر به حساب آمده و بالتبع معصیت است و مستوجب عقاب الهی. مسلمان یا باید عالم باشد و بیاموزد و یا متعلم و آموزنده باشد.

این روایت از امام صادق علیه السلام است که فرموده اند:

«لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالِنِ أَمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا، فَن لَمْ يَفْعَلْ، فَرَطٌ، فَإِنْ فَرَطَ ضَيَّعَ، فَإِنْ ضَيَّعَ أَثِمَّ وَإِنْ أَثِمَّ سَكَنَ النَّارَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱/۱۷۰)؛ دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر این که صبح کند در دو حالت: یا عالم و دانشمند باشد و یا متعلم و آموزنده؛ پس اگر در هیچ کدام از این دو حال نبود، کم کاری و کوتاهی کرده و در آن صورت عمر خود را ضایع نموده و وقتی عمر خود را ضایع کرده باشد گناهکار است و نتیجه آن عذاب الهی خواهد بود.

۳.۸. پرهیز از سستی و تنبلی

همان گونه که کار و تلاش، نردبان پیش روی انسان به سوی قلعه سرافرازی و

نیک‌بختی است، سستی و تنبلی و بی‌حرکی، استعداد‌های نهفته در نهاد انسان را به ضعف و نابودی می‌کشاند و حتی وی را از طی نمودن مسیر حق و حقیقت خارج می‌نماید. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

«يا على ... إِيَّاكَ وَ خَصَلْتَيْنِ: الضَّجْرَةُ وَ الكَسْلُ؛ فَإِنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ، وَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۷/۷۷)؛ ای علی! ... از دو خصلت پرهیز: بی‌حوصلگی و تنبلی؛ زیرا اگر بی‌حوصله باشی، بر حق شکیبایی نکنی و اگر تنبل باشی، حقی را ادا نکنی.

تنبلی و کاهلی، دین و دنیای آدمی را نیز به خطر می‌اندازد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به یکی از فرزندان خود فرمودند:

«إِيَّاكَ وَ الكَسْلَ وَ الضَّجْرَ؛ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ» (کلینی، ۱۳۷۵، ۸۵/۵)؛ از تنبلی و بی‌حوصلگی پرهیز؛ زیرا که این دو خصلت، تو را از بهره دنیا و آخرت بازمی‌دارند.

افراد تنبل و بی‌اراده، بیشتر کارها را بی‌سبب به تأخیر می‌اندازند و بر انجام دادن آن در زمان معین، سستی می‌ورزند. در نتیجه، فرصت‌ها را از دست می‌دهند و بر تباهی عمر خویش افسوس می‌خورند. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در فرمایشی به این نکته اشاره نموده و فرموده‌اند:

«إِيَّاكَ وَ التَّوَانِيَ فِيمَا لَا عُذْرَ لَكَ فِيهِ، فَإِلَيْهِ يَلْجَأُ النَّادِمُونَ» (ابن شعبه، ۱۳۸۰، ۲۸۵)؛ از سستی کردن در آنچه که تو را در آن عذری نیست پرهیز؛ زیرا که پشیمانان به این خصلت پناه می‌برند.

اما به هر حال متأسفانه عده‌ای از افراد جامعه به این سستی و کاهلی خو گرفته‌اند و نتوانسته‌اند این عادت مهلک را رها کنند. با نظر در کلام معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام به دو توصیه ارزش‌مند برای چنین افرادی برمی‌خوریم. توصیه اول درخواست از خداوند و طلب استمداد از درگاه الهی است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دعایی از خداوند چنین یاری می‌طلبند:

«اللَّهُمَّ اٰمِنْ عَلَيْنَا بِالنَّشَاطِ وَأَعِزَّنَا مِنَ الْفَشْلِ وَالْكَسَلِ وَالْعَجْزِ وَالْعِلَلِ وَالضَّرْرِ وَالضَّجْرِ وَالْمَلَلِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۲۵/۹۴)؛ خدایا! نعمت نشاط و سرزندگی را به ما ارزانی دار و ما را از سستی، تبلی، ناتوانی، مریضی، زیان و دلتنگی و ملال خاطر محفوظ بدار.

توصیه دوم، گرفتن تصمیم قطعی و جزم نمودن عزم برای مبارزه با تبلی است. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

«ضَادُّوا التَّوَانِي بِالْعَزْمِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۲۳۳/۴)؛ با عزم و اراده، به جنگ سستی بروید.

برگزیدگان الهی علیهم السلام در فرمایشات گهربارشان از طرفی به پرهیز از سستی و کاهلی، و از طرف دیگر به تلاش برای معاش و همت برای ذخیره توشه آخرت توصیه نموده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«مَا أَكَلَ الْعَبْدُ طَعَامًا أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ كَدِّ يَدِهِ، وَ مَنْ بَاتَ كَالَأَنَّ مِنْ عَمَلِهِ بَاتَ مَغْفُورًا لَهُ» (متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ۹/۴)؛ بنده، هیچ غذایی نخورد که نزد خداوند متعال محبوب‌تر از دسترنج خودش باشد، هر که شب را با تنی خسته از کار بخوابد، آمرزیده شود.

آن حضرت دربارهٔ اهتمام به امر آخرت نیز این‌گونه فرموده‌اند:

«مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ، وَ جَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ، وَ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِزْقَهُ؛ وَ مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَ شَتَّتَ عَلَيْهِ أَمْرَهُ، وَ لَمْ يَنْلُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُسِمَ لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۵۱/۷۷)؛ هر آن کس که در شب و روز، بزرگ‌ترین همش آخرت باشد، خداوند بی‌نیازی را در دل او جای می‌دهد و کارش را سامان می‌بخشد و از دنیا نمی‌رود مگر وقتی که روزی‌اش را کامل دریافت کرده باشد؛ و هر آن کس که شب و روز، بزرگ‌ترین همش دنیا باشد، خداوند فقر را

در بین دو چشم او قرار می‌دهد (همیشه چشمش گرسنه دنیا است) و کارش را پریشان می‌سازد و از دنیا به چیزی بیش از قسمت خود نمی‌رسد.

﴿۱۲۹﴾

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره کوشش نمودن برای آخرت می‌فرماید:

«اجْعَلُوا - عِبَادَ اللَّهِ - اجْتِهَادَكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا التَّزَوُّدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الآخِرَةِ الطَّوِيلِ؛ فَإِنَّهَا دَارُ عَمَلٍ، وَ الآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَ الْجَزَاءِ» (محمّدی ری شهری، ۵/۵۹)؛ بندگان خدا! بکوشید تا از چند روزه دنیا برای آخرت که دوره اش دراز و طولانی است، توشه بگیرید؛ چرا که دنیا سرای عمل است و آخرت سرای بقا و جزا.

۴.۸. ضرورت استفاده از اوقات فراغت

علاوه بر آنچه در قسمت‌های قبلی راجع به اهمیت برخورداری از اوقات فراغت ذکر شد، در روایات فراوانی بر لزوم اختصاص زمانی برای تفریح و لذت نفس تأکید شده است که امروزه آن زمان را با همان اوقات فراغت تطبیق می‌دهند. این تأکید تا حدی است که بعضی از روایات، انجام با نشاط برنامه‌های رسمی و اصلی فرد را در زمینه‌های مختلف وابسته به بهره‌بردن از اوقات فراغت می‌دانند.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«كَانَ فِيهَا [أَي فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام]: عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا عَلَى عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ: سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ نَفْسَهُ، وَ سَاعَةٌ يُتَفَكَّرُ فِيهَا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ، وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحِطِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ؛ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِنَتِكَ السَّاعَاتِ وَ اسْتِجْمَامٌ لِلْقُلُوبِ وَ تَوْزِيعٌ لَهَا» (صدوق، ۱۳۸۵، ۴۲۵)؛ در صحف ابراهیم علیه السلام آمده است: خردمند، مادام که خردش از او گرفته نشده، باید ساعاتی را برای خود در نظر گیرد؛ زمانی برای مناجات با پروردگارش عز و جل، و زمانی برای محاسبه نفس، و زمانی برای اندیشیدن در آنچه که خداوند عز و جل به وی ارزانی داشته است و زمانی برای

کامجویی خود از راه حلال؛ زیرا این زمان کمکی است برای آن زمان‌های دیگر و مایهٔ آسودگی و رفع خستگی دل‌هاست.

امام موسی کاظم علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ، سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ، وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ، وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عِيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ، وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ بِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدُرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰، ۴۰۹)؛ سعی کنید اوقات خود را به چهار بخش تقسیم کنید، ساعتی را برای مناجات و ارتباط با معبود قرار دهید، ساعتی را برای امرار معاش و کسب روزی اختصاص دهید و ساعتی را برای ارتباط و معاشرت با برادران و افراد مورد اعتماد و وثوق خود صرف کنید [یعنی کسانی که کژی‌ها و عیوبتان را به شما تذکر می‌دهند و در باطن به شما علاقه‌مند هستند] و ساعتی را نیز برای لذت بردن از امور حلال و غیر حرام خالی نگه دارید [گذران اوقات فراغت]. در پرتو وجود بخش چهارم از اوقات است که می‌توانید از دیگر بخش‌های سه‌گانه زندگی بهرهٔ لازم را ببرید.

۵.۸. وقت و نیت فراموش شده

اکثر افراد در برنامه‌های روزانهٔ خود بخش‌های مطرح شده در قسمت‌های قبل را با نسبت‌های زمانی متفاوتی داشته و به آنها می‌پردازند. بررسی وضعیت مالی نیز در برنامه‌های روزانه، هفتگی یا ماهانهٔ بسیاری از اشخاص جای داشته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما متأسفانه در اغلب برنامه‌ریزی‌ها زمانی برای بررسی وضعیت روحی افراد یافت نمی‌شود، با آن که در روایات برگزیدگان الهی علیهم السلام در کنار ساعت مناجات با خداوند و ساعت کار و استراحت، ساعتی برای محاسبه و حسابرسی نفس مطرح شده است. اختصاص دادن ساعتی از اوقات به امر محاسبهٔ نفس، در کلام مولی علی علیه السلام از شایسته‌ترین و ضروری‌ترین ساعات

شمرده شده که انسان به بررسی آنچه برای دنیا و آخرتش ذخیره کرده است، پردازد و از خویشتن حساب بکشد. آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمایند:

«مَا أَحَقَّ الْإِنْسَانَ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ لَا يَشْغُلُهُ عَنْهَا شَاغِلٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ فَيَنْظُرُ فِيمَا اِكْتَسَبَ لَهَا وَ عَلَيْهَا فِي لَيْلِهَا وَ نَهَارِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۷۵۳/۲)؛ چقدر برای انسان شایسته است که برایش ساعتی باشد که در آن از خودش حساب بکشد و ببیند آنچه را که در شب و روزش کسب کرده، به سود یا به زیان او است.

در روایت دیگری که حضرت به تقسیم اوقات اشاره دارند، ساعت حسابرسی نفس را در کنار ساعت مناجات با خداوند و ساعات مخصوص لذت‌های حلال، ذکر فرموده‌اند:

«لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ، سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَذَّتْهَا فِيهَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ» (همان، ۵۸۵/۴)؛ برای مؤمن سه ساعت است: ساعتی که در آن با خدایش مناجات می کند، ساعتی که در آن از خودش حسابرسی می کند و ساعتی که برای لذت خلوت می کند در آنچه برایش حلال و نیکو است.

اگر هنگام انجام هر کدام از کارهای روزانه از ما بپرسند که این عمل را با چه هدف و نیتی انجام می دهیم، به طور عموم اهداف خصوصی و نیت‌های شخصی بیان می شود، حال آن که وظیفه، داشتن هدف و نیتی خاص است که فراموش شده است. مروری مختصر و کوتاه بر روایات معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نشان می دهد که آن بزرگواران در کنار تأکید بر داشتن برنامه‌ای برای بررسی وضعیت نفس، در کلام گهربارشان قیدی را برای گذران عمر به نحو صحیح مطرح نموده‌اند و آن داشتن نیت الهی برای انجام اعمال است که فرد را به سمت اطاعت و پیروی از فرمان‌های خداوند متعال رهنمون می سازد. آنان خود را از هر نوع مشغولیتی، چه در کارهای رسمی و چه در اوقات فراغت که مزین به قصد طاعت و نیت‌های

الهی نباشد، پرهیز می‌دهند. زینت عابدان، امام سجاد علیه السلام در بسیاری از نیایش‌های خویش به این نکته اشاره دارند. حضرت در فرازی از دعاهاى صحیفه سجادیه می‌فرماید:

«و استعمل بدنی فیما تقبله منی و اشغل بطاعتک نفسی عن کل ما یرد علیّ حتّی لأحبّ شیئاً من سُخطک و لاسخط شیئاً من رضاک» (امام سجاد، ۱۳۷۹، ۱۲۴)؛ و بدنم را در آنچه از من می‌پذیری، به کار وادار و مرا از هر چه به من رو آورد، به طاعت و بندگی ات وادار تا چیزی که تو را به خشم می‌آورد، دوست نداشته باشم و چیزی را که از آن خشنودی، ناپسند ندارم.

۹. شناخت جنبه‌های فراغت فعال

فراغت فعال دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است و برای دست یافتن به سبک زندگی اسلامی باید به هر دو جنبه پرداخت. آنچه تاکنون مطرح شد مطالبی مربوط به جنبه فردی فراغت فعال بود، اما آنچه در این بخش مورد نظر است جنبه اجتماعی آن است. برنامه‌ریزی برای جنبه اجتماعی فراغت فعال به دلیل بالابودن تعداد شرکت‌کنندگان در این برنامه‌ها و طرح‌ها، از اهمیت بیشتری برخوردار است و توجه بیشتر مسؤولان را می‌طلبد. اما در مورد برنامه‌ریزی برای توسعه جنبه اجتماعی فراغت فعال طرح‌ها و برنامه‌های گوناگونی را می‌توان پیشنهاد نمود که به مواردی اشاره می‌گردد:

۱.۹. برگزاری طرح‌های فرهنگی، علمی، هنری و ورزشی

- اردوهای تفریحی در مکان‌های سیاحتی؛
- اردوهای زیارتی مشهد، قم، امامزاده‌ها و راهیان نور؛
- اردوهای آشنایی با شغل‌ها و حرفه‌های رایج در جامعه؛
- اردوهای علمی و اکتشافی در بوستان‌های علم و فناوری؛
- اردوهای بازدید از موزه‌ها، کارگاه‌های تولیدی و کارخانجات صنعتی؛

— مسابقات درسی فصلی، در دروس مختلف برای ایجاد رقابت میان دانش‌آموزان؛

— مسابقات کتابخوانی غیر درسی، به جهت ترویج فرهنگ خواندن کتاب و نشریات؛

— مسابقات اذان، قرائت و حفظ قرآن، برای توسعه فرهنگ قرآن و افزایش قاریان و حافظان قرآن کریم؛

— مسابقات هنری در زمینه‌های گوناگون خطاطی، خیاطی، نقاشی، شعر و شاعری، عکاسی و صنایع دستی؛

— مسابقات رشته‌های مختلف ورزشی، استعدادیابی در رشته‌های گوناگون و کشف نخبگان در هر رشته ورزشی؛

— مسابقات همگانی پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، در جهت تشویق عموم جامعه به ورزش و حرکت و دوری از کم‌تحركی.

۲.۹. برگزاری دوره‌های تربیتی و آموزشی

متأسفانه این دوره‌ها در هیچ مقطعی از دوران تحصیل آموزش داده نمی‌شوند که جای افسوس فراوان و بازنگری اساسی در مورد مفاد کتب درسی مرتبط و یا تألیف کتب جدید دارد.

دوره رفتار با همسر: شامل شناخت حقوق واجب و مستحب زن و شوهر نسبت به یکدیگر است.

دوره رفتار با کودک: اکثر والدین جوان به شدت به آن نیازمندند و هرگز در مورد آن آموزش ندیده‌اند.

دوره رفتار با نوجوان: عده زیادی از والدین در نحوه تربیت نوجوان خود و نیازهای وی آگاهی کافی ندارند.

دوره اخلاق و ادب برای فرزندان: این دوره برای فرزندان برگزار می‌شود تا آنها نحوه رفتار صحیح و مؤدبانه را با پدر و مادر، اقوام و ارحام، معلم‌ها،

همسایه‌ها و حقوقی که هر یک از ایشان بر آنها دارند را فراگرفته و رعایت نمایند.

دوره احکام برای فرزندان: کمبود چنین درسی در مدارس به خوبی حس می‌شود؛ چرا که بعضی از فرزندان هرگز در دوران تحصیل ورقی از توضیح المسائل را نخوانده‌اند و نمی‌خوانند. آیا انتظار مسؤولان آن است که چنین افرادی پس از فراغت از تحصیل به سراغ احکام و کتب آن بروند!

۱۰. نتیجه‌گیری

همان طور که در توصیه‌های معصومان علیهم‌السلام ملاحظه شد، اصلی‌ترین راه کار استفاده صحیح از اوقات شبانه‌روز، زمان‌بندی مناسب اوقات و برنامه‌ریزی جهت انجام کارهاست. همچنین اولویت‌گذاری در انجام برنامه‌ها، پرهیز از پرداختن به امور غیرضروری و بیهوده، دوری از سستی و تنبلی، تلاش برای معاش و اهتمام به امر آخرت، از دیگر نصایح ایشان است. در کلام آن بزرگواران اختصاص دادن زمانی برای لذت نفس نیز مورد تأکید بوده، که می‌تواند به معنای وقتی برای تجدید قوا، تفریح، ورزش، اشتغال به کارهای مورد علاقه غیررسمی و در یک کلام همان فراغت فعال باشد. چنانچه آگاهی افراد جامعه نسبت به ضرورت برخورداری از اوقات فراغت و شناخت انواع آن افزایش یابد، باعث فاصله گرفتن آنها از فراغت‌های غیرفعال، مصون ماندن از آسیب‌های آن و روی آوردن به فراغت‌های فعال می‌گردد.

جنبه فردی به وسیله برنامه‌ریزی شخصی تحقق یافته و در کنار اوقاتی برای مناجات با خداوند، کار و معاش، دیدار ارحام و شرکت در گروه‌های مردمی قرار می‌گیرد. البته در این میان نباید از اختصاص وقتی برای محاسبه نفس و داشتن نیتی الهی در انجام تمام کارهای رسمی و غیررسمی غفلت نمود.

جنبه اجتماعی فراغت فعال توسط مسؤولان و متصدیان امور اجتماعی طراحی و برنامه‌ریزی می‌شود و شامل مواردی همچون اجرای طرح‌های گوناگون

فرهنگی، علمی، هنری و ورزشی، برپایی انواع دوره‌های تربیتی و کلاس‌های آموزشی در مؤسسات، بوستان‌ها، فرهنگ‌سراها و مساجد می‌گردد که در بخش قبلی به تفصیل بیان گشت. لازم به تذکر است که اجرا و برگزاری هر کدام از دوره‌های تربیتی مطرح شده، به تنهایی می‌تواند مشکلات فراوانی را از جامعه بزدايد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم (۱۳۷۴)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم.
- ۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *خصال*، ترجمه محمد باقر کوه‌کمره‌ای، تهران، انتشارات کتابچی، چاپ یازدهم.
- ۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۰)، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه بهراد جعفری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳. استوری، جان (۱۳۸۶)، *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*، ترجمه حسین پاینده، تهران، نشر آگه.
- ۴. پیرمرادی، محمد (۱۳۸۶)، *میانی و اصول تعلیم و تربیت*، تهران، انتشارات نسل نواندیش.
- ۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۶. تور کیلیدن، جرج (۱۳۸۲)، *اوقات فراغت و نیازهای مردم*، ترجمه عباس اردکانیان، تهران، انتشارات نوربخش.
- ۷. رفعت جاه، مریم (۱۳۸۶)، «قدرت، جنسیت و فراغت»، همایش معماری کلان اوقات فراغت، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- ۸. زین العابدین، علی بن الحسین (۱۳۷۹)، *صحیفه سجادیه*، ترجمه حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، چاپ دهم.
- ۹. ستوده، هدایت (۱۳۸۳)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ یازدهم.
- ۱۰. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۹۰)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، چاپ دوازدهم.
- ۱۱. شهیدی، مریم (۱۳۸۶)، «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر در آسیب‌های فراغتی»، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۱۲. صادق پور، بهرام و همکاران (۱۳۸۲)، *بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان*، تهران، انتشارات اهل قلم.

۱۳. فاضلی نیا، فرزانه (۱۳۸۰)، «نقش خانواده و مدرسه در آسیب‌زایی اجتماعی»، دانشگاه الزهراء، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۱۴. فکوهی، ناصر و انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۲)، «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی انسان‌شناسی، دوره اول، شماره چهارم، پاییز و زمستان.
۱۵. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۲۸)، *محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۲)، *اصول کافی*، ترجمه حسین استادولی، تهران، انتشارات دارالتقلین، چاپ سوم.
۱۷. گرجی، مهدی (۱۳۸۴)، *اوقات فراغت در اسلام*، اصفهان، پیام عترت، چاپ اول.
۱۸. متقی هندی، علاء‌الدین (۱۴۰۵ق)، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷)، *میزان الحکمه*، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، انتشارات دارالحديث.
۲۱. معین، محمد (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، نشر کتاب آراد، چاپ اول.
۲۲. نوایی نژاد، شکوه (۱۳۷۹)، *رفتارهای بهنجار و ناهنجار نوجوانان و راه‌های پیش‌گیری و درمان*، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۲۳. وبلن، تورستاین (۱۳۸۳)، *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۲۴. هیوود، لس و همکاران (۱۳۸۰)، *اوقات فراغت*، ترجمه محمد احسانی، تهران، نشر امید دانش.

اعجاز علمی قرآن در ارتباط با حرمت شراب خواری*

□ حسین اسماعیلی^۱

چکیده

موضوع این مقاله، تحقیق دربارهٔ اعجاز علمی قرآن در ارتباط با حرمت شراب خواری می‌باشد. ابتدا خمر معنا شده سپس به مراحل حرمت شراب پرداخته شده است. با توجه به این که شراب خواری در دوران جاهلیت رواج فراوان داشته است، حرمت آن به تدریج و مرحله به مرحله بیان شده است. همچنین به حکمت‌ها و اسرار علمی حرمت آن و آثار شراب خواری در روایات و از نظر علوم پزشکی اشاره شده است. در پایان نتیجه‌گیری شده جلوگیری از نوشیدن شراب و حکم به پلید بودن آن یکی از معجزات علمی قرآن کریم است.

واژگان کلیدی: شراب، شراب خواری، خمر، سُکر، الکَل.

مقدمه

قرآن کریم معجزه‌ای بسیار بزرگ است. در زمانی نازل شد که فصاحت و بلاغت در عصر عرب به اوج خود رسیده بود. با نازل شدن آیات آهنگین و

متوازن قرآن کریم همگان را به تعجب واداشت. مردمان آن زمان را به تحدی و آوردن آیاتی مانند آن دعوت کرد، ولی مردمان آن زمان از آوردن یک آیه مثل آن عاجز ماندند. قرآن کریم از ابعاد مختلفی دارای اعجاز می‌باشد. از بعد تاریخی با دادن خبرهایی از امت‌های گذشته و تاریخ گذشتگان؛ از بعد لفظی و معنایی مانند ایجاز، فصاحت، بلاغت؛ از بعد خبردادن از غیب و از بعد علمی، همه این‌ها به نحوی معجزات قرآن محسوب می‌شود. از جمله حرام دانستن شراب و می‌گساری است که در چند آیه در این موضوع بحث شده است. امروزه با پیشرفت علم بعضی از ضررهای جسمی و روحی آن مشخص شده است و حکمت حرمت آن پدیدار گردیده است.

لغوی معروف، راغب، در کتاب *مفردات*، خمر را این چنین معنا کرده است: اصل خمر پوشیدن چیزی را گویند و گفته شده است به چیزی که به وسیله آن خود را می‌پوشانند *خِمار*؛ ولی در عرف *خِمار* اسم قرار داده شده به چیزی که زن سرش را به وسیله آن می‌پوشاند. سپس ادامه می‌دهد به آن خامره می‌گویند، چون پوشاننده عقل است و نزد بعضی از مردم اسم است برای هر مست کننده‌ای و نزد بعضی دیگر اسم است برای هر چیزی که از انگور و خرما می‌گیرند، چون روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: خمر از این دو درخت است؛ خرما و انگور (راغب، ۱۳۹۲ق، ۱۶۰).

المنجد هم خمر را این چنین معنا کرده است: *خَمْرَةٌ* یعنی پوشاند او را، نسبت به شهادت دادن یعنی کتمان شهادت کرد. *خَمَّرَ* وجهه یعنی صورتش را پوشاند و *اختمرت المرأة* یعنی زن پوشاند خودش را (معلوف لویس، ۱۹۶۹، ۱۹۴).

ممنوعیت نوشیدن شراب (خمر)

خمر چیست؟ خمر به معنای پوشش است و هر چیزی که چیز دیگر را بپوشاند و مخفی کند «خمار» گویند، ولی در اصطلاح شریعت به هر مایع مسکر (مست

کننده) خمر گفته می‌شود؛ خواه از انگور گرفته شده باشد یا از کشمش و خرما باشد و هر نوع مشروب الکلی را شامل می‌شود.

﴿۱۳۹﴾

استعمال واژه خمر برای مایعات مسکر به علت تناسبی است که بین معنی لغوی آن (پوشیدن) با این معنا وجود دارد، زیرا این مایعات به جهت مستی که ایجاد می‌کنند، روی عقل پرده‌ای می‌افکنند و نمی‌گذارند بد را از خوب و زشت را از زیبا تمیز دهد (مکارم ۱۳۷۳، ۷۳/۲). مشروبات مست کننده محتوی مواد شیمیایی بسیاری هستند، ولی آنچه بیشتر مورد نظر ماست الکل اتیلیک (Athyl Alcohol) با فرمول (OH₂CH₃CH) است که در حقیقت ماده اصلی خمر بوده و سبب تمام زیان‌های ناشی از مصرف انواع آن است. این ماده از تخمیر قند انگور به وجود می‌آید (اهتمام، ۱۳۴۴، ۱۵۱).

مراحل برخورد قرآن با شراب‌خواری

خداوند در قرآن کریم در چهار مرحله با مسئله شراب برخورد می‌کند که بسیار آموزنده است:

در مرحله اول می‌فرماید: ﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا﴾ (نحل/۶۷)؛ و از میوه‌های درختان خرما و انگور مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرند.

کلمه «سکر» در لغت به چند معنا آمده است: شراب مست کننده، طعم طعام، سکون و... (طبرسی، ۱۳۹۵ق، ۳/۳۷۰). اصل این کلمه به معنای سد مجرای آب است و مستی را سکر گویند، چون راه معرفت را می‌بندد (همان، ۵۰/۲). برخی از مفسران کلمه «سکر» را در این آیه به معنای مسکرات (امثال شراب مست کننده) گرفته‌اند، بنابراین آیه فوق اشاره به نامطلوب بودن و تحریم شراب دارد (مکارم، ۱۳۷۳، ۲۹۰/۱۱) و برخی دیگر از مفسران آن را به معنای شیرۀ خرما و شیرۀ انگور گرفته‌اند (طیب، ۱۵۱/۸).

بنابراین در این مرحله بر استفاده‌های سالم و حلال از میوه انگور و خرما تأکید می‌شود و راه استفاده صحیح نشان داده می‌شود. این اولین مرحله در تربیت صحیح افراد و راه جلوگیری از عادات زشت است.

در مرحله دوم می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمْ آكُفْرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ (بقره/۲۱۹)؛ درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: در آنها گناه بزرگی است و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارند، (ولی) گناه آنها از نفع آنها بیشتر است.
در این مرحله چند نکته قابل توجه است:

اول: بعضی از مسلمانان توجه به شراب و قمار داشته و از احکام آن سؤال می‌کردند و آیه در پاسخ پرسش‌های آنان نازل شده است.

دوم: قرآن کریم هنگامی که می‌خواهد شراب را حرام کند با نرمی و لطافت برخورد می‌کند و به طور تلویحی متذکر می‌شود که شراب‌خواری گناه است. سوم: روش تربیتی قرآن بسیار جالب است چون در برخورد با دو پدیده زشت، یعنی شراب‌خواری و قماربازی از همان ابتدا برخورد تند و سخت نمی‌کند، بلکه با انصاف می‌فرماید این‌ها منافی (مادی و زودگذر و شخصی مثل حالت برد در قمار و یا حالت فراموشی غم‌های زندگی در مستی و مالیات شراب برای دولت‌ها) دارد، اما ضررهای (روحی و بهداشتی و اجتماعی) آن زیادتر است.

«اثم» به آن حالتی گفته می‌شود که در روح و عقل انسان به وجود می‌آید و او را از رسیدن به نیکی‌ها و کمالات بازمی‌دارد (مکارم، ۱۳۷۳، ۷۴/۲).

پس معنای آیه چنین می‌شود که شراب و قمار ضررهای بسیار گرانی به جان و جسم انسان وارد می‌کند؛ چرا که مانع رسیدن به کمال و نیکی‌هاست. این برخورد جالب قرآن با پدیده شراب‌خواری باعث شد که بسیاری از مسلمانان این عادت زشت را ترک کردند.

در مرحله سوم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ (نساء/۴۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حالی که مست هستید به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید.

در تفسیر این آیه چند دیدگاه در بین مفسران قرآن وجود دارد.

الف - مراد از این آیه آن است که مسلمانان با حالت مستی که بعد از خوردن شراب حاصل می‌شود وارد نماز نشوند و این امر دو فایده مهم در بر دارد: نخست این که مناجات با خدا مستلزم فهم و درک مطلب است و اگر کسی با حالت مستی در برابر حضرت حق قرار گیرد، علاوه بر آن که نوعی بی‌ادبی است از نماز نیز بهره‌ای نمی‌برد. دوم آن که با توجه به نزدیک بودن اوقات پنج‌گانه نماز واجب (به ویژه در صدر اسلام) کسی در عمل نمی‌توانست به شراب‌خواری روی آورد، چون اگر صبح یا عصر نماز می‌خواند اثرات آن تا موقع نماز باقی می‌ماند و این مطلب نوعی مبارزه با شراب‌خواری در جامعه بود. و در حقیقت ممنوعیت موقت شراب‌خواری در زمان‌های خاص بود، که مردم را آماده می‌کرد تا شراب را به صورت کلی بر آنان حرام کند (مکارم، ۱۳۷۳، ۳/۳۹۵).

ب - برخی از مفسران شیعه و اهل سنت بر آنند که مراد از مستی (سکر) در آیه فوق، مستی خواب است، پس معنای آیه این می‌شود که با حالت خواب آلودگی نماز برگزار نکنید و این مطلب در روایات متعددی نیز وارد شده است. اما برخی از مفسران به این دیدگاه اشکال کرده‌اند که این تفسیر از مفهوم ﴿حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ استفاده شده است، اگرچه در معنای «سکاری» داخل نباشد. به عبارت دیگر از جمله «تا بدانید چه می‌گویید» استفاده می‌شود که نماز خواندن در هر حالی که انسان از هوشیاری کامل برخوردار نباشد ممنوع است. خواه حالت مستی باشد یا باقیمانده حالت خواب باشد (همان، ۳/۵۰).

در مرحله چهارم خداوند می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴾ (مائده/۹۰-۹۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و ازالام (نوعی بخت‌آزمایی) پلیدند و از عمل شیطان هستند؛ از آنها دوری کنید تا رستگار شوید؛ شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا با این همه زیان و فساد و با این نهی اکید، خودداری خواهید کرد.

برخی گفته‌اند این آیه در مورد «سعد بن ابی وقاص» نازل شد که به میهمانی مردی از انصار رفت و همراه غذا شراب نوشیدند (قبل از تحریم شراب در اسلام بوده است) و بعد از مستی شروع کردند که افتخارات خود را ذکر کنند و کم‌کم اختلاف بالا گرفت و استخوان شتری را به سر سعد زدند و او به پیامبر ﷺ شکایت کرد و آیه نازل شد.

در آیه فوق چند نکته قابل توجه است:

اول: آیه حکم حرمت شراب را به صورت قطعی بیان کرده است، ولی این عمل پس از سه مرحله قبل بود که ذهنیت مسلمانان برای این حکم آماده شده بود، به طوری که پس از نزول آیه فوق پاسخ عمر بن خطاب (که یکی از شراب‌خواران دوران جاهلیت بود) این بود: «انتھینا... انتھینا»، یعنی دیگر نخواهیم نوشید دیگر نخواهیم نوشید (مکارم، ۱۳۷۳، ۶۸/۵). با نزول این آیه هر که جامی در دست داشت آن را شکست، کوزه‌های شراب در کوزه‌ها ریخته شد و جامعه مسلمانان یک‌پارچه به فرامین شریعت گردن نهاد. این تأثیر شگفت‌انگیز روش تربیتی قرآن کریم بود، که به صورت تدریجی و چند مرحله‌ای اجرا شد.

دوم: در این آیه حکم تحریم شراب به صورت خشک بیان نشده است، بلکه ضررهای شراب‌خواری و قمار بیان شده است (که این مطلب هم از نظر تربیتی

جالب توجه است) که عبارتند از: رجس (پلید) است، عمل شیطان است و او می‌خواهد با این عمل بین شما دشمنی ایجاد، و می‌خواهد با این عمل مانع شود که شما به یاد خدا باشید و به نماز پردازید (رضایی و اصفهانی، ۱۳۸۹، ۳۵۱/۲).

تاریخچه شراب‌خواری

قبل از ظهور اسلام شراب‌خواری یک عادت بشری بود، و در بین بسیاری از ملت‌ها شراب یک غذای رسمی بود؛ چرا که مردم از ضررهای آن به صورت کامل اطلاعی نداشتند. پس از ممنوعیت شراب‌خواری در اسلام، سیل اعتراضات به سوی اسلام و رهبران مسلمانان سرازیر شد و بسیاری از این حکم تعجب کرده و علت آن را جویا می‌شدند (اهتمام، ۱۳۴۴، ۱۵۶).

البته هنوز هم شراب‌خواری در بسیاری از کشورهای غیر مسلمان به صورت آزاد رواج دارد و در این رابطه تبلیغات وسیعی نیز صورت می‌گیرد. ارنست رنان، مورخ فرانسوی می‌نویسد: «دین اسلام پیروان خویش را از بلاهای چندی از جمله شراب و خوک و لعاب دهان سگ نجات داده است (همان، ۱۵۶).

اولین کسی که در حدود سال ۸۰۰ میلادی به وجود ماده‌ای در «خمر» پی برد که مذاق آن گرم و سریع‌التبخیر است و ذهن و بصیرت را از انسان دور می‌کند، جابر بن حیان (قرن دوم هجری) بود، ولی مقدار کمی از آن را به دست آورد و آن را «عَوَل» نامید و بعدها آن را الکل نامیدند (دیاب، ۱۴۰۴ق، ۱۶۲).

احکام

در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در جهت مبارزه با مسکرات چند حکم صادر شده است:

۱. خوردن شراب و هر مایع مست‌کننده حرام است. این حکم از آیات قرآن (مائده/۹۰-۹۱) به دست می‌آید و در برخی روایات خوردن شراب را

بزرگ‌ترین گناه معرفی کرده است.

۲. شراب و هر چیزی که انسان را مست کند اگر خود به خود روان باشد نجس است (البته در این مورد الکل صنعتی را استثناء کرده‌اند).
 ۳. ظرفی که به وسیله شراب نجس شده است با آب قلیل (و به نظر برخی مراجع در آب کر و جاری هم) سه مرتبه شسته شود و مستحب است و یا بهتر است هفت بار شسته شود.
 ۴. شخصی که شراب نوشد و در نزد قاضی اثبات شود به هشتاد ضربه شلاق محکوم می‌شود (امام خمینی، ۱۳۹۰ق، ۴۸۰/۲، م ۹).
- تأکید بر حرمت و نجاست شراب برای آن است که مسلمانان کاملاً از آن دوری کنند تا در معرض ضررهای روحی، اجتماعی و بهداشتی آن قرار نگیرند.

حکمت‌ها و اسرار علمی

حرمت و نجاست شراب و مسکرات از چند جهت قابل بررسی است. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام و سخنان متخصصان علوم پزشکی مطالب مختلفی در مورد ضررهای معنوی، اجتماعی و بهداشتی آن گفته شده است، که به طور خلاصه بدان‌ها اشاره می‌کنیم.

الف - آثار شراب‌خواری در روایات

عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «الخمير أمّ الخبائث» (نوری، ۱۴۰۷ق، ۱/۱۳۹)؛ شراب ریشه زشتی‌ها و جنایات و امور پلید است.

«عن الباقر علیه السلام: ان مدمن الخمر کعابد وثن و یورثه الارتعاش و یهدم مروته و تحمله علی التجسر علی المحارم من سفک الدماء و رکوب الزنا حتی لا یؤمنوا اذا سکر أن یتب علی حرمه و هو لا یعقل ذلک و الخمر لا تزید شاربها الا کل شر» (مجلسی، ۱۳۸۵، ۱۶۴/۶۵)؛ دائم‌الخمر مانند بت پرست است، شراب برایش

رعشه بدن پدید می‌آورد، مردانگی و انصاف و مروتش را نابود می‌کند، شراب است که شراب‌خوار را وادار بر جسارت بر نزدیکان و اقوام و خویشان و خون‌ریزی و زنا می‌نماید، حتی در هنگام مستی نمی‌تواند از زنا با محارم ایمن باشد او پس از مستی این کار را بی‌توجه انجام می‌دهد و شراب وادار کننده به هر نوع شر و اعمال ضد انسانی است.

در این روایات به برخی آثار زیان‌بار جسمی (مثل رعشه بدن) و برخی آثار روحی و روانی اشاره است، و از همه مهم‌تر مسأله زایل شدن عقل است که به آن اشاره شده است.

ب - آثار معنوی و اجتماعی

در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به این آثار اشاره شده است.

۱. خروج شراب‌خوار از حوزه انسانیت (الجلیلی، ۱۹۸۷، ۱۱۷-۱۱۹).

شراب عقل را زایل می‌کند. بیان شد که «خمر» به معنای پوشش است و از آن جهت بدین نام نامیده شده که عقل فرد مست شده را می‌پوشاند و از کار می‌اندازد. عقل عالی‌ترین موهبت الهی به انسان است. اندیشه، امتیاز انسان است که او را از حیوانات جدا می‌سازد. پس هنگامی که شراب انسان را مست می‌کند و عقل را زایل می‌سازد او را از حوزه انسانیت خارج می‌سازد و به یک حیوان تبدیل می‌کند.

۲. ضررهای اجتماعی شراب‌خواری

شراب‌خواری از اعمال شیطانی است که شیطان می‌خواهد با آن بین انسان‌ها دشمنی ایجاد کند (مائده/۹۰-۹۱).

شراب‌خواران به دلیل روحیه درنده‌خویی و شرارت که در حال مستی به طور معمول پیدا می‌شود، دست به اعمال جنایت‌آمیز می‌زنند. به طوری که آمار زیادی از تصادف و قتل و خودکشی و درگیری با پلیس، مربوط به افرادی است

که از مشروبات الکلی استفاده می‌کنند. طبق آماری که برخی مؤسسات تحقیقاتی در غرب منتشر کرده‌اند، جرائم اجتماعی شراب‌خواران از این قرار است:

مرتكبین قتل‌های عمومی	٪۵۰
ضرب و جرح در اثر نوشیدن شراب	٪۷۷/۸
سرقت‌های مربوط به الکلیست‌ها	٪۸۸/۵
جرائم جنسی مربوط به الکلیست‌ها	٪۸۸/۸

یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد یکی از ضررهای مسکرات مردم آزاری است. شخص شراب‌خوار مردم، همسایگان، پدر و مادر، خانواده و فرزندان خود را اذیت می‌کند (اهتمام، ۱۳۴۴، ۱۵۹).

۳. زیان‌های اقتصادی شراب‌خواری

«یکی از دانشمندان می‌گوید: اگر دولت‌ها ضمانت کنند که درب نیمی از میخانه‌ها را ببندند می‌توان ضمانت کرد که از نیمی از بیمارستان‌ها و تیمارستان‌ها بی‌نیاز می‌شویم (مکارم، ۱۳۷۵، ۷۶/۲).

پس اگر تجارت مشروبات الکلی سودی زودگذر (مثل مالیات برای دولت‌ها) دارد، اما ضررهای آن بیشتر از نفع آن است، و این حقیقتی است که قرآن قرن‌ها قبل بیان داشت: ﴿وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ (بقره/۲۱۹).

۴. ضررهای معنوی شراب‌خواری

مصرف مسکرات به صورت کلی انسان را از دین دور می‌کند، ولی به صورت خاص قرآن کریم می‌فرماید که مانع یاد خدا و نماز است (مائده/۹۰-۹۱).

یکی دیگر از ضررهای الکل در حوزه اخلاق است: در شخص الکی عاطفه خانوادگی و محبت نسبت به زن و فرزند ضعیف می‌شود، به طوری که مکرر دیده شده که پدرانی فرزندان خود را با دست خود کشته‌اند (مکارم، ۱۳۷۵،

پ - آثار زیان‌بار خمر از نظر علوم پزشکی

در این مورد بسیاری از صاحب‌نظران، پزشکان و مفسران، مطلب و کتاب نوشته‌اند، که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم. در ابتدا مطالب دکتر دیاب و دکتر قرقوز را که توضیحات مشروحی در این زمینه داده‌اند می‌آوریم:

الکل با سرعت شگفت‌انگیزی از طریق بافت‌های مخاطی دهان و معده و ریه جذب شده، وارد خون می‌شود. یعنی به محض رسیدن جام محتوی مشروب به دهان، الکل جذب و به سرعت وارد جریان خون می‌شود. پس از ورود الکل به معده با توجه به نسبت آب موجود در آن به تمام بافت‌های بدن توزیع می‌گردد. اگر زن باردار مشروب الکلی مصرف کند، مقداری از الکل مصرف شده به بدن جنینی که در شکم دارد می‌رسد، و به طور مستقیم روی مغز وی اثر می‌گذارد، زیرا تأثیر مستقیم الکل روی مغز است.

دفع الکل: ۵-۱۰ درصد الکل مصرف شده، بدون هیچ‌گونه تبدیلی به وسیله کلیه‌ها و ریه‌ها دفع می‌شود، اما بقیه در معرض اکسید شدن در کبد قرار گرفته و تبدیل به گاز دی‌اکسید کربن (CO_2) و آب و انرژی می‌شود. میزان واحد کالری به دست آمده از یک گرم الکل در این عمل به هفت کالری می‌رسد و همین مسأله موجب بروز بی‌میلی شدید به غذا در انسان می‌گردد، که نتیجه آن دچار شدن شخص به کمبود مواد غذایی در بدن است.

مضار و مفاسد طبی الکل: مفاسد الکل را می‌توان به دو قسمت اصلی تقسیم کرد. مسمومیت الکلی حاد (مستی) و مسمومیت الکلی مزمن (اعتیاد) یا الکلیسم.

اول: مسمومیت الکلی حاد: مصرف مقدار زیادی الکل انسان را دچار گیجی و مستی می‌کند؛ چه شخص معتاد به الکل باشد و چه نباشد. عضوی که

بیش از سایر اعضای بدن از الکل متأثر می‌گردد، مغز است. تأثیر الکل بر مغز همانند سایر مواد مخدر تأثیری است تخدیری (Depressent). حالت مستی موقعی بروز می‌کند که میزان الکل موجود در خون به ۰/۵ درصد برسد. با افزایش میزان الکل موجود در خون شدت مستی نیز افزایش می‌یابد تا این که به بیهوشی و سپس مرگ منتهی گردد.

این عوارض دماغی، شخص مست را در معرض خطرات ذیل قرار می‌دهد:

۱. تصادف با اتومبیل یا سقوط در رودخانه یا گودال به دلیل عدم توانایی در حفظ تعادل به هنگام راه رفتن؛
۲. تجاوز به حقوق دیگران و به راه انداختن مشاجرات بی‌دلیل، به جهت فقدان تعقل و تفکر منطقی؛
۳. اقدام به تجاوز جنسی به دلیل ایجاد میل شدید به مقاربت جنسی در شخص؛

۴. التهاب لوزالمعده حاد، که بیماری بسیار خطرناکی بوده و ممکن است منجر به مرگ شود؛

۵. زخم معده حاد که ممکن است منجر به مرگ شود؛

۶. اغما (coma)، که ممکن است با کمبود قند خون نیز همراه شود؛ اگر شخص مست به هنگام اغما در معرض سرما نیز قرار گیرد، ممکن است بمیرد و حتی برخی افراد مست با استنشاق بوی استفراغ خود نیز می‌میرند؛

۷. مرگ بر اثر تنگی نفس و متوقف شدن قلب از فعالیت.

شاید برخی در مقام اعتراض بگویند که مقدار کمی الکل موجب مستی نمی‌شود. در پاسخ می‌گوییم: خیر، حالتی وجود دارد که به نام «مستی» مرضی معروف است و در نتیجه نوشیدن مشروبات الکلی (چه کم و چه زیاد) برای افرادی که دارای شخصیتی متزلزل هستند حاصل می‌شود و به صورت جنون عقلی حاد ظاهر می‌شود. این حالت از چند ساعت تا ۲۴ ساعت به طول می‌انجامد

و بعضی مواقع بیشتر از این مدت هم طول می کشد. این جنون به اشکال گوناگون نمود پیدا می کند که آن را به سه قسمت تقسیم کرده اند.

۱. سکر مرضی توأم با هیجانان حرکتی، و آن حالتی از عصبانیت و هیجان شدید است که در آن فرد مست شروع به خراب کاری در اطراف خود می کند و ناخود آگاه داد و فریاد راه می اندازد و سپس بی هوش می گردد.

۲. سکر مرضی توأم با جنون و بدبینی؛ این حالت گاهی انسان را به خیانت و جنایت و خودکشی سوق می دهد. نمونه این گونه افراد در جوامع امروزی بسیارند.

به عنوان مثال موردی را نقل می کنیم که در زمستان سال ۱۹۷۶ در یکی از روستاهای حومه شهر حلب اتفاق افتاد. در این حادثه، مردی نیمه شب در حال مستی وارد منزل خود می شود و ناگهان به ذهنش خطور می کند که زنش به وی خیانت کرده است. این فکر تا بدان جا در او تقویت می شود که زن و چهار فرزند بی گناه خود را در خواب سر می برد.

۳. سکر مرضی توأم با خلسه؛ در این حالت فرد مست در عالم رؤیایی زندگی می کند که در حالت عادی آرزوی آن را داشته و خواب آن را می دیده است. این حالت نیز با بیهوش شدن فرد خاتمه می یابد.

دوم: مسمومیت الکلی مزمن (Alcolism): مصرف کنندگان مشروبات الکلی را می توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. گروهی که در هر بار مقدار زیادی نوشابه های الکلی می نوشند. این گروه ممکن است در یک سال تا چهار بار دچار مسمومیت شوند.

۲. گروهی که به مصرف زیاد نوشابه های الکلی عادت کرده اند. این گروه بیش از ۱۲ بار در سال دچار مسمومیت می شوند، و حتی گاهی فقط با یک بار مصرف به مدت یک هفته تحت تأثیر عوارض آن خواهند بود.

۳. گروهی که کاملاً الکلی شده و سرنوشت خود را به الکل سپرده اند. این

گروه حتی قادر نیستند یک روز را بدون نوشیدن مشروبات الکلی سر کنند. اعتیاد مزمن به الکل سبب وارد آمدن زیان‌های بسیاری به تمام دستگاه‌های بدن می‌گردد، که می‌توان این زیان‌ها را با توجه به دستگاه‌های متضرر به شرح زیر تقسیم کرد.

الف - الکلیسم و بیماری‌های عصبی: اعتیاد به الکل موجب ابتلا به بیماری‌های عصبی زیر می‌گردد.

۱. بیماری و ایجاد اختلال در کار تعدادی از اعصاب: در این حالت فرد الکلی دچار ضعف عضلات و لرزش اندام‌ها و درد در ناحیه دست‌ها و پاها می‌گردد.

۲. بیماری و ایجاد اختلال در کار یک عصب: در این حالت اختلالاتی در مسیر فعالیت آن عصب توأم با فلج موقت حاصل می‌شود و با توجه به نوع عصب، این اختلال ممکن است به صورت فلج عصب صورت و یا عصب چشم و یا فلج ناشی از نحوه خوابیدن گردد، که حالت اخیر بیشتر در کشورهای به اصطلاح پیشرفته به چشم می‌خورد که در آن شخص در حال مستی (معمولاً شب‌ها که فردایش تعطیل است) به صورتی می‌خوابد که اعصاب آرنج و سر استخوان‌های مچ دست و انگشتانش تحت فشار قرار می‌گیرند و بدین ترتیب عضلات محرک دست فلج می‌گردد.

۳. التهاب عصب بینایی: اکثر کسانی که به مشروبات الکلی اعتیاد دارند، از این بیماری که توأم با کاهش قدرت دید است، رنج می‌برند. این حالت در برخی موارد نادر نیز منجر به کوری می‌شود.

۴. داء الحصاف الکلی: یا گری خشک الکلی (جرب) این بیماری به فراوانی نزد الکلیست‌ها مشاهده می‌شود.

۵. مجموعه بیماری‌های دیگری نیز وجود دارند که بیشتر در میان افراد الکلی یافت می‌شوند و از جمله این بیماری‌ها می‌توان ورم غشای خارجی مغز، سیفلیس

نخاعی، از بین رفتن سلول‌های مغزی و معلولیت‌های عضلانی را نام برد.

ب - الکل و بیماری‌های گوارشی: از همان ابتدای ورود الکل به دستگاه

گوارش، تخریب و فساد با خود به ارمغان می‌آورد، از جمله:

۱. خراش غشاهای مخاطی دهان و حلق و آسیب رسیدن به پرزهای چشایی و ترک زبان؛

۲. ظاهر شدن پلاک‌های سفید رنگ بر روی زبان (Leukoplakia) که اغلب

به سرطان زبان مبدل می‌گردد؛

۳. التهاب مری؛

۴. استفراغ‌های شدید خونی به دلیل پاره شدن برخی از رگ‌ها در ناحیه

اتصال مری به معده؛

۵. سرطان مری: آمار نشان می‌دهد که ۹۰ درصد بیماران مبتلا به سرطان را

معتادان به الکل تشکیل می‌دهند؛

۶. التهاب حاد معده: همه معتادان به الکل بلا استثنا به التهاب حاد معده مبتلا

هستند؛

۷. التهاب مزمن و پنهان معده: اکثر الکلیست‌ها گرفتار این بیماری می‌شوند.

در پیدایش این بیماری، نقص پروتئین بدن نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. در نتیجه

این بیماری شخص به کم خونی ناشی از عدم جذب ویتامین B12 توسط بدن

مبتلا می‌گردد که این حالت خود، بیمار را برای ابتلا به سرطان معده آماده

می‌سازد؛

۸. سرطان معده: ۹۰ درصد مبتلایان به سرطان معده از معتادان به مشروبات

الکلی هستند که مصرف دخانیات نیز به این امر کمک می‌کند؛

۹. زخم معده: یکی از پزشکان به نام دکتر گوردن می‌گوید: «۱۰-۱۵ درصد

از علل ابتلا به زخم معده، نوشیدن مشروبات الکلی است و از طرفی الکل مانع

ظاهر شدن علائم ابتلا به این بیماری است، به همین دلیل خود بیمار ممکن است

بدون متوجه شدن، مدت‌ها دچار خونریزی معده شود؛

۱۰. ایجاد اختلال در جذب مواد غذایی در روده‌ها به دلیل بیمار بودن کبد، معده، امعاء و لوزالمعده؛

۱۱. الکل و لوزالمعده: زیان‌هایی که الکل به لوزالمعده می‌رساند عبارتند از:
الف - التهاب حاد غدهٔ لوزالمعده، که در آن غده دچار هضم ذاتی (خودخوری) شده و سپس پاره می‌شود. به طوری که گفته شد، این بیماری خطرناکی است که بیشتر حالات دل دردها را نزد الکلیست‌ها تشکیل می‌دهد و علت ۷۰ درصد این حالات، الکل است.
ب - التهاب مزمن لوزالمعده، که نقش به‌سزایی در سوء تغذیه، گوارش و جذب مواد غذایی دارد.

۱۲. الکل و کبد: امروزه بیماری‌های کبدی ناشی از مصرف مشروبات الکلی یکی از مشکلات خطرناک بهداشتی جهان به شمار می‌رود. کافی است بدانیم که نوشیدن خمر مهم‌ترین عامل پیدایش حالات تشمع کبد (سیروز) در کشورهای غربی است. رابطهٔ مصرف مشروبات الکلی با بیماری‌زایی، بحثی است گسترده و مفصل نه در حد این مقاله. لذا فقط به بیان مختصر سه رابطه بسنده می‌کنیم.

۱. تأثیر بر کار تبادلات کبد که منجر به کاهش اندوختهٔ قندی و افزایش و تراکم مواد چربی در کبد خواهد بود؛

۲. تأثیر مباشر و مسموم‌کننده بر کبد؛

۳. نقص غذایی بدن افراد الکلی به دلیل بی‌اشتهایی آنها که منجر به کاهش پروتئین، مواد قندی و چربی در بدن می‌شود.

اما مهم‌ترین بیماری‌های کبدی ناشی از نوشیدن مشروبات الکلی عبارتند از:
تراوش چربی در کبد، تراوش چربی در کبد توأم با زرد شدن بدن (یرقان)، التهاب حاد کبدی، تشمع کبد (سیروز).

معمولاً این بیماری‌ها به هم مرتبط هستند و همگی در نهایت به تشمع کبد منجر می‌شوند. این بیماری به هیچ عنوان درمان‌پذیر نیست؛ زیرا کبد مرکز سوخت و ساز و تبادلات غذایی بدن است (The central of the metabolism).

از مهم‌ترین نتایج تشمع کبد می‌توان به آب آوردن شکم و ظهور زگیل‌هایی در مری و سرطان کبد اشاره کرد. در فرانسه سالانه ۲۲۵۰۰ نفر در آلمان ۱۶۰۰۰ نفر بر اثر تشمع کبد در نتیجه مصرف مشروبات الکلی می‌میرند.

ج - الکل و بیماری‌های قلبی: الکل رابطه نزدیکی با بسیاری از بیماری‌های قلبی دارد از جمله:

۱. ضعف ماهیچه‌های قلب، به ویژه پس از نوشیدن آبجو به دلیل وجود کبالت در آن؛

۲. نارسایی‌های قلبی مادرزادی کودکان در صورتی که مادر در ماه‌های نخست بارداری مشروبات الکلی نوشیده باشد. لازم به گفتن است که عده‌ای الکل را به عنوان مسکن برای سوزش قلب به کار می‌برند، غافل از این که نتیجه عکس حاصل می‌شود، زیرا الکل با توجه به کالری‌های حرارتی آن، باعث چاقی شده و چربی خون را در درازمدت بالا می‌برد و همین مسأله باعث تشدید درد قلب می‌گردد و فقط به صورت موقتی و به عنوان مسکن عمل می‌کند.

د - الکل و نارسایی‌های خونی: با توجه به این که الکل باعث کم‌اشتهایی و در نتیجه سوء تغذیه می‌گردد، عوارض زیر را در رابطه با خون در پی خواهد داشت:

۱. کاهش آهن خون؛
۲. کاهش اسید کولیک در خون؛
۳. کاهش ویتامین B12 در خون؛
۴. کاهش گلبول‌های قرمز خون و در نتیجه زرد شدن پوست بدن؛
۵. بیماری هموسدرین (Hemosiderin).

الکل و بیماری‌های عفونی: اعتیاد به الکل بدن را ضعیف و ناتوان و مقاومت آن را بسیار کم می‌کند، لذا آمادگی ابتلا به بیماری‌های عفونی به ویژه بیماری‌های عفونی مسری در این افراد خیلی زیاد است که از جمله این بیماری‌ها می‌توان سل، سیفلیس، التهاب ریه، مالاریا، تب تیفوئید، بیماری‌های پوست و التهاب غدد عرقی زیر بغل را نام برد.

هـ - الکل و فعالیت‌های جنسی: الکل تأثیر زیادی بر فعالیت‌های جنسی دارد، از جمله:

۱. میل جنسی را افزایش می‌دهد، ولی موجب کاهش توان انجام فعالیت‌های جنسی می‌شود؛

۲. ممکن است موجب کوچک شدن بیضه‌ها و بزرگ شدن پستان‌ها (در مرد) شود و به ویژه اگر با بیماری کبد همراه باشد؛

۳. موجب ایجاد نارسایی در رفتارهای جنسی زنان می‌شود؛

۴. دگرگونی‌هایی را در نطفه به وجود می‌آورد که در نتیجه باعث تولد کودکان ناقص‌الخلقه می‌شود.

و - الکل و سرطان: الکل یکی از علل پنج‌گانه اصلی ابتلا به سرطان مغز است. این علل که در انگلستان به s - (S-S) معروفند عبارتند از:

- | | |
|------------------|------------|
| ۱. سیگار کشیدن | ؛ Smoking |
| ۲. مشروبات الکلی | ؛ Spirits |
| ۳. عفونت‌ها | ؛ Spesis |
| ۴. ادویه | ؛ Spicess |
| ۵. سیفلیس | . Syphilis |

در تحقیقی که توسط دکتر «لورمی» به عمل آمده، مشخص گردیده است که ۵۱ بیمار از ۵۸ بیمار مبتلا به سرطان لوزه، زبان و حنجره از معتادان به الکل بوده‌اند. این سرطان‌ها از بدترین انواع سرطان هستند؛ زیرا قدرت تکلم و خورد و

خوراک را از بیمار می‌گیرند و زندگی را برای او بسیار مشکل می‌سازند.

ز - الکل و بارداری: مهم‌ترین مسأله‌ای که در فرزندان زنان الکلی به چشم می‌خورد، وجود انواع معلولیت در ۳۳ درصد آنهاست. این معلولیت‌ها ممکن است به شکل نقص در رشد، عقب ماندگی ذهنی، نقص خلقت ظاهری و ناراحتی‌های قلبی مادرزادی باشد.

یکی از مفسران معاصر در این مورد مطالبی تحت عنوان «اثر الکل در نسل» بیان می‌کند و می‌نویسد:

کسی که در حین انعقاد نطفه مست است ۳۵ درصد عوارض الکلیسم حاد را به فرزند خود منتقل می‌کند. و اگر زن و مرد هر دو مست باشند ۱۰۰ درصد عوارض حاد در بچه ظاهر می‌شود. و کودکانی که فاقد نیروی کافی عقلانی و روحی بوده‌اند و از مادران الکلی به دنیا آمده‌اند ۷۵ درصد و از پدران الکلی نیز ۷۵ درصد بوده است. و کودکانی که در هنگام تولد توانایی زندگی را ندارند از پدران الکلی ۶ درصد و از مادران الکلی ۴۵ درصد است (مکارم، ۱۳۷۳، ۷۴/۲).

و یکی دیگر از نویسندگان می‌نویسد:

یکی از پزشکان آلمان ثابت کرده که تأثیر الکل تا سه نسل به طور حتمی باقی است. به شرط این که این سه نسل الکلی نباشند (پاک نژاد، ۱۳۵۰، ۴۴).

ح - الکل و بیماری‌های روانی: عوارض روحی و ذهنی بسیاری وجود دارند که یا بر اثر اعتیاد به الکل و یا ترک ناگهانی و یک باره آن به وجود می‌آیند. از جمله مهم‌ترین آنها:

۱. هذیان ارتعاشی (Dilerimtremens)، که حالتی است حاد همراه با اختلالات عقلی، بی‌توجهی، رعشه و هیجان‌زدگی؛
۲. جنون کورساکوف (Korsakof syndrome)، که عبارت است از ضعف ذاکره همراه با هذیان‌گویی، التهاب پایانه‌های عصبی و از بین رفتن قدرت تشخیص و شناخت؛

۳. بیماری مغزی ورنیکه (Wernik's encephalopathy)؛ این بیماری علاوه بر عوارض جنون کورساکوف، عوارض دیگری نیز دارد که عبارتند از فلج عضلات چشم همراه با از دست دادن قدرت تفکر و گیجی و بیهوشی؛
 ۴. عقب ماندگی عقلی الکلی؛ ضعف ذاکره همراه با ناتوانی در کنترل عواطف و اختلال در فعالیت‌های مغزی.

ط - مسائل متفرقه

۱. الکل ممکن است باعث افزایش حملات نقرس شود، زیرا موجب افزایش اوره خون می‌گردد؛
 ۲. ممکن است اعتیاد به الکل باعث به وجود آمدن سنگ‌های دوقلویی کلیه و یا ورم مثانه گردد؛
 ۳. کاهش میزان قند خون در بدن پس از نوشیدن مشروبات الکلی ممکن است بسیار شدید و باعث بی‌هوشی و حتی مرگ شود (دیاب، ۱۴۰۴ ت چراغی، ۱۵۶-۱۵۷).
- یکی از مفسرین معاصر در این مورد مطالبی تحت عنوان «اثر الکل در عمر» بیان می‌کند و می‌نویسد:

یکی از دانشمندان مشهور غرب اظهار می‌دارد که هرگاه از جوانان ۲۱ ساله تا ۲۳ ساله معتاد به مشروبات الکلی ۵۱ نفر بمیرند در مقابل از جوان‌های غیر معتاد ۱۰ نفر هم تلف نمی‌شوند.
 و بر اثر تجربیاتی که کمپانی‌های بیمه عمر کرده‌اند، ثابت شده است که عمر معتادان به الکل نسبت به دیگران ۲۵ درصد تا ۳۰ درصد کم‌تر است (مکارم، ۱۳۷۳، ۷۴/۲).

برخی دیگر از نویسندگان، کتاب «شیطان و بطری» را بهترین کتاب در این زمینه می‌دانند و به صورت مفصل همین ضررهای بالا را نقل می‌کنند (اهتمام، ۱۳۴۴، ۱۵۸-۱۶۱).

در این مورد دکتر السید الجمیلی و محمد کامل عبد الصمد و العمید الصیدلی

عمر محمد عبدالله نیز بررسی مفصلی نموده است. بیماری‌های حاصل شده از شراب‌خواری در کشورهای غربی و اسلام را مقایسه کرده است و در این رابطه مواد مخدر دیگر (مثل حشیش و...) را نیز بررسی کرده است (العمید، ۱۴۱۰ق، ۱۳۶-۱۵۱).

نتیجه‌گیری

۱. جلوگیری از نوشیدن شراب و حکم به پلید بودن آن یکی از معجزات علمی قرآن کریم است؛ چرا که این احکام در شرایطی صادر شد که انسان‌ها با علاقه و اشتها به شراب‌خواری روی آورده بودند و از ضررهای بهداشتی آن اطلاع چندانی نداشتند. در حقیقت این ممنوعیت یکی از خدمات دین اسلام به بشریت بوده است.

۲. برخی از نویسندگان یکی از ابعاد اعجاز قرآن را تغییر جامعه عرب جاهلی و تحول عجیب و ناگهانی آنان (در کوتاه‌ترین مدت) می‌دانند (حکیم، ۱۴۱۷ق، ۱۲۹).

از این زاویه نیز مسأله تحریم شراب و برخورد چهار مرحله‌ای با آن، یعنی روش تربیتی قرآن در این زمینه و تغییر و تحول عجیبی که در جامعه ایجاد کرد (به طوری که جام‌ها و ظرف‌های شراب را شکستند)، می‌تواند یکی از آثار اعجاز‌آمیز قرآن باشد؛ یعنی از منظر علوم تربیتی این روش مؤثر چهار مرحله‌ای در برخورد با پدیده‌ای انحرافی در جامعه، می‌تواند الگوی مناسبی برای ایجاد تغییرات مناسب و مبارزه با مفاسد اجتماعی حاد باشد.

۳. ضررهای شراب‌خواری به ویژه ضررهای بهداشتی آن حکمت‌های تحریم و نجاست شراب است.

البته همان‌طور که گذشت مسأله مسکر بودن (مست‌کنندگی و زایل کردن عقل) مورد تأکید روایات بوده و لذا علمای اسلام در فقه اسلامی خوردن هرگونه مسکری را حرام می‌دانند.

اما باز هم نمی‌توان به طور قطع گفت که ضررهای بهداشتی علت انحصاری تحریم شراب است؛ چرا که ممکن است مصالح و مفاسد دیگری نیز مورد نظر شارع بوده است. همان طور که در قرآن بر ضررهای اجتماعی شراب بیشتر پافشاری شده بود.

۴. در مورد برخی از این ضررهای بهداشتی و بیماری‌هایی که به شراب‌خواران نسبت داده شد، باید گفت:

اولاً این بیماری‌ها همه‌گیر نیست، بلکه این آثار در برخی از افراد آشکار می‌شود، ولی در بعضی دیگر ظاهر نمی‌شود (همچون سرطان، بیماری‌های عصبی، سکنه مغزی و...)، که علت این امر می‌تواند قدرت متفاوت بدن افراد در مقابل آثار زیان‌بار شراب باشد، یعنی برخی افراد در مقابل برخی بیماری‌ها مقاومت بیشتری دارند.

ثانیاً برخی از این بیماری‌ها علل مختلفی دارند که شراب‌خواری یکی از علل آنها یا زمینه‌ساز آنهاست، پس نمی‌توان آن بیماری‌ها را نتیجه مستقیم و منحصر به فرد شراب‌خواری دانست. از این رو است که برخی از این بیماری‌ها در جوامع مسلمان و حتی در افرادی که لب به شراب نیالوده‌اند نیز وجود دارد.

پس ضررهای معنوی، اجتماعی و بهداشتی برای شراب وجود دارد و یکی از اسرار علمی و حکمت‌های حرمت و نجاست شراب است، اما این ضررها در همه موارد و در همه افراد و جوامع قابل انطباق نیست.

منابع و مأخذ

• قرآن کریم.

۱. الانصاری القرطبی، محمد بن احمد (بی‌تا)، *الجامع لأحكام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲. اهتمام، احمد (۱۳۴۴)، *فلسفه احکام*، اصفهان، چاپخانه اسلام.
۳. پاک‌نژاد، سید رضا (۱۳۵۰)، *اولسین دانشگاه و آخرین پیامبر ﷺ*، ج ۱، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة.

۴. الجلیلی، دکتر سید (۱۹۸۷)، *الاعجاز الطبی فی القرآن*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۵. حکیم، سید محمد باقر (۱۴۱۷ق)، *علوم القرآن*، مجمع الفکر الاسلامی، الطبعة الثالثة.
۶. الحویزی، عبدالعلی (۱۳۸۳ق)، *تفسیر نورالثقلین*، قم، المطبعة العلمیه، ۵جلدی.
۷. خمینی، امام روح الله (۱۳۹۰ق)، *تحریر الوسیله*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۸. دیاب، عبدالحمید و قرقوز، احمد (۱۴۰۴ق)، *مع الطب، فی القرآن الکریم*، بی جا.
۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۳۹۲ق)، *معجم مفردات الفاظ القرآن الکریم*، تهران، المکتبه الرضویه لإحیاء التراث.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۶)، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۱۱. طبرسی، شیخ ابی علی الفضل بن الحسن (امین الاسلام) (۱۳۹۵ق)، *تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، المکتبه الاسلامیه، ده جلد در پنج جلد، چاپ پنجم.
۱۲. طیب، سید عبدالحسین (بی تا)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، بی جا.
۱۳. العمید الصیدلی، عمر محمود عبدالله (۱۴۱۰ق)، *الطب الوقائی فی الاسلام*، عراق/موصل، شرکتة معمل و مطبعة الزهراء الحدیثه.
۱۴. مجلسی، علامه محمد تقی (۱۳۸۵ش)، *بحار الانوار*، تهران، المکتبه الاسلامیه.
۱۵. معلوف، لویس (۱۹۶۹م)، *المنجد فی اللغة و الاعلام*، بیروت، دارالمشرق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، (۲۷ج).
۱۷. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷ق)، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت لإحیاء التراث.

بررسی مقایسه‌ای آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان با توجه به سبک‌های زندگی غربی و اسلامی

□ مهدیه عبدالمهدی^۱

چکیده

مهم‌ترین مسأله‌ای که امروزه جامعه ایران با آن روبرو است، سبک‌های زندگی متفاوت در جامعه است که سبب سر درگمی جوانان و زمینه انحراف و آسیب‌های اجتماعی آنان را فراهم می‌کند.

پژوهش حاضر به منظور بررسی مقایسه‌ای آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز با توجه به سبک‌های زندگی غربی و اسلامی انجام شده است.

روش تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق توصیفی از نوع علیّی مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز است که در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۹۳ مشغول به تحصیل می‌باشند. تعداد آنها برابر ۲۲۵۴۳ نفر برآورد شده است، که از این تعداد ۱۲۷۳۴ نفر دانشجوی مرد و ۹۸۰۹ نفر دانشجوی زن است. با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این تحقیق برای بررسی آسیب‌های اجتماعی از شاخص‌های سرقت، اعتیاد به مواد، انحرافات جنسی، خودکشی، خشونت و فرار از خانه و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. از آزمون مانوا برای

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

آزمون فرضیه‌ها استفاده شد.
 نتایج تحقیق نشان داد که آسیب‌های اجتماعی افراد دارای سبک زندگی اسلامی با افراد دارای سبک زندگی غربی متفاوت است.
 با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود سبک‌های زندگی اسلامی و غربی و آسیب‌های ناشی از این دو به مردم آموزش داده شوند تا مردم سبک زندگی مناسب را انتخاب نمایند.
 واژگان کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، سبک زندگی غربی، سبک زندگی اسلامی، دانشجویان.

مقدمه

مسئله آسیب‌ها به این دلیل در جامعه بشری مورد توجه متفکران بوده است که همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و وسعت دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از برآورده نشدن خواست‌ها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصبان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحرافات جنسی و دیگر آسیب‌ها شده است (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). از سوی دیگر در پژوهش‌های افرادی همچون برلینر و الیوت (۲۰۰۲)، مانلی و همکارانش (۲۰۰۲) نیز مشخص شد که در سنین حساسی همچون نوجوانی و جوانی، اعمال افراد و در معرض صدمه بودنشان به چندین مسئله آسیب‌زای اجتماعی وابسته است و این مسائل می‌توانند افراد را وارد گروه آسیب‌دیده اجتماعی کنند. در کل آسیب اجتماعی عبارت است از هر نوع رفتاری که با ارزش‌های شناخته شده جامعه در تعارض باشد و باعث اختلال در کارکرد فرد، خانواده یا جامعه شود (ستوده، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر، آسیب‌های اجتماعی شامل مسائلی می‌شود که از نظر بخش قابل توجهی از مردم، براساس معیارها و هنجارهای پذیرفته شده آنها غیر قابل قبول باشد و این به طور عمده جنبه ذهنی مسائل اجتماعی است. از جنبه دیگر اختلالی در نظم اجتماعی و گذران عادی زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند و دشواری‌هایی، چه از حیث روانی و چه از حیث اجتماعی، برای افراد ایجاد می‌کند (عبدی، ۱۳۷۱).

مطالعه ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر بیکاری، فقر، اعتیاد، خودکشی، ولگردی، زورگیری، روسپی‌گری، رشوه‌خواری، گدایی و... همراه با علل و شیوه‌های پیش‌گیری و درمان آنها و نیز شرایط بیمارگونه اجتماعی است. اگر در جامعه‌ای هنجارها مراعات نشود. کج‌روی پدید می‌آید و رفتار آسیب‌می‌بیند. مطالعه این‌گونه نابسامانی‌ها را در جامعه انسانی آسیب‌شناسی اجتماعی (social pathology) می‌گویند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶). در عین حال، از آنجا که رشد و شکوفایی هر کشوری در گرو توجه به جوانان، به خصوص دانشجویان است، برخورداری این قشر جامعه از شادابی و نشاط، امکان به فعل درآمدن توانایی‌های بالقوه را فراهم می‌سازد و این امر منجر به رشد و توسعه کشور خواهد شد. با وجود این، امروزه یکی از نگرانی‌های اساسی روان‌شناسان جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران، موضوع تأثیر آسیب‌زاهای اجتماعی بر جوانان و به ویژه بر گروه دانشجویان است؛ چرا که این مسائل آثار پایداری بر شخصیت دانشجویان می‌گذارند و در نهایت پیامدهای ناگواری برای افراد جامعه به دنبال خواهند داشت (مکتبی و زرگر، ۱۳۸۷، نقل از موسوی، ۱۳۸۹).

از آنجایی که جامعه ایرانی یک جامعه دینی و در حال گذر است، دین همچون یک سرمایه، نقشی تأثیرگذار بر کنش و انتخاب سبک زندگی و نحوه مصرف فرهنگی و مادی افراد دارد (ویلیامز، ۱۳۸۶، ۲). برخی جامعه‌شناسان مدعی‌اند سبک زندگی از اصطلاحات ابداعی ماکس وبر (به نقل از مهدوی کنی، ۱۳۸۷) جامعه‌شناس مشهور فرانسوی است. در مقابل برخی روان‌شناسان جعل و ابداع این اصطلاح را به آلفرد آدلر (به نقل از کاویانی، ۱۳۹۱) روان‌شناس اتریشی و بنیان‌گذار رویکرد روانشناسی فردی نسبت می‌دهند. زیمل (۱۹۹۰) نیز سبک زندگی را تجسم تلاش انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادی و فردیت برتر خود می‌داند. به اعتقاد وی، فرد می‌کوشد تا از طریق سبک زندگی فرهنگ عینی‌اش را به گوش دیگران برساند. منظور از سبک زندگی، مجموعه الگوهای

انسان در اعمال، احساسات، عواطف و افکار است که از اموری همچون لباس پوشیدن، غذا خوردن، تفریح و سرگرمی، روابط با یکدیگر، طلاق و ازدواج، معشیت و کسب و کار، معماری و شهرسازی، هنر و ادبیات ناشی می‌شود (موسوی گیلانی، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، هر مکتب و مذهبی، سبک زندگی برای بشریت ارائه می‌دهد و مدعی است، جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از روش زندگی است که آنان ارائه می‌دهند. اسلام یکی از ابزارهای سازنده سبک زندگی انسان می‌باشد (تنهایی و خرم، ۱۳۸۹). در حقیقت، بیشتر مطالعات درباره سبک زندگی در دنیای غرب انجام شده است و با توجه به گسترش کم‌توجهی به دین در غرب، محققان اندکی در پی آن بوده‌اند تا تأثیر دین و دینداری را بر سبک زندگی ارزیابی کنند (فاضلی، ۱۳۸۲).

دین و مذهب یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری به خود دیده است، به طوری که هیچ‌گاه بشر خارج از این پدیده زندگی نکرده و همواره بدان پناه برده است. قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (بقره/۱۳۲)؛ خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز بر آیین اسلام نمی‌میرید. به گفته پلوتارک اگر به صحنۀ گیتی نظری بیافکنیم، بسیاری از اماکن را خواهید دید که در آنجا نه آبادی است، نه علم و نه دولت، اما جایی که خدا نباشد نمی‌توان پیدا نمود (به نقل از نوابخش، پوریوسفی، ۱۳۸۵). در سبک زندگی از سایر دیدگاه‌ها، فقط به رفتار توجه می‌شود و فکر و نیت انجام رفتار بررسی نمی‌شود؛ اما سبک زندگی اسلامی نمی‌تواند نسبت به نیت بی‌تفاوت باشد، در حالی که تأکید آن روی رفتار است؛ به حداقل عواطف و شناخت‌ها نیز نظر دارد (کاویانی ارانی، ۱۳۸۸). برای داشتن یک سبک زندگی مطلوب، دو نوع جهت‌گیری لازم است:

۱. بایدها و نبایدهای مورد قبول در زندگی؛
۲. شیوه‌های اجرا و به‌عینیت رساندن آنها.

جهت‌گیری اول، به طور غالب ارزشی و اخلاقی است و جهت‌گیری دوم مبتنی بر ارزش‌های عملی است و این مسائل هر دو در سبک زندگی اسلامی دیده شده است (شریعتی، ۱۳۹۲). مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی شامل اجتماعی، اخلاق، خانواده، سلامت، عبادی، تفکر و علم، دفاعی، امنیتی و باورها و عقاید است (کاویانی، ۱۳۹۰). بنابراین، سبک زندگی اسلامی عاملی است که به هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به اهداف یا وجود تعارض، فرد را قادر می‌سازد تا ضمن شناخت بهتر خود و دیگران به ایجاد ارتباط مناسب با مردم و سازگاری با محیط و اجتماع پردازد (طولابی و همکاران، ۱۳۹۲). دالوند و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای که بر روی اساتید و دانشجویان انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که انحراف از اعتدال فکری، اعتقادی و رفتاری برای پدیده سبک زندگی سلامت محور بر مبنای فرهنگ اسلامی به عنوان متغیر مرکزی یا مشکل اساسی روانی - اجتماعی می‌باشد. همچنین سبک زندگی اسلامی و شادکامی با میزان رضایت از زندگی در دانشجویان رابطه مثبت (کجباف و همکاران، ۱۳۹۰) و با مدیریت بدن (علمی و همکاران، ۱۳۸۹) رابطه منفی معناداری دارد.

اما مواردی همچون گسترش روزافزون سبک زندگی غربی در جامعه ایران، به ویژه در میان نسل جوان، و خطر استحاله فرهنگی، نیاز قشر مذهبی جامعه به دانستن سبک زندگی اسلامی براساس آموزه‌های اسلام ناب را دوچندان می‌کند. بسیاری از اندیشمندان معتقدند که اساس سبک زندگی غربی بر مبنای تفکر مادی و مصرف‌گرایی پایه‌ریزی شده است. این تفکر از راه فیلم، سایت‌های اینترنتی، بازی‌های رایانه‌ای، تبلیغات تلویزیونی و ماهواره‌ای، فروشگاه‌های و یلبوردهای تبلیغاتی به فکر و ذهن مخاطبان جامعه القا می‌شود (موسوی جزایری، ۲۰۱۰). از سوی دیگر، اگر سبک زندگی غربی را «مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورها و رفتارهای مثبت و منفی میان مردم غیر شرقی، به ویژه آمریکا و اروپا، که

در حوزه‌های مختلف اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و علمی، شخصی و سیاسی رواج دارد بدانیم، در آن صورت، این سؤال محوری مطرح می‌شود که «موضع ما در برابر آنها چگونه باید باشد؟». این جاست که شناخت دقیق سبک زندگی غربی و انتخاب جهات مثبت آن و دوری از جنبه‌های منفی‌اش اقدامی قابل دفاع و منطبق با تجدد و نوگرایی و نواندیشی محسوب می‌شود. از این منظر، مدرنیته را باید امری مثبت ارزیابی کرد که مهم‌ترین ویژگی‌اش «اندیشه آزادی است». متعلقات اندیشه آزادی عبارتند از: برابری سیاسی و حقوقی، فردگرایی، خردگرایی، تأکید بر منافع فرد و توان اشخاص برای تشخیص مصالح خویش (بشریه، ۱۳۷۸). در حالی که تقلید کورکورانه از فرهنگ و زندگی غربی و ناتوانی در تفکیک جنبه‌های مثبت و منفی آن و به ویژه گزینش جهات زشت، بد و منفی و مخرب آن قابل دفاع و پذیرفته نیست. این نوع گرایش و نگاه سطحی به غرب را می‌توان غرب‌زدگی یا غرب‌گرایی نامید (کاتوزیان، ۱۳۷۳). عابدی اردکانی (۱۳۸۸)، در پژوهشی که با هدف تعیین رابطه و میزان همبستگی بین عزت نفس و سبک زندگی غربی در میان ۲۲۷ نفر از جوانان شهر یزد انجام داد، به این نتیجه دست یافت که هر چه عزت نفس بالاتر باشد میزان گرایش به سبک زندگی غربی در جوانان یزدی کم‌تر است و بالعکس.

با توجه به این که تحقیقی در زمینه مورد بررسی یافت نشد، بنابراین در ادامه فقط به پژوهش‌های صورت گرفته مشابه در این زمینه می‌پردازیم، تحقیقات نشان داده‌اند که دینداری سبب محافظت نوجوانان در برابر اعمالی مانند سیگار کشیدن، نوشیدن الکل، مصرف مواد افیونی، برقراری رابطه جنسی نامتعارف و... است (نونماکر، مک نلی و بلوم، ۲۰۰۳) و با افزایش شادکامی در بین دانشجویان (قمری، ۱۳۸۸ و لویز، ۲۰۰۰) و با افزایش رضایت از زندگی (لیم و پوتنام، ۲۰۱۰ و هدی و همکاران، ۲۰۱۰) همراه هست و همچنین التزام عملی به عقاید اسلامی با گرایش دانشجویان نسبت به مواد مخدر (خوش‌طینت، ۱۳۹۱) رابطه منفی و

معنی داری دارد.

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر با هدف مقایسه آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز با توجه به سبک‌های زندگی غربی و اسلامی انجام گرفته است.

روش بررسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از حیث شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق توصیفی از نوع علمی مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۹۳ است که تعداد آنها برابر ۲۲۵۴۳ نفر برآورد شد. از این تعداد ۱۲۷۳۴ نفر دانشجوی مرد و ۹۸۰۹ نفر دانشجوی زن است. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران به دست آمده است. برای تعیین حجم نمونه، ابتدا براساس فهرست‌های موجود در مرکز آمار و اطلاعات دانشگاه، تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در هر دانشکده تعیین شد و سپس براساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم طبقه آزمودنی‌ها به گونه‌ای انتخاب شدند که تعداد آنها متناسب با فراوانی جامعه آماری بود. نمونه‌ها از میان دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز در مقطع کارشناسی در دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، ادبیات، دامپزشکی، حقوق و علوم سیاسی، مدیریت و حسابداری و اقتصاد انتخاب شدند که در نهایت حجم نمونه ۳۸۰ نفر شد که در دامنه سنی ۲۰ تا ۴۶ ساله بودند. سپس از این افراد خواسته شد تا به پرسشنامه‌های آسیب‌های اجتماعی و سبک زندگی اسلامی و غربی پاسخ دهند و پس از تکمیل توسط پژوهش‌گر جمع‌آوری گردید.

در این قسمت به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات برای تجزیه و تحلیل از دو پرسشنامه مربوط به سبک‌های زندگی و آسیب‌های اجتماعی استفاده شده است.

پرسشنامه آسیب‌های اجتماعی

برای اندازه‌گیری آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. سؤالات مقیاس شامل ۴۱ سؤال بسته پاسخ بود که براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴)، خیلی زیاد (۵) درجه‌بندی شدند. بالا بودن نمره نشان دهنده وضعیت نامناسب آزمودنی و تحمل آسیب‌های اجتماعی زیاد و متعدد است. زیرمقیاس‌های این پرسشنامه در شش شاخص سرقت، خشونت و پرخاش‌گری، اعتیاد به مواد، مسائل جنسی، خودکشی و فرار از خانه می‌باشد. همچنین برای تعیین روایی آنها از روش روایی صوری (با استفاده از نظر اساتید و متخصصان در این زمینه) و برای تعیین پایایی آن از آلفای کرونباخ بهره برده شد. به این ترتیب ضریب پایایی کلی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد و برای هر یک از زیرمقیاس‌ها ضریب پایایی به ترتیب، سرقت (۰/۷۹)، خشونت و پرخاش‌گری (۰/۷۵)، اعتیاد به مواد (۰/۷)، مسائل جنسی (۰/۷۳)، خودکشی (۰/۷۷)، فرار از خانه (۰/۷۱) می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از آلفای کرونباخ که همه متغیرها بالای ۰/۷ می‌باشد، می‌توان گفت که پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

پرسشنامه سبک زندگی اسلامی و غربی

برای سنجش سبک زندگی اسلامی و غربی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است، که شامل ۱۴ سؤال می‌باشد. زیرمقیاس‌های این پرسشنامه در شش شاخص نهاد خانواده و نظام آن، هنر و ادبیات، معماری، ارزش‌ها و نظام ارزشی، الگوی مصرف و اوقات فراغت می‌باشند، که براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴)، خیلی زیاد (۵) درجه‌بندی شدند و برای هر کدام از شاخص‌ها گویه‌هایی طرح شده است. مزیت اصلی این پرسشنامه در مقایسه با پرسشنامه‌های دیگر؛ تعداد کم سؤالات آن در عین

جامعیت است. از نظر متخصصان برای تعیین روایی صوری و محتوایی و به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب پایایی کلی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۵ به دست آمده است.

در این تحقیق از آمار توصیفی برای نمایش اطلاعات جمعیت شناختی استفاده شده است. مبنای نتایج تحلیل در این تحقیق استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌باشد. در مرحله اول نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و در مرحله بعد از آزمون MANOVA فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند که هر دو روش‌های آماری (توصیفی، استنباطی) مورد استفاده در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss19 انجام گردیده است.

یافته‌ها

از کل نمونه مورد بررسی، ۲۷/۵ درصد مرد، ۷۲/۵ درصد زن و ۴۸/۸ درصد مجرد و ۵۱/۲ درصد متأهل و ۳۷/۵ درصد غیربومی و ۶۲/۵ درصد بومی بودند. میزان علاقه به موسیقی دانشجویان به ترتیب، مذهبی ۲۰/۵ درصد، سنتی مجاز ۱۷ درصد، سنتی غیر مجاز ۱/۶ درصد، کلاسیک ۵/۹ درصد، موسیقی جدید مجاز ۴۱ درصد، موسیقی جدید غیر مجاز ۵/۹ درصد، موسیقی‌های خارجی ۸/۱ درصد می‌باشد.

قبل از وارد شدن به مرحله آزمون فرض‌ها لازم است تا از وضعیت نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف اطلاع حاصل شود تا براساس نرمال بودن یا نبودن آنها، از آزمون‌ها استفاده شود.

جدول شماره (۱): آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

متغیر	معناداری دو طرفه
سبک زندگی	۰/۲۳۴
آسیب‌های اجتماعی	۰/۰۷۸
سرقت	۰/۰۸۹
خشونت و پرخاش‌گری	۰/۰۸۱
اعتیاد به مواد	۰/۰۹۱
مسائل جنسی	۰/۳۱۸
خودکشی	۰/۰۷۸
فرار از خانه	۰/۲۳۱

با توجه به این که سطح معناداری برای متغیرهای تحقیق بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، پس فرض صفر تأیید می‌شود و نتیجه می‌گیریم که داده‌های جمع‌آوری شده برای متغیرهای تحقیق نرمال است. جهت بررسی فرضیه تحقیق از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده گردید.

جدول شماره (۲): نتایج مربوط به تحلیل واریانس چند متغیری

مجدور	سطح	درجه	درجه	F	مقدار	
۱	معنی	آزادی	آزادی			
تا	داری	خطا	فرضیه			
۰/۴۲۷	۰	۱۹۲۴/۸۰۱	۲۵۸	۵/۶۳۱	۰/۰۳۵	لامبدای ویلکز

جدول شماره (۲) نتیجه آزمون (لامبدای ویلکز) جهت معناداری اثر متغیر مستقل در مدل را نشان می‌دهد، هرگاه سطح معناداری اثر مورد آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، در آن صورت می‌توانیم نتیجه بگیریم که آن اثر معنی‌دار است و در مدل نقش دارند.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون لون (آزمون برابری واریانس‌ها)

متغیر	F	df1	df2	سطح معناداری
سرقت	۶/۰۸۱	۴۳	۳۲۷	۰
اعتیاد	۵/۴۰۹	۴۳	۳۲۷	۰
انحراف	۶/۲۳۳	۴۳	۳۲۷	۰
خودکشی	۹/۰۸۲	۴۳	۳۲۷	۰
خشونت	۵/۵۲۷	۴۳	۳۲۷	۰
فرار	۱۵/۳۲۸	۴۳	۳۲۷	۰

جدول شماره (۳) جهت سنجش برابری واریانس‌های خطای متغیرهای تحقیق را براساس سبک زندگی نشان می‌دهد، سطح معناداری (sig) همه متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین، واریانس خطای این متغیرها متفاوت می‌باشد.

جدول شماره (۴): نتایج تحلیل واریانس تک متغیری

متغیر	مجموع مجذورات نوع ۱۱۱	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	مجذور ۱ تا
سرقت	۸۱۹/۱۵۰	۴۳	۵۰۷/۳	۵/۴۳۸	۰	۰/۴۱۷
اعتیاد	۹۷۹/۱۷۸	۴۳	۱۶۲/۴	۵/۹۷۰	۰	۰/۴۴۰
انحراف	۶۳۹/۲۱۶	۴۳	۵/۰۳۸	۷/۹۱۶	۰	۰/۵۱۰
خودکشی	۹۹۹/۱۳۹	۴۳	۳/۲۵۶	۴/۶۵۸	۰	۰/۳۸۰
خشونت	۲۱۹/۱۸۸	۴۳	۳/۴۷۷	۷/۶۳۷	۰	۰/۵۰۱
فرار	۵۹۴/۱۰۵	۴۳	۲/۴۵۶	۵/۵۷۳	۰	۰/۴۲۳

جدول شماره (۴) نتایج تحلیل واریانس تک متغیری را نشان می‌دهد. همان گونه که در ذیل ملاحظه می‌شود نتایج همه تحلیل‌ها حاکی از تفاوت معنی‌دار هر کدام از مؤلفه‌های متغیر آسیب اجتماعی در دو سبک زندگی غربی و اسلامی است. به عبارت دیگر میانگین آسیب‌های اجتماعی در میان دانشجویان با سبک زندگی غربی بیشتر از دانشجویان با سبک زندگی اسلامی می‌باشد.

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز با توجه به سبک‌های زندگی غربی و اسلامی بود که نتیجه به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که آسیب‌های اجتماعی (سرقت، خشونت و پرخاش‌گری، اعتیاد به مواد، مسائل جنسی، خودکشی، فرار از خانه) ناشی از سبک زندگی غربی و اسلامی با یکدیگر متفاوت می‌باشند. در مورد مقایسه آسیب‌های اجتماعی براساس این دو سبک تاکنون گزارشی در ادبیات پژوهشی مشاهده نگردیده است.

اما یافته پژوهش حاضر با عقاید نونماکر، مک نلی و بلوم (۲۰۰۳)، که

معتقدند دینداری در برابر اعمالی مانند سیگار کشیدن، نوشیدن الکل، مصرف مواد افیونی، برقراری رابطه جنسی نامتعارف و...، از نوجوانان محافظت می کند و با پژوهش خوش طینت (۱۳۹۱) مبنی بر این که بین التزام عملی به باورهای اسلامی و گرایش دانشجویان نسبت به مواد مخدر رابطه منفی و معنی داری وجود دارد همسو است.

همچنین دالوند و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای که روی اساتید و دانشجویان انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که انحراف از اعتدال فکری، اعتقادی و رفتاری برای پدیده سبک زندگی سلامت محور بر مبنای فرهنگ اسلامی به عنوان متغیر مرکزی یا مشکل اساسی روانی - اجتماعی می باشد. همچنین افزایش میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی موجب ترغیب مدگرایی در افراد می گردد (فرهنگی و کیانا، ۱۳۹۱) و هر چه عزت نفس جوانان بالاتر باشد، میزان گرایش به سبک زندگی غربی کم تر است و بالعکس (عابدی اردکانی، ۱۳۸۸). علاوه بر این، دینداری، معنویت و به طور کلی سبک زندگی اسلامی با افزایش شادکامی (قمری، ۱۳۸۸ و لویز، ۲۰۰۰) و رضایت از زندگی (لیم و پوتنام، ۲۰۱۰ و هدی و همکاران، ۲۰۱۰) همراه و با مدیریت بدن رابطه منفی (علمی و همکاران، ۱۳۸۹) دارد.

در توجیه این یافته می توان گفت از آنجا که ایران از یک طرف در حال تجدید زندگی و رویه اسلامی است و از طرفی به عنوان یک کشور در حال توسعه و در حال گذار از مرحله سنتی به مدرنیسم می باشد، سرعت تغییرات در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی متنوعی بر جامعه ایران وارد شده است، به طوری که طبق گزارش‌های سازمان بهزیستی کشور، طی سال‌های اخیر، آسیب‌های اجتماعی در کشور ما به طور متوسط هر سال ۱۵ درصد رشد داشته‌اند.

به عبارتی، آسیب‌های اجتماعی مشکلات و پدیده‌هایی هستند که موجب

سقوط ارزش‌های اخلاقی در شعاع گسترده در جامعه می‌شوند، هنجارهای قانونی و عرفی را زیر پا می‌گذارند و مشکلات و اختلالات دیگری را در خود فرد یا اطرافیان موجب می‌شوند. آسیب‌های اجتماعی می‌توانند بحران‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی در پی داشته باشند و حتی در مواردی امنیت یک کشور را به خطر اندازند (گلزاری، ۱۳۸۷). میزان موفقیت هر کشور در امر پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی معرف کارایی نظام اجتماعی غالب بر آن جامعه است. در این میان، جوانان از گروه‌های بسیار آسیب‌پذیر در زمینه ابتلا به آسیب‌های اجتماعی هستند. حدود ۵۰ درصد جمعیت ایران را افراد زیر ۲۰ سال تشکیل می‌دهند. بنابراین مهم‌ترین مسأله‌ای که امروزه جامعه ایران با آن رو به رو است سبک‌های زندگی متفاوت در جامعه است که سبب سر درگمی جوانان و اختلاف والدین با فرزندان جوانشان شده است. در همین رابطه، در تحقیقات متعدد در زمینه آسیب‌های اجتماعی در جوانان، برخی از آنها دارای مشکلات اخلاقی نظیر ارتباط با جنس مخالف، داشتن آرایش و پوشش نامناسب و غیرمتعارف و مشکلات رفتاری گوناگونی نظیر پرخاش‌گری و درگیری فیزیکی با گروه همسالان، فرار از منزل، تخریب اموال عمومی و تقلب در امتحانات تشخیص داده شده‌اند (رحمتی و باپیری، ۱۳۷۹). این افراد به رفتارهای پرخطری نظیر کشیدن سیگار، مصرف الکل و مواد مخدر اقدام می‌کنند و انگیزه آنها برای این اقدام، حس کنجکاوی و تجربه چیزهای تازه، فشار گروه همسالان، کسب احساس بزرگی و اعتماد به نفس بیشتر، جبران ضعف‌ها و شکست‌های تحصیلی، جلب توجه دیگران، داشتن الگوهای غلط و نامناسب در خانواده و جامعه، کمبودهای روانی و... است (ستوده، ۱۳۸۰).

ماسون - مونیک ترنر (۲۰۱۰) و مهلکوپ و گراف (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که با تضعیف باورهای اخلاقی پاسخ‌گویان بر میزان رفتارهای انحرافی آنان افزوده شده است.

در واقع، وقتی به جامعه امروز نگریسته شود، یک تضاد و دوگانگی ناشی از برخورد دو نوع سبک زندگی غربی و اسلامی ایرانی که مربوط به دو تمدن غربی و اسلامی ایرانی می‌شوند، مشاهده می‌شود؛ به این معنا که ارزش‌ها و فرهنگ غربی، با هنجارها و باورهای جامعه ما در تضاد است و بسط سبک زندگی غربی، مانعی بزرگ در مسیر تحقق پیشرفت و توسعه مبتنی بر تمدن اسلامی تلقی می‌گردد. از این رو، گسترش سلوک حیات دینی، از ضروریات جامعه می‌باشد؛ یعنی ارائه تفسیری توحیدی از زندگی بر مبنای خدامحوری، متفاوت از سبک زندگی انسان مدارانه غربی است (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۲).

اسلام، با احکام جاودانه خود، سبک زندگی آرمانی و در عین حال واقع‌گرایانه را پیشنهاد نموده است. سبک زندگی اسلامی مبتنی بر نگرشی متعالی به هستی و انسان شکل گرفته است. عالم طبیعت برای آدمیان خلق شده است و جهان غیب و شهود تحت تدبیر خالقی یکتا و بی‌همتا اداره می‌شود (فیضی، ۱۳۹۲، ۴۱). بنابراین بازخوانی آموزه‌های اسلام و ژرف‌اندیشی در آن، به روشنی ظرفیت بالای آن را برای فرهنگ‌سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب نشان می‌دهد، زیرا انتزاعی‌ترین لایه‌های اعتقادی و معرفتی، تا عینی‌ترین سطوح رفتاری که امروزه با عنوان سبک زندگی از آن یاد می‌شود، در چارچوب نظام معنایی اسلام بیان شده است. در این راستا، قرآن که مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود، سرشار از الگوهایی است که شیوه زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می‌کند و در پرتو آیات آن، سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز به عنوان اسوه و نمونه عالی زندگی به تمام مسلمانان معرفی شده است (فاضل قانع، ۱۳۹۳، ۹).

در حالی که، بیشتر جوامع غربی به طور گسترده‌ای از وضعیت رفاهی برخوردارند، یعنی کسی از گرسنگی نمی‌میرد و افراد اندکی در فقر مطلق به سر

می‌برند، در این موقعیت، مشکلاتی که ما در غرب با آنها مواجهیم به طور چشم‌گیری روانی هستند، نه مادی. این مشکلات به ویژه عاطفی و معنوی هستند و به روابطمان با دیگران، احساس بی‌معنایمان، اعتیادهایمان و بهداشت روانی‌مان مربوط می‌شوند (بارکر، ۲۰۰۲). به عبارت دیگر، مطالعات گسترده و کمی درباره‌ی خوشبختی انسان ثابت کرده‌اند که وقتی یک جامعه یا فرد خاص به سطح خاصی از ثروت اقتصادی می‌رسد، هرگونه افزایش درآمد بر بالارفتن سطح سعادت و خوشبختی او تأثیر اندکی دارد یا اصلاً تأثیری ندارد (دینر و بیسواس دینر، ۲۰۰۲). در واقع دین مبتنی بر نیازهای آدمی است و انسان براساس نیازهای فطری، اصیل و تعالی طلب خود و به منظور تأمین صحیح آنها، به دین روی می‌آورد. از طرف دیگر، دین ترسیم‌کننده‌ی نیازهای واقعی و تمایز آنها از نیازهای کاذب انسان است و سبک زندگی انتخابی نیز در راستای تأمین نیازها قرار دارد (شریفی، ۱۳۹۱، ۲۸).

در واقع فلسفه‌ی زندگی مادی، رشد عقل ابزاری و نیل به رفاه دنیوی بوده، ولی فلسفه‌ی زندگی اسلامی به دلالت آیات، روایات، رهایی از حجاب‌های مادی و دستیابی به حیات معنوی و هویت عقلی است (خطیبی و ساجدی، ۱۳۹۲، ۲۴). علاوه بر این، دین از طریق اهمیت دادن به سه اصل تعاون و همکاری، مسئولیت‌پذیری و وفای به عهد، مجموعه‌ی عناصر اصلی سبک زندگی دینی را یک‌جا جمع نموده و افراد را در یک سبک زندگی مشترک می‌سازد، به گونه‌ای که گروه‌های اجتماعی اغلب صاحب یک نوع سبک زندگی شده و سبکی خاص را تشکیل می‌دهند (اصغری، ۱۳۹۲، ۸۹).

بنابر این سبک زندگی در جامعه‌ی قرآنی، از نظر اهداف، مبانی جهان‌بینی و انسان‌شناختی تفاوت‌هایی بنیادین با سبک زندگی غربی دارد (ایروانی، جلائیان اکبرنیا، ۱۳۹۲). لذا، باورهای دینی به عنوان مجموعه‌ای از عقاید، بایدها و نبایدها و نیز ارزش‌های اختصاصی و تعمیم‌یافته، از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به

شمار می‌رود که قادر است معنای زندگی را در لحظه لحظه‌های عمر فراهم سازد و در شرایطی خاص نیز با فراهم‌سازی تکیه‌گاه‌های تبیینی، فرد را از تعلیق و بی‌معنایی نجات دهد (بهرامی، ۱۳۷۸).

در پایان ذکر این نکته ضروری است که یافته‌های پژوهش حاضر، با عنایت به محدودیت‌هایی به دست آمده است: اولاً، با توجه به این که پاسخ دهندگان، گاه به دنبال پنهان نمودن برخی از آسیب‌های اجتماعی خود بودند، لذا برخی از ملاحظات را در پر کردن پرسشنامه مد نظر قرار دادند. ثانیاً، محدودیت در دسترسی به منابع و کتب فارسی مرتبط به موضوع می‌باشد.

نتیجه‌گیری

آنچه امروز جوانان در جامعه شاهد آن هستند و از طریق رسانه‌های مختلف به آنها القاء می‌شود با سبک‌های زندگی خانواده‌ها، که ریشه در فرهنگ و سنت دارد، متفاوت است. بنابراین، توجه به نیازهای جوانان، رفتارهای پرخطر و انحراف و آسیب‌های اجتماعی آنان از وظایف اساسی دست اندرکاران امور جوانان است. لذا، با توجه به نتایج پژوهش حاضر، خوب است که در رسانه ملی غرور ملی و غیرت دینی را تقویت کنیم و میل به امروزی شدن را با الهام گرفتن از آموزه‌های تمدن‌ساز اسلام و فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی خویش و متناسب با هویت فرهنگی خود به فعلیت برسانیم.

منابع و مأخذ

• قرآن کریم.

۱. اصغری، محمود (۱۳۹۲)، «دین، وجدان‌کاری و رابطه آن با سبک زندگی»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۹۷).
۲. ایروانی، جواد و جلائیان اکبرنیا، علی (۱۳۹۲)، «سبک زندگی اقتصادی در جامعه قرآنی و جامعه غربی»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۹۷).
۳. بشریه، حسین (۱۳۷۸)، دولت و جامعه مدنی، گفتمان جامعه‌شناسی سیاسی، قم، نقد و

نظر.

۴. بهرامی احسان، هـ (۱۳۷۸)، «سازش‌یافتگی در آزادگان ایرانی بررسی مؤلفه‌های بنیادین»، رساله دکتری روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۵. تنهایی، حسین و خرمی، ابوالحسن (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه جامعه‌شناختی باورهای دینی و سبک زندگی بر اساس نظریه و روش گافمن: مطالعه موردی کرمانشاه» فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره ۲۵.
۶. خطیبی، حسن و ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، «مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی»، معرفت، سال ۲۲، شماره ۱۸۵.
۷. دالوندی، اصغر؛ مداح، سید باقر؛ سادات خانکه، حمید رضا؛ بهرامی، فاضل؛ پروانه، شهریار؛ حسام‌زاده، علی؛ دالوندی، نیوشا و کیانی، تیام (۱۳۹۱)، «تبیین سبک زندگی سلامت محور مبتنی بر فرهنگ اسلامی»، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، سال یکم، شماره ۴.
۸. ذوالفقاری، عاطفه؛ حجازی، سید رضا و رازی، سمیرا (۱۳۹۲)، «مقایسه کارکرد شبکه‌های اجتماعی در سبک زندگی در دو تمدن اسلامی ایرانی و غربی»، فصلنامه ره‌آورد نور، شماره ۴۴ (پیاپی ۶۱).
۹. رحمتی، محمد نبی و باپیری، امید علی (۱۳۷۹)، «شناسایی عمده‌ترین مشکلات تربیتی دانش‌آموزان دوره‌های متوسطه استان ایلام از دیدگاه دانش‌آموزان، مشاوران و مدیران در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸»، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان ایلام.
۱۰. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۰)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ هشتم.
۱۱. ستوده، هـ. (۱۳۸۷)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ نوزدهم.
۱۲. ستوده، هـ. و بهاری، س. (۱۳۸۶)، *آسیب‌شناسی خانواده*، تهران، انتشارات ندای آریانا.
۱۳. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱)، *همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)*، قم، معارف.
۱۴. شریعتی، ص. الف. (۱۳۹۲)، «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمان، ۴ (۱۳).
۱۵. صدیق سروسناتی، رحمت‌الله (۱۳۸۶)، *آسیب‌های اجتماعی*، تهران، سمت.
۱۶. طولابی، زینب؛ صمدی، سعید و مطهری‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۲)، «بررسی نقش میانجی عزت نفس و خودکارآمدی در رابطه بین سبک زندگی اسلامی و سازگاری اجتماعی جوانان شهر مشهد»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال سوم، شماره ۹.
۱۷. عابدی اردکانی، محمد (۱۳۸۸)، «رابطه عزت نفس و میزان گرایش جوانان به سبک

- زندگی غربی «مطالعه موردی: جوانان یزدی»، فصلنامه سیاست، دوره چهاردهم، شماره ۲.
۱۸. علمی، محمود؛ صباغ، محمود و افتخاری، سوره (۱۳۸۹)، «تعیین رابطه بین ابعاد سبک زندگی و مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال دوم، شماره ۷.
۱۹. عبدی، عباس (۱۳۷۱)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، قم، سپهر.
۲۰. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، تهران، نشر صبح صادق.
۲۱. فاضل قانع، حمید (۱۳۹۳)، «حوزه روابط اجتماعی بر مبنای سبک زندگی اسلامی»، فصلنامه سبک زندگی اسلامی، سال یکم، شماره یک.
۲۲. فرهنگی، علی اکبر و کیانا، هانیه (۱۳۹۱)، «تأثیر رسانه‌ها در تبلیغ سبک زندگی غربی با تأکید بر الگوی پوشش غربی»، فصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۵.
۲۳. فیضی، مجتبی (۱۳۹۲)، «درآمدی بر سبک زندگی»، معرفت، سال ۲۲، شماره ۱۸۵.
۲۴. قمری، محمد (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه دین‌داری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل، روانشناسی و دین»، سال سوم.
۲۵. کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۳)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمد رضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران، مرکز چاپ سوم.
۲۶. کاویانی ارانی، محمد (۱۳۸۸)، *طرح نظریه سبک زندگی براساس دیدگاه اسلام و ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن*، رساله دکتری روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
۲۷. کاویانی، محمد (۱۳۹۱)، *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۸. کاویانی، محمد (۱۳۹۰)، «*کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، روان‌شناسی و دین*»، سال چهارم، شماره دوم.
۲۹. کجباف، محمد باقر؛ سجادیان، پریناز؛ کاویانی، محمد و انوری، حسن (۱۳۹۰)، «*رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان، روان‌شناسی و دین*»، سال چهارم، شماره چهارم.
۳۰. گلزاری، محمود (۱۳۸۷)، «*بررسی میزان، زمینه‌ها و مشکلات روانی - اجتماعی دانش آموزان دبیرستانی اسلام‌شهر، کرج، شهر ری و منطقه ۱۲ تهران (رابطه با جنس مخالف، استعمال سیگار و سوء مصرف مواد، فرار از مدرسه و خودکشی)*»، تهران، دبیرخانه شورای فرهنگی.
۳۱. موسوی، آزاده (۱۳۸۹)، «*مقایسه کارکرد خانواده، کیفیت زندگی، خستگی روانی و نگرانی میان همسران کارکنان مرد طرح اقماری و روزکار شرکت ملی نفت*

- جنوب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
۳۲. موسوی گیلانی، سید رضی (۱۳۹۲)، «چیستی و چرایی سبک زندگی و نسبت آن با دین و مهدویت»، مشرق موعود، سال هفتم، شماره ۲۵.
۳۳. مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳۴. نوابخش، م. و پوریوسفی، ح. (۱۳۸۵)، «نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان»، پژوهش دینی، شماره ۱۴.
۳۵. ویلیامز، ژان پل (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر علم.
1. Barker, C., (2002), Making Sense of Cultural Studies: Central Problems and Critical Debates, London: Sage.
 2. Berliner, L. & Elliot, D. (2002). Sexual abuse of children the APSAC handbook on child maltreatment (2nd ed pp 55-78) thousand oars, CA: sage.
 3. Diener, E. and R. Biswas-Diener, (2002), "Will Money Increase Subjective Well-being? A Literature Review and Guide to Needed Research", in: Social Indicators Research, 57: 119-69.
 4. Headey, B. Schupp, J. Tucci, I. Wagner, G.G . Authentic Happiness Theory Supported by Impact of Religion on Life Satisfaction: A Longitudinal Analysis with Data for Germany. The Journal of Positive Psychology, (2010), 1, 73.
 5. Lewis, C. A. Maltby, J. & Burkinshaw, S. "Religion and happiness: Still no association". Journal of Beliefs & Values, (2000), 21, 233-236.
 6. Lima, C. & Putnam, P. D. "Religion, Social Networks, and Life Satisfaction", American Sociological Review, (2010), 75(6), 914-933.
 7. Manly, J. T., Kim, J. E., Rogosch, F. A. & Cicchetti, D. (2002). Dimensions of child maltreatment and childrens adjustment: Dvelopmental and psychopathology, 13,759-782.
 8. Mason, A., & Monk- Turner, E. (2010) "Factors Shaping the Decision of College Students to Walk or Drive Under the Influence of Alcohol: A Test of Rational Choice Theory". Drug: Education, Prevention and Policy, 17(5) , 560-572.
 9. Mehlkop, G., & Graeff, P. (2010) "Modeling A Rational Choice Theory of Criminal Action: Subjective Expected Utilities, Norms, and Interactions". Rationality and Society, 22(2), 189-222.
 10. Mousavi Jazayeri SM Islamic life style against the west cultural hegemony [Online]. [cited2010]; Availablefrom: URL: <http://resalaat.ir /Members/>

Printable.aspx? itemid=418. [In Persian].

11. Nonnemaker JM, McNeely CA, Blum RW. Public and private domains of religiosity and adolescent health risk behaviors: evidence from the National Longitudinal Study of Adolescent Health. Soc Sci Med 2003; 57(11): 2049-54.
12. Simmel, G. (1990). The Philosophy of Money , Tom Bohomer & Pavid Frisby (Trans.), Second enlarged Ed., NewYork: Routledge.

result of the present research, it is suggested to teach people Islamic and Western lifestyle and damages resulted from them in order to be selected appropriate lifestyle by people.

Keywords: social damages, Western lifestyle, Islamic lifestyle, students

The Comparative Study of Social Damages among Students with Regarding Western and Islamic Lifestyles

Mahdieh Abdoullahi

The most important problem (which today our society is facing) is different lifestyles which cause teenage confusion and provide their deviant behaviors and social pathologies. The aim of this research is to study social pathologies among the students of Islamic Azad University of Tabriz with considering the Islamic and Western lifestyles comparatively. The method of the research from the goal aspect is applied (operational or functioning) and from the method of collecting data is descriptive and of causal-comparative. The statistical population is all male and female students of Islamic Azad University of Tabriz who are studying in 1392/1393 that they are 22543 students. 12734 of them are male students and 9809 are female students. With using Cochran's formula, it was selected a sample of 380 students. In this research in order to study social damages, it is used parameters such as robbery, drug addiction, sexual deviances, violence and running away from home and questionnaires are used to collect data. It is used manovatests (multivariate analysis of variance) to test hypotheses. Findings show that social damages of those with Islamic lifestyle are different from those with Western lifestyle. With considering the

considered and used by authorities.

Keywords: leisure time, active leisure, passive leisure, the Islamic lifestyle

The Scientific Miracle of the Noble Quran Relating to the Prohibition of Drinking Alcohol

Hussein Esmaeili

The issue of this article is to study about the scientific miracle of the Noble Quran about the prohibition of drinking alcohol. Firstly, alcoholic drink has been interpreted then the steps of the prohibition of drinking alcohol has been investigated with considering that drinking alcohol was at the time of “Jahiliyyah” (Period of Ignorance) was current (was prevailed). Its prohibition has been gradually determined (stated) during the time. It is mentioned the philosophies and scientific secrets of the prohibition of drinking alcohol in the Islamic traditions and from the view of medical sciences. At the end, it explores that the prevention of drinking alcohol and being ordered that it is evil is one of the scientific miracle of the noble Quran.

Keywords: alcohol (wine), drinking alcohol, alcoholic drink, drunkard, alcohol

A Scientific Look to Leisure Time

«185»

□ *Ali Heydari*

□ *Ali Asghar Hadi*

□ *Mujtaba Norouzi*

In past, different civilizations and nations have paid attention to leisure time and its spending and had different programs which can be seen in games, championship and arts like painting and narrative. In the modern world and moving to the new city life and creation of new facilities and technologies, the leisure time and its spending has attracted special attention. For work has been separated from private life and transmitted to offices and factories in this period and consequently leisure time and work time has been partitioned as some experts believe that leisure time in today's meaning is the result of the industrial societies. This note with aim to know the types of leisure time from the perspective of sociology in contemporary societies with descriptive-analytic method tries to examine the benefits and damages of leisure time and then with applying the speech and the Seerah (biography -the ways of Aemeh's life), it has mentioned the importance and obligation of leisure time in the Islamic culture from the personal aspect and determined method (strategies) for correct timing to access the Islamic lifestyle. At the end, the paper has studied the social aspect of leisure time and presented suggestions which it is hoped to be

The Protocols of the Environmental Rio and Kyoto from the View of the Islamic Jurisprudential Sources

﴿186﴾

- Rokhshad Hejazi
- Forouzandeh Sadat Mar'ashi
- Shirin Yari

Today, one of the most important global challenges on environment is climate change originated from human activities. The Kyoto and Rio protocols have been produced for global participation in reducing the amount of greenhouse gases which cause climate change in the world. The glorious Islam constantly invites man to the stable preservation and exploitation of natural resources. The general and common (public) Islamic ordinances and specific and explicit orders about environment have been mentioned by the bases of Islam fiqh. The aim of this paper is to review The Kyoto and Rio protocols from the view of Islamic jurisprudence (fiqh) and adapting these similarities which are in the principles of the chapter of climate change in the Kyoto and Rio protocols. This research has presented strategies such as avoiding Materialism and improving consumption patterns with emphasizing on the Islamic Jurisprudential Sources, national integrity and public participation and using technologies trending with environment.

Keywords: climate change, Rio, Kyoto, on the Islamic Jurisprudential Sources

other factors; they indicate the selection and the effect of human will on reckoning benefit and loss. This research from the theoretical framework has surveyed the control patterns in rational choice in order to get the necessary control categories which can be examined with the Quran verses and Islamic traditions and at last, the pillars of this theory have been determined in the form of some principle categories (topics). Categorization is based on the control approach and three strategies have been adopted: situational prevention, punishment and rejection in this case. It is organized in the form of questions of the noble Quran and the Islamic tradition sources and the result has been shaped in the form of the Quranic and tradition attitudes looking to them. The research is of qualitative- descriptive content analysis and the aim of the paper to explore the content analysis of the noble Quran and Islamic tradition and exegesis sources. The issue is: "the description of the Quran and Shia hadith prospect about the proportions of the role-playing of "rational choice in controlling (stopping) deviances.

Keywords: the Quran verses, Shia hadiths (traditions), control, rational choice, punishment, the situational prevention

looked one-sided and have no comprehensiveness. This note tries to use descriptive- analytic method to view the success factors from the point of the religious belief with scientific- Psychological analysis. With observation and paying attention to the religious teachings, it is obtained that the different factors like purposefulness, perseverance, self- reliance, and belief in the existence of one God, to avoid sin (not committing sin), a powerful will and etc. are of the important success factors in life.

Keywords: success, perseverance, self- esteem, belief in the existence of one God, welfare

Islam and the Control Strategies of Rational Choice

□ *EbrahimAbbaspour*

The present research is an attempt to find the answers of the noble Quran and Islamic traditions of Ahl al-Bayt to the questions which they are discussed in the different traditions of rational choice approach about effective variables to control deviance. Therefore, this paper has collected the pivots and basic questions which are regarded by these traditions and are sorted in the thematic categories. For this, we have examined rational choice in different theories which are related to the subject of choice and rationality. The theories study the role of human being in his choices and not with standing the effect of the structures and the

spoil of resources. Whatever the sources and factors of production is used better to achieve the economic growth and development and being less useless and inactive or waste or spoil, the movement toward the resistance (resistive) economy will be promoted (can grow) more quickly. Certainly, it is important to provide its social backgrounds. What make these backgrounds to be prepared are the values and norms appropriate with this great evolution of economic background. Therefore, in this article it is supposed that the close relation between social and economic values and norms with the resistance (resistive) economy that without these values and norms it confronts challenges to access the resistance (resistive) economy.

Keywords: the resistance (resistive) economy, social norms, religious teachings, consumerism

Success Factors with Scientific- Religious Approach

□ *Ali Ahmad Panahi*

The success factors in worldly and spiritual (Godly) life are those issues which are considered by the different schools and religions. They have stated recommendations and instruct (orders) related to the success and fortune (well-being) factors according to their world view (weltanschauung) and their look to the world and their goal. But most of their recommendations do not have harmony with the religious and belief bases of Islam and have been

Abstracts

The Resistance (Resistive) Economy and Its Relation to the Socio- Economic Norms and Values

□ *Mahmoud Asghari*

This paper is going to analyze study and criticize the relationship between the resistance (resistive) economy and the socio-economic norms with the pathological approach with a value and norm look to the consumerism. It is obvious that the Islamic government for his continuing living with independence and social glory needs to provide the basic and vital necessities of his community with using the sources and factors of production with the best and most efficient methods and preventing waste and